



پوهنتون اسلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری فقه قانون



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

مہینیت امور علمی

# تزویر و حکم آن در فقه

(رساله ماستری)

محصله: زرلشت نایل علیزی

استاد رهنما: عبدالله حقیار

سال: 1400 هـ ش 1443 قـ



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# تزویر و حکم آن در فقه اسلامی

(رسالة ماستری)

محصله: زرلشت "نایل"

استاد رهنما: پوهندوی دوکتور عبدالله "حقیار"

سال: ۱۴۰۰ هـ ش - ۱۴۴۳ هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمبت فقه و قانون

بورده ماستری

کتاب

## تصدیق نامه

محترمه زړلشت بنت عبدالقنی: ID نمبر SH-MSF-96-302 محصله دور پنجم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: تزویر و حکم آن در فقه اسلامی به روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۴ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۷ (نمره به عدد) هشتاد و هفت (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور محمد مزمل اسلامی	عضو هیات	
۲	دکتور نجیب الله صالح	عضو هیات	
۳	دکتور عبدالله حقیار	استاد رهنما و رئیس جلسه	



## اهداء

این تیزس را برای پدر بزرگوار و مادر مهربانم که سالیان متمادی در پی تحصیل و تعلیم بنده رنج و محنت های زیادی را متحمل شدند و همه هستی خویش را نثارم کردند تا من را به این مقامی که قرار دارم رسانیدند، هم چنان به شوهر عزیزم که من را در این راستا یاری رسانیده است و هم چنان برای همه کسانی که در راستای خدمت به وطن مانند کوه استوار بوده و شبانه روزی زحمت می کشند تا این کشور را از منجلاب عصبیت، جهالت، بیکاری، استعمار، استثمار و غیره نجات دهند اهداء مینمایم.

## سپاس‌گزاری

(ابراهیم/۷)

ترجمه: و آن‌گاه که پروردگار تان اعلام نمود که اگر واقعاً سپاس‌گزاری کنید (نعمت‌های خود) را بر شما افزون خواهیم کرد.

در نخست حمد، ستایش، شکر و سپاس بی‌حد و مرز خدای را که ذات بزرگش از همه نواقص و عیوب منزّه بوده، بزرگ، بی‌نیاز، رحمن و رحیم است.

درود و سلام بر منجی بشریت، سرور کاینات و نور چشم امت محمد صلی الله علیه و آل و اصحابش که هر یک کوی درخشان در جهان اسلام و الگوی اخلاق حمیده بوده‌اند.

جای مسرت و سعادت است که در این اواخر رهبری پوهنخی شرعیات پوهنتون سلام بنا بر ضرورت مبرم اقدام به آغاز رشته تحصیلی فقه و قانون به سویه ماستری نمود و این اقدام با موفقیت جامه عمل پوشید. که الله الحمد بنده از جمله محصلین دور پنجم این پروگرام می‌باشم و اینک به لطف و مهربانی الله منان و دعاها و تمنیات نیک والدین گرامی ام پایان نامه ماستری خویش را تحت عنوان (تزویر و حکم آن در فقه اسلامی) به پایه اكمال برسانم.

و در همین جا فرصت را غنیمت شمرده از فامیل محترم خود که بنده را در طول مدت این تحقیق به مهربانی و حوصله مندی تمام تشویق نموده و همکاری و مساعدت‌های مادی و معنوی‌شان را با بنده دریغ ننموده‌اند اظهار امتنان و سپاس مینمایم.

و همچنان از رهبری محترم پوهنخی شرعیات، بورد ماستری، استادان معزز و تمام مسئولین و منسوبین برنامه ماستری صمیمانه ابراز سپاس می‌نمایم؛ به خصوص استاد دانشمند، مهربان و عالی‌قدرم دوکتور عبدالله حقیر که با وجود همه مصروفیت‌ها، زحمت رهنمائی من را نیز به عهده گرفته و در تمام مراحل تکمیل این اثر با رهنمائی و مساعدت‌های عالمانه‌شان و به دور از هر نوع سهل‌انگاری و بی‌توجهی بنده را یاری فرموده‌اند؛ اظهار امتنان نموده و برای شان اجر جزیل و پاداش مضاعف خواهانم، و هم از کمک‌های معنوی و مشورت‌های استادانه دانشمند گرامی جناب دوکتور محمد یونس ابراهیمی که در طول دوران تحصیل و در نگارش این اثر بر من ارزانی داشته‌اند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌نمایم.

و همچنان جا دارد تا از سایر استادان و دوستان بسیار خوبم که در این تحقیق با من هرگونه همکاری داشته و در پیدا نمودن مراجع و مصادر بنده را یاری رسانیده‌اند، قلباً اظهار سپاس و امتنان نمایم.

## خلاصه بحث

تزویر از باب تفعیل و مصدر زور و از ماده زور ماخوذ است، و زور در لغت به معنای کذب و سخن باطل آمده و شهادت زور به معنای شهادت دروغ است. تزویر یعنی: امر باطلی را صحیح جلوه دادن و دروغی را راست وانمود کردن، دروغ آراستن و گول زدن و فریب دادن است.

لفظ تزویر دارای مفهوم عام و موسع و معنای خاص و مضیق است. در معنی عام، تزویر به هر نوع قلب حقیقت و دگرگون جلوه دادن واقعیت اطلاق میشود و همه جرایمی که متضمن تقلب و دروغ است همچون شهادت دروغین، فریبکاری، تقلب در مسکوکات و تزویر در معنی خاص را شامل میشود، اما تزویر در معنی خاص تنها بر قلب حقیقت و واقعیت در نوشته جات، اسناد و مدارک و اشیای از این قبیل مثل امضاء و مهر با وجود شرایط خاص قابل اطلاق میباشد که در قوانین وضعی اکثراً همین معنی مورد نظر است، اما آنچه را در این رساله به مطالعه خواهید گرفت بحثی است که هردوی این معانی را در بر دارد و به طور عام به هر دو معنی تماس گرفته شده است.

به همین ترتیب استفاده از اسناد و نوشته جات برای بیان اراده و نیت سابقه طولانی در طول حیات انسانی دارد، ولی در دنیای امروز کاربرد و استفاده از این ابزار به حدی توسعه پیدا کرده که یکی از اجزای مهم زندگی اجتماعی شده است. و از طرفی این اسناد همواره و توسط عدّه مورد سوء استفاده قرار می گیرد که مهم ترین شکل سوء استفاده از آن تزویر و استفاده از اسناد مجعول است. و این عمل از جرایمی است که همه مراجع اعم جزایی و مدنی روزانه با آن سر و کار دارند. و با وجود این رویه قضایی در این زمینه نارساست و مطالعات صورت پذیرفته در باره این جرم نیز ما را بی نیاز از بررسی عمیق تر و دقیق تر آن نمیکند.

و از جانبی بحث مفصلی هم تا اکنون در این مورد به زبان های ملی ما وجود ندارد و در این تحقیق با وجود کمبود منبع و قلت وقت از مراجع معتبر تخصصی و غیر تخصصی فقه اسلامی استفاده بعمل آمده و روش این تحقیق یک روش تحقیقی تحلیلی می باشد. و در رساله هذا کوشش به عمل آمده تا این جرم مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و عناصر و اجزای آن بررسی شود؛ بناءً بحث از بیان مفهوم تزویر در فقه اسلامی آغاز و ارکان و انواع و آنچه به آن مرتب میباشد از اضرار جسیم و اخطار بزرگ، احکام جزایی متعلق به فاعل آن بیان گردیده و با ذکر چگونگی معالجه این مشکل و وقایه از آن تا حد امکان خاتمه یافته است.

واژه های کلیدی: تزویر، حکم، شهادت دروغین، مزور، مجازات.

## فهرست موضوعات

۱	مقدمه
۲	اهمیت موضوع
۲	اسباب اختیار موضوع
۳	سوال های اصلی تحقیق
۳	پیشینه تحقیق
۴	مواد و روش تحقیق
۴	اهداف تحقیق
۵	مشکلات تحقیق
۵	خطه و پلان تحقیق

## فصل اول

### شناخت مفاهیم و مصطلحات

۸	مبحث اول: مفهوم تزویر
۸	مطلب اول: تزویر در لغت
۹	مطلب دوم: تزویر در اصطلاح
۱۰	مبحث دوم: مفهوم حکم
۱۰	مطلب اول: حکم در لغت
۱۰	مطلب دوم: حکم در اصطلاح
۱۲	مبحث سوم: اصطلاحات مرتبط به تزویر
۱۳	مطلب اول: کذب
۱۳	مطلب دوم: غش
۱۴	مطلب سوم: تدلیس
۱۵	مطلب چهارم: تلبیس
۱۶	مطلب پنجم: تحریف
۱۷	مطلب ششم: تصحیف
۱۸	مطلب هفتم: شهادت دروغین



## فصل دوم

### ارکان تزویر، انواع، طرق و شیوه های تزویر

۲۰	مبحث اول: ارکان تزویر
۲۱	مطلب اول: رکن شرعی تزویر
۲۷	مطلب دوم: رکن مادی تزویر
۳۰	مطلب سوم: رکن معنوی تزویر
۳۵	مبحث دوم: انواع تزویر
۳۵	مطلب اول: تزویر در افعال
۴۳	مطلب دوم: تزویر در نقود
۴۳	مطلب سوم: تزویر در اسناد
۴۵	مطلب چهارم: تزویر الکترونیکی
۴۷	مبحث سوم: طرق و شیوه های تزویر
۴۷	مطلب اول: تزویر مادی و شیوه های آن
۴۹	مطلب دوم: تزویر معنوی و شیوه های آن
۵۱	مطلب سوم: تفاوت میان تزویر مادی و معنوی

## فصل سوم

### حکم تزویر، حکمت تحریم تزویر، جرایم مماثل تزویر و اثر تزویر

۵۳	مبحث اول: حکم تزویر و حکمت تحریم آن
۵۳	مطلب اول: حکم تزویر
۶۰	مطلب دوم: حکمت تحریم تزویر
۶۱	مبحث دوم: جرایم مماثل تزویر
۶۱	مطلب اول: تقلید
۶۲	مطلب دوم: خیانت در امانت در اوراق دارای مهر و امضاء
۶۵	مبحث سوم: اثر تزویر
۶۶	مطلب اول: مفهوم ضرر

۶۶	.....	مطلب دوم: دلایل تحریم ضرر
۶۸	.....	مطلب سوم: انواع ضرر
۶۹	.....	مطلب چهارم: ضوابط ضرر برای تزویر

## فصل چهارم

### طرق اثبات تزویر، مجازات تزویر در فقه، وقایه و پیشگیری از تزویر

۷۰	.....	مبحث اول: طرق اثبات تزویر
۷۰	.....	مطلب اول: اقرار یا اعتراف
۷۱	.....	مطلب دوم: شهادت
۷۱	.....	مطلب سوم: قراین
۷۲	.....	مبحث دوم: مجازات تزویر کننده
۷۳	.....	مطلب اول: مجازات مقرر بر تزویر نزد فقهاء
۷۶	.....	مطلب دوم: اشکال مجازات مقرر بر تزویر
۷۸	.....	مطلب سوم: اسباب رفع سقوط مجازات مزور
۸۰	.....	مبحث سوم: وقایه و پیشگیری از تزویر
۸۱	.....	مطلب اول: تربیه
۸۴	.....	مطلب دوم: تکوین انسان صالح
۸۶	.....	مطلب سوم: پخش اخلاق نیکو
۸۹	.....	نتیجه گیری
۹۱	.....	پیشنهادات
۹۲	.....	فهرست آیات قرآن کریم
۹۴	.....	فهرست احادیث
۹۵	.....	فهرست اعلام
۹۶	.....	مراجع و مصادر

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين، و لا عدوان الا على الظالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد الذي ارسله ربه رحمة للعالمين و على آله و صحبه اجمعين.

تزویر، هنر نیست بلکه خطایی است که هستی جامعه را ویران میکند، و آلودگی آن به فریب و تقلب، فرونشاندن ارزشهای را باعث میشود که میراث انبیاء الهی بوده و استواری مجدد آنها به سادگی فراهم نمی گردد. متأسفانه بازار تزویر و تقلب، که با راستی و حق و حقیقت تقابل آشکارا دارد، دیر زمانی است که خاطر انسان و جامعه انسانی را آزرده و رنجور ساخته است و بوده و هستند کسانی که همه روزه شیوه های خاصی از این خطا کاری را به نمایش میگذارند و راه توسعه و پیشرفت بشر را سد میکنند.

در دنیای امروز، تزویر در اسناد و نوشته جات و اوراق، و تقلب در اشیای اعتباری و استفاده از اسناد مجعول و مزوره و تحصیل مال دیگران از این طریق، گونه های از این رفتار ناپسند است که به لحاظ آثار زیان بار اجتماعی، جرم تلقی و در قلمرو حقوق جزا قرار گرفته است. پدیده که از صورت سنتی و کهن در آمده و به شکل نوین و الکترونیکی توسعه پیدا کرده است. از همین جهت تا اکنون قوانین گوناگونی در مورد آن در کشور های مختلف به تصویب رسیده است.

باید یاد آور شد اینکه آگاهی از مسائل فقه اسلامی، امری است حتمی و لازمی تا در پرتو آن مردم در جامعه اسلامی به زندگی خود به آسایش و امن ادامه بدهند، بدین منظور در این اواخر رهبری پوهنئی شرعیات پوهنتون سلام بنابر ضرورت مبرم اقدام نمود تا در رشته تحصیلی فقه و قانون را به سویه ماستری آغاز نماید و این اقدام به استقبال گرم مسئولین مربوطه روبرو و با موفقیت جامه عمل پوشید. که الله الحمد بنده از جمله محصلین دور پنجم این پروگرام میباشم و اینک به لطف و مهربانی الله منان پایان نامه ماستری خویش را تحت عنوان «تزویر و حکم آن در فقه اسلامی» تحریر و به حضور استادان گرامی و بورد ماستری تقدیم می نمایم.

## اهمیت موضوع

اهمیت این بحث در نکات آتی متبلور می‌باشد:

۱. اهمیت هر بحثی موضوع آن می‌باشد اهمیت این بحث نیز بنابر موضوع آن آشکار است؛ زیرا یک موضوع مهم و در عین حال خطیر و بزرگ است که جامعه بشری و اسلامی به آن دست و گریبان گردیده است و باید مردم تمام انواع و حکم شرعی و قانونی هر نوع آن را دانسته و از آن دوری نمایند.

۲. لازم است که این عمل را از طریق نصوص شرعی کتاب و سنت و آرای علماء شریعت بیان نمایم تا بتوانیم جواب مفید در رابطه به حکم این پدیده شوم بیان و آثار خطرناک آن را به معرفی بگیریم تا مردم از آن نهی و حکومت‌ها جهت جلوگیری از آن تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

## اسباب اختیار موضوع

اسباب اختیار موضوع قرار ذیل اند:

۱. عدم وجود اثر و بحث علمی در موضوع: که تمام جوانب آنرا به شکل مفصل بحث نموده باشد خصوصاً به زبان‌های ملی کشور. البته در زبان عربی در مورد جعل و تزویر کتب و رسایل معتبری نگاشته شده است. اما این بحث‌ها قابل استفاده ملت ما نمی‌باشند؛ زیرا از یک سو اکثریت مردم جامعه ما به زبان عربی آشنایی ندارند و از سوی دیگر این کتب طبق قوانین کشورهای متبوع مؤلفین آن با فقه اسلامی مقایسه شده از این جهت استفاده از آن کار آسان نخواهد بود، دانشمندان ایران نیز در این عرصه آثار زیادی از خود بجا گذاشته‌اند ولی این آثار مطابق با قانون وضعی کشور ایران تحریر گردیده است نیاز جامعه ما را در این زمینه مرفوع ساخته نمی‌تواند بدین منظور لازمی به نظر می‌رسد که در کشور عزیز ما نیز به زبان‌های دری و یا پشتو، همه شعبات این موضوع از دیدگاه فقه اسلامی تحقیق و بررسی گردد.

۲. خطرات این پدیده ناگوار و عواقب بد آن: بالای افراد و جوامع انسانی و دولت‌ها که وسیله اکل مال مردم به ناحق و به طریق غیر مشروع می‌باشد چنانچه با این عمل حقایق قلب می‌گردد و حقوق دیگران سلب شده و بر آنها ظلم و تجاوز صورت می‌گیرد، بلکه ظلم آن به جامعه هم سرایت می‌نماید. و این زمانی است که قاضی بنابر اسناد و وثایق تزویر شده که به او تقدیم می‌شود به باطل فیصله می‌نماید. که با آن موازین بر هم می‌خورد و انگیزه انتقام برای ارجاع حق سلب شده مظلوم بر او غلبه می‌کند. در نتیجه آن اضطراب و پراکنده‌گی در میان مردم پیدا می‌شود.

۳. از اسباب اختیار آن تحقیق و پژوهش شرعی این پدیده نا مشروع و بیان حرمت آن از خلال نصوص شرعی و اقوال علماء فقه اسلامی و بیان نظر درست و راجح در موضوع، می باشد.

۴. جهت رفع نیاز جامعه اسلامی و افغانی که در این اواخر از انواع این پدیده شوم و جرم بزرگ رنج می برد.

### سوالات اصلی تحقیق

- ۱- تزویر و حکم آن در فقه اسلامی چگونه مطرح شده است؟
- ۲- مجازات جرم تزویر در فقه اسلامی چگونه مطرح شده است؟

### سوالات فرعی تحقیق

- ۳- انواع تزویر در فقه اسلامی چگونه مطرح شده است؟
- ۴- آثار و شیوه های پیشگیری تزویر چگونه است؟

### پیشینه تحقیق

در خلال بحث و تحقیق دریافتم که این موضوع در بعضی کتب تفاسیر، حدیث و فقه و بعضی کتابهای قانون و بعضی کتابهای قانون و کتب که قانون با شریعت اسلامی به شکل مقایسوی تالیف شده است به بحث گرفته شده، اما کتاب مستقل در این موضوع که به رشته تحریر در آورده شده باشد به چشم بنده نیامد و کتاب های قانون هم که این موضوع را به بحث گرفته به عدم مقایسه موضوع با شریعت اکتفاء نموده است.

از کتب که این موضوع را به شکل اجمالی به بحث گرفته کتاب های ذیل را میتوان یاد آور شد:

۱. احکام جرائم التزویر فی الفقه الاسلامی از سامر برهان.
  ۲. جرایم التزویر و الرشوه فی النظام المملکة العربیة السعودیة از عبدالفتاح خضر.
  ۳. جعل و تزویر و جرایم وابسته به آن از عباس منصور آبادی.
  ۴. جریمة التزویر الالکترونی فی النظام السعودی از عبدالرحمن مهل الروقی.
  ۵. جریمة التزویر فی التشريع الفلسطيني از احمد حسین سعید خلیل.
- که یکی از این مراجع هم به شکل مفصل بالای موضوع بحث ننموده است بلکه اشاره به آن داشته اند و ویژگی بحث بنده در این است که به زبان ملی کشور با در نظر داشت فقه اسلامی میباشد. که از مقدمه آغاز بعد از تفصیل مباحث و مطالب و فروع و ذکر نتایج و مراجع و مصادر به پایان می رسد. هر یک از موارد فوق تحت عناوین و مباحث جداگانه بیان گردیده:

## مواد و روش تحقیق

در این بحث از روش وصفی و تحلیلی و از روش کتابخانه‌ی استفاده شده است.

۱. نظریات فقهاء را در رابطه به جرم تزویر و مجازات آن ذکر و آثار و عواقب آن را بیان نموده ام بعداً مقایسه اقوال و دلایل و مناقشه آن را ذکر کرده و نظر راجح را در موضوع بیان نموده ام.
۲. در این رساله از مصادر و منابع اصلی و معتمد در موضوع به کتاب های تفسیر، حدیث، فقه، لغت و تراجم، مجلات و سایت های الکترونیکی مراجعه صورت گرفته و از آنها استفاده شده است.
۳. به اقوال مذاهب چهار گانه و اقوال و فتوای علماء معاصر در مسایل مربوط به بحث مراجعه شده و دلایل هر مذهب و وجه استدلال هر یک را با مناقشه و نظر راجح ذکر کرده ام.
۴. با استفاده از مصحف المدینة النبویة از آیات قرآنی استناد به عمل آمده با ذکر اسم سوره شماره آیات و ترجمه آن و همچنان تخریح احادیث نبوی از مصادر اصلی آن و درجه حدیث بیان شده است.
۵. همچنان معانی لغوی و اصطلاحی مصطلحات را که در این رساله نیز ذکر گردیده توضیح داده ام با بیان کلمات غامض و مبهم. در مراجع نام مولف کتب مشابه با نام کتاب و جلد و صفحه را به طور کامل بیان نموده ام.
۶. و هم مناقشات موضوعات به شکل مختصر در جای خودش صورت گرفته است.
۷. و در اخیر مهم ترین نتایج بحث که از خلال بحث و پژوهش به آن دسترسی پیدا کرده ام را در خاتمه ذکر نموده و فهرست مصادر و منابع را درج نموده ام.

## اهداف تحقیق

۱. جمع آوری آراء فقهاء و علماء در رابطه به این موضوع و بحث آن به شکل مفصل و مکمل و بیان نظر راجح در رابطه به موضوع مورد بحث.
۲. تطبیق نظریات فقهای قدیم در رابطه به وقائع و صورتهای جدید موضوع تزویر شرح و بیان آن به الفاظ ساده که با زمان معاصر سازگار و مورد استفاده تمام مردم قرار گیرد.
۳. تشخیص قانون عادلانه برای جامعه بشری که در مهار ساختن این پدیده و جرم بزرگ رول و نقش زنده و اساسی را بازی کند.

## مشکلات تحقیق

این بحث موضوع بسیار مهم که عبارت از تزویر است را به بررسی می‌گیرد که از جرایم خطرناک شمرده میشود و در عصر حاضر به اوج خود رسیده و تمام جوامع و دولت‌ها از آن مینالند و اشکال جدید جعل و تزویر بعد از تقدیم تکنالوژی بروز نموده که راه را برای جعل کاران و مزورین آسانتر ساخته است. بنابر این ضرورت اشد وجود دارد تا این موضوع به شکل دقیق و کامل بررسی شود. از این رو بنده اقدام به این تحقیق نمودم و از بزرگترین مشکلاتی که در راستای انجام این تحقیق به آن مواجه بودم کمبود منابع و مراجع بود؛ زیرا در کشور ما هیچ تحقیق مکتوبی در این زمینه به عمل نیامده است. و کتابهای که به زبان عربی نوشته شده اکثراً در کتابفروشی‌ها و کتاب‌خانه‌های کشور ما وجود ندارد. دسترسی به کتب تراش هم در زمینه بسیار مشکل و دشوار بود و زمینه سفر نیز برای بنده جهت تحقیق بهتر، مساعد نبوده است.

طوری‌که برای همه استادان محترم، روشن و هویدا است، تحقیق در مسائل و مباحث دینی، فقهی و حقوقی وقت بیشتری می‌خواهد.

از جانی هم ما در جریان این تحقیق فصل زمستان را نیز پیش رو داشتیم که از یک طرف در این فصل، مطالعه و تحقیق در کتابخانه‌های عمومی بنا بر نبود وسایل گرم‌کن و نبود مکان مساعد، بسیار دشوار بود. و از جانب دیگر مشکل بزرگ دیگری که فرا راه ما بود، تمام این فصل را به بی‌برقی مواجه بودیم. لذا زمینه استفاده از کتب موجود در این کتابخانه‌ها برای ما خوبتر مساعد نبود. گرچه بنده مشکلات زیادی در زمینه داشتیم اما باز هم آنچه در نگارش این رساله، اهمیت دارد، حرکت و کوشش هرچند ناچیز در راه پر خم و پیچ و موضوع تحقیق بوده است.

## خطه و پلان تحقیق

این رساله شامل چهار فصل که هر فصل آن دارای مباحث و مطالب جداگانه میباشد. فصل اول دارای سه مبحث میباشد.

مبحث اول مفهوم تزویر که شامل دو مطلب میباشد، مطلب اول تزویر در لغت و مطلب دوم تزویر در اصطلاح.

مبحث دوم مفهوم حکم که دارای دو مطلب می‌باشد، که مطلب اول حکم در لغت و مطلب دوم حکم در اصطلاح.

مبحث سوم اصطلاحات مرتبط به تزویر بوده که دارای هفت مطلب میباشد، مطلب اول کذب، مطلب دوم، غش، مطلب سوم، تدلیس، مطلب چهارم تلبیس، مطلب پنجم تحریف، مطلب ششم تصحیف و مطلب هفتم شهادت دروغین میباشد.

فصل دوم دارای سه مبحث بود و مبحث اول ارکان تزویر که دارای سه مطلب میباشد.

مطلب اول رکن شرعی تزویر، مطلب دوم رکن مادی تزویر و مطلب سوم رکن معنوی تزویر میباشد. مبحث دوم انواع تزویر که دارای چهار مطلب میباشد. مطلب اول تزویر فعلی، مطلب دوم تزویر در نقود، مطلب سوم تزویر در اسناد، مطلب چهارم تزویر الکترونیکی. مبحث سوم طرق و شیوه های تزویر که دارای سه مطلب میباشد. مطلب اول تزویر مادی و شیوه های آن، مطلب دوم تزویر معنوی و شیوه های آن و مطلب سوم تفاوت میان تزویر مادی و معنوی. فصل سوم که دارای سه مبحث میباشد.

مبحث اول حکم تزویر و حکمت تحریم آن این مبحث دارای دو مطلب می باشد، مطلب اول حکم تزویر و مطلب دوم حکمت تحریم آن.

مبحث دوم جرم مماثل تزویر که دارای دو مطلب میباشد. مطلب اول تقلید، مطلب دوم خیانت در امانت در اوراق دارای مهر.

مبحث سوم اثر تزویر که دارای چهار مطلب میباشد. مطلب اول مفهوم ضرر، مطلب دوم دلایل تحریم ضرر، مطلب سوم انواع ضرر و مطلب چهارم ضوابط برای تزویر. فصل چهارم که دارای سه مبحث میباشد.

مبحث اول طرق اثبات تزویر که دارای سه مطلب میباشد. مطلب اول اقرار یا اعتراف، مطلب دوم شهادت و مطلب سوم قراین.

مبحث دوم مجازات تزویر که دارای سه مطلب میباشد. مطلب اول مجازات مقرر بر تزویر نزد فقهاء، مطلب دوم اشکال مجازات مقرر بر تزویر و مطلب سوم اسباب رفع سقوط مجازات مزور.

مبحث سوم وقایه و پیشگیری از تزویر که دارای سه مطلب میباشد. مطلب اول تربیه، مطلب دوم تکوین انسان صالح و مطلب سوم پخش اخلاق نیکو.



## فصل اول

### شناخت مفاهیم و مصطلحات

شناخت درست حقیقت و ماهیت تزویر وابسته به شناخت و تعریف آن نزد علمای لغت و فقهاء میباشد. تا هم معنای آن به صورت درست واضح گردد و هم پیامد های آنرا به شکل دقیق درک نموده و فرق هایی که بین تزویر و سایر کلمات دارای ارتباط با این موضوع است را تمیز کنیم، حکم تزویر را دانسته و از نصوص شرعی که در این مورد وارد گردیده به صورت صریح و مستقیم و یا غیر مستقیم بیان نموده، آگاهی حاصل کنیم و آنرا از خلال آرای علماء و دلایل آنان درک نموده و حکمتی که در ورای تحریم تزویر است، بشناسیم.

از بارز ترین مقاصدی که اسلام از همان نخستین فجر دعوت خویش اعلان نموده است و پیامبر رحمت صلی الله علیه وسلم در پی تطبیق آن بوده، عدالت بین مردم، منع ظلم با تمام انواع آن و مبارزه در برابر ظلم و ظالمان است تا عدالت به صورت کامل تحقق یافته استقرار و امنیت در جامعه انسانی تامین شود و رابطه آنها با پروردگار شان بهتر و قوی تر گردد. آیات و احادیثی که درین مورد وارد شده و از مبادی زرین سخن میگویند خیلی زیاد است که به عنوان مثال یکی از آنها را در اینجا ذکر می کنیم:

الله متعال **﴿فرماید﴾**: **أَأَنْتُمْ تَبْغُونَ عَدْلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ تَبْغُونَ ظُلْمًا مِنْكُمْ** **﴿ترجمه﴾**: هر آینه خدا به عدل و نیکوکاری و عطا کردن به خویشاوندان امر میفرماید و از بی حیایی و کار نا پسندیده و تجاوز و تعدی باز میدارد، شما را پند میدهد تا باشد که شما پند پذیر شوید.

اسلام قواعد و اصول خیلی مستحکمی را برای رسیدن به عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم و باطل در بین مردم وضع نموده است که مهمترین آن شیوه های مقابله با اعتداء و تجاوز بر حقوق دیگران است و مبارزه با تزویر و تزویر کاران یکی از همین اصول میباشد.

از آنجا که این عمل خیلی خطیر و مهم است لذا اکثر دولت ها قوانینی را برای مبارزه با تزویر روی دست دارند؛ زیرا تزویر آثار خیلی ناگوار و خطرناکی را بر حقوق، امن و استقرار مردم بجا می گذارد و بالآخره نظام و آداب را مورد تهدید قرار میدهد.

---

۱- سوره نحل آیه ۹۰.

اسلام قبل از هر مکتب دیگری این پدیده را شناخته و بر هر نظام و قانون دیگری در امر مبارزه با ظلم و تزویر سبقت جسته است و این کار را با قوانین و اصولی انجام داده است که بشریت در طول تاریخ خود مثال آنرا سراغ ندارد.

## مبحث اول: مفهوم تزویر

### مطلب اول: تزویر در لغت

تزویر از باب تفعیل و مصدر زور و از ماده زور مأخوذ است، و زور در لغت به معنای کذب و سخن باطل است.<sup>۱</sup>

ابن فارس<sup>۲</sup> میگوید: الزاء والواو والرء أصلٌ وَاحدٌ يُدَلُّ عَلَى الْمَيْلِ وَالْعُدُولِ. مِنَ ذَالِكَ الزُّورُ: الكَذِبُ لِأَنَّهُ مَائِلٌ عَنْ طَرِيقَةِ الْحَقِّ.<sup>۳</sup>

ترجمه: الزاء والواو والرء اصل واحد است که بر میل و عدول دلالت میکند. و به همین علت، زور، دروغ را گویند، زیرا که او از راه حق مایل است.

چنانچه الله عزوجل می فرماید: <sup>۱</sup>أَمْ يَبْهَتُونَ بِمِثْلِ عَمَلِهِمْ فَبَدَّلَ اللَّهُ يَوْمَ ذَٰلِكَ الْقُلُوبَ كَمَا يَشَاءُ أَلَّا تُفْعَلَ فِيمَ يَضِلُّونَ وَمَا لَهُمْ بِاللَّحْمَةِ مِنْ عَلَمٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَخْتَارُ لِمَن يَشَاءُ لَأَمْلَأَنَّ جَنَّاتٍ مِن دُونِهِم مَّا يُغْنُونُ ۗ ۙ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۚ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۖ إِلَّا الصَّالِحِينَ ۗ

ترجمه: ببینی (ای بیننده) خورشید را وقتی که طلوع کند ایشان از غار به جانب راست مایل شوند و چون غروب کند از ایشان به جانب چپ تجاوز میکند و ایشان از غار در گشادگی اند.

و الله متعال این واژه را به مفهوم کذب و سخن باطل در این آیات قرآنی بکار برده است: <sup>۲</sup>أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّغْنَوْنَ كَمَا كَفَرُوا بِآيَاتِنَا كَمَا كَفَرُوا قَبْلَ ۗ لَا يَخْتَلِفُ إِلَّا عِنْدَ خُلُوفٍ ۚ وَلَوْ عَمَّ أَصْحَابُ الْقُرْآنِ ۗ وَمَنْ يُضَلِّ اللَّهُ فَلَا سَافِلِينَ ۗ

ترجمه: و آنانی که گواهی دروغ نمیدهند و چون بگذرند بر بیهوده به روش بزرگان بگذرند. و همچنان در این قول الله عزوجل: <sup>۳</sup>أَنْتُمْ ۚ جِهًا ۚ جِهًا ۚ جِهًا ۚ خَمًّا ۚ خَمًّا ۚ خَمًّا ۚ سَمًّا ۚ سَمًّا ۚ سَمًّا ۚ

<sup>۴</sup>.

۱- لسان العرب، جمال الدین ابن منظور، ابو الفضل، طبع اول بیروت ۳۳۶/۴.  
 ۲- ابو الحسن بن فارس بن زکریا القزوینی الرازی، در علوم مختلف عالم بود و از علمای بزرگ در زبان عربی شناخته می شود. اصل از قزوین بوده و مدنی را در همزان سپری نموده است، بعداً به رای رفته و در آنجا وفات یافته است. از تصنیفات وی مقابیس اللغه در شش جلد، المجلد، الصاحبی در علم عربی و کتاب جامع التاویل در تفسیر قرآن و کتب دیگر میباشد. الاعلام للزرکلی ۱۹۳/۱  
 ۳- مختار الصحاح، محمد بن ابی بکر الرازی الحنفی الطبعة الخامسة بیروت ۱۳۹/۱. معجم مقابیس اللغه ۳۶/۳.  
 ۴- سوره الکهف آیه ۱۷  
 ۵- سوره الفرقان آیه ۷۲.  
 ۱- سوره الحج آیه ۳۰.

ترجمه: (حکم) اینست و هر که شعایر الله را معظم بشمارد پس این تعظیم شمردن او را نزد پروردگار او بهتر است، و حلال کرده شده برای شما مواشی مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما پس از پلیدی بتان احتراز کنید و از سخن دروغ (گواهی دروغ) نیز دور مانید.

## مطلب دوم: تزویر در اصطلاح

تزویر در اصطلاح دارای معانی عام و موسع و همچنین معنای خاص و مضیق است که در معنی عام تزویر بر هر نوع قلب حقیقت و دگرگون جلوه دادن واقعیت اطلاق میشود و علاوه بر تزویر در معنی خاص همه جرایمی که متضمن تقلب و کذب است، همچون شهادت دروغین، قسم دروغ، تقلب در مسکوکات و جعل کاری در پول مروج مملکت را شامل میشود؛ اما تزویر در معنی خاص تنها بر قلب حقیقت و تغییر حقیقت در محررات، اسناد، مدارک، و اشیای از این قبیل اطلاق میگردد.

بنابر همین تزویر به صورت های مختلف تعریف گردیده است که یکی از این تعریف ها را که جامع تر و شاملتر میباشد به گونه مثال ذیلاً بیان میداریم:

هُوَ تَحْسِينُ الشَّيْءِ وَ وَصْفُهُ بِخِلَافِ صِفَتِهِ حَتَّى يُخَيَّلَ إِلَى مَنْ سَمِعَهُ أَوْ رَأَهُ أَنَّهُ بِخِلَافِ مَا هُوَ بِهِ، فَهُوَ مِيلٌ عَنِ الْحَقِّ وَ تَمْوِيهِ الْبَاطِلِ بِمَا يُؤْهِمُ أَنَّهُ الْحَقُّ.<sup>۱</sup>

ترجمه: تزویر عبارت از خوب نشان دادن یک شی و توصیف آن برخلاف صفت اصلی آن است تا شنونده و بیننده آنرا بر خلاف حقیقت آن گمان نماید، پس تزویر عبارت از منحرف ساختن از حق و پرده کشیدن بر باطل است به گونه که باطل به مانند حق جلوه نموده و مردم نیز آنرا حق بیندارند.

در مثن آن می توان از مشابهت خط شخصی با خط شخص دیگر نام برد که احیاناً خط شخص اول پنداشته میشود چنانچه در اسناد و دلایل ساختگی و نادرست واقع میشود. این تعریف مورد قبول و اعتماد تعداد زیاد علمای شریعت است<sup>۲</sup>؛ زیرا دروغ و فریب کاری فعلی و قولی را به صورت کامل در بر می گیرد.

## مبحث دوم: مفهوم حکم

۲- جامع البیان عن تاویل آی القرآن معروف به تفسیر الطبری، محمد بن جریر بن یزید بن کنیر الطبری، الطبعة الاولى ۳۱۴/۱۹، سبل السلام ۱۳۰/۴، موسوعة الجنائی الإسلامیه المقارنه ۲۴۰/۱، الموسوعة الفقهیه الكويتیه ۲۵۴/۱۱.

۳- مجموع الفتاوی از ابن تیمیه، تقی الدین ابو العباس احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه، نشر مجمع ملک فهد للطباعة المصحف الشريف ۱۳۷/۷.

شناخت درست حقیقت حکم وابسته به شناخت و تعریف آن نزد علمای لغت، علمای فقه و اصول فقه میباید. همچنان غایت و هدف علم اصول فقه شناخت حکم شرعی است ولی علم اصول از جهت وضع قواعد و روش های که ما را به حکم شرعی می رساند به آن نگاه میکند و علم فقه به اعتبار استنباط عملی آن به اعمال آنچه که علم اصول برای شناخت حکم شرعی وضع کرده است، به آن نگاه میکند.

## مطلب اول: حکم در لغت

حکم در لغت به معنای قدرت، سیطره، دادرسی، قضاء و فیصله بوده<sup>۱</sup> و اصل معنای آن منع کردن<sup>۲</sup> است و زمانی که به شخصی گفته میشود که بالای تو به فلان کار حکم شده است به این معنی که او از خلاف آن کار منع کرده شده باشد.

## مطلب دوم: حکم در اصطلاح: عبارة عن حکم الله تعالى المتعلق بافعال المكلفين<sup>۳</sup>.

ترجمه: حکم عبارت است از حکم الله متعال متعلق به افعال مکلفین.

همچنان حکم از دیدگاه علمای اصول عبارت است از خطاب خداوند که به طریق اقتضاء یا تخییر یا وضع، به اعمال مکلفان تعلق پیدا میکند.<sup>۴</sup>

مقصود از خطاب خداوند هم، کلام مستقیم او یعنی قرآن و کلام با واسطه او یعنی سنت، اجماع و سایر ادله است که خدای متعال برای شناخت حکم خود قرار داده است؛ زیرا که سنت هم، تمام اقوال و اعمال و تقریراتی است که در مقام تشریح و صدور حکم از پیامبر صلی الله علیه وسلم صادر میشود، پیوسته و وابسته به کلام خداوند است، زیرا بیان کننده کلام خداوند و وحی خداوند به پیامبر صلی الله علیه وسلم است، چه خدای متعال میفرماید: <sup>۵</sup> أَمْ أَمْرٌ بِالْحَقِّ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ بِنِعْمِ اللَّهِ وَأَنَّ الْأُنْزُورَ كَذِبٌ.

ترجمه: او (پیامبر) از روی هوی و هوس سخن نمی گوید (و سخن او) جز پیامی نیست که (به او) وحی میشود.

۱- مختار الصحاح باب ح.ک.م ۷۸/۱.

۲- فرهنگ بزرگ جامع نوین، مولف: احمد سیاح، چاپ هفتم، نشر ۱۳۸۷ انتشارات اسلام، جلد اول، حرف هاء، صفحه ۳۹۱.

۳- التعريفات للجرجاني باب الحاء ۹۲/۱.

۴- الوجيز در اصول فقه، دکتر عبدالکریم زیدان، مترجم دکتر فرزاد پارسا طبع اول کتابخانه قلم، ص ۱۹.

۵- سوره النجم آیه ۳-۴.

لازم است که اجماع دارای دلیلی از قرآن و سنت باشد؛ پس اجماع هم به این اعتبار راجع و پیوسته به کلام خداوند است. همچنین سایر ادله شرعی کاشف خطاب خداوند و آشکار کننده حکم شرعی هستند، نه ثابت کننده حکم شرعی. منظور از اقتضاء طلب و درخواست است، خواه طلب انجام فعل باشد یا طلب ترک آن، و خواه این دو نوع طلب الزام و اجبار و خواه بر سبیل ترجیح باشند.

مراد از تخییر، مساوی بودن انجام و ترک فعل برای مکلف بدون ترجیح یکی از آنها بر دیگری و مباح ساختن هر دوی آن ها برای مکلف است.

منظور از وضع، قرار دادن یک چیز به عنوان سبب یا شرط و یا مانع برای چیزی دیگر است.

بنابر این قول الله متعال: <sup>۱</sup> «...»  
ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمان ها و قرارداد ها وفا کنید. یک حکم شرعی است، زیرا خطابی از جانب خدای متعال است که به صورت طلب انجام فعل به یکی از افعال مکلفان تعلق یافته است که آن فعل، وفای به عهد و قرار داد است.

و قول الله متعال: <sup>۲</sup> «...»  
ترجمه: به زنا نزدیک نشوید که گناهی بسیار زشت و بدترین شیوه است. هم یک حکم شرعی است، زیرا خطابی از جانب شارع است که با آن دست برداشتن از انجام یک فعل، یعنی زنا را طلب کرده است.

و قول الله متعال: <sup>۳</sup> «...»  
ترجمه: هر وقت که از احرام به دور آمدید ( و از سرزمین حرام خارج شدید) شکار کنید. هم یک حکم شرعی است زیرا خطاب از جانب شارع در مورد مباح بودن شکار کردن بعد از خارج شدن از احرام است.

و قول الله متعال: <sup>۴</sup> «...»  
ترجمه: آنگاه که نماز خوانده شد در زمین پراکنده شوید. هم یک حکم شرعی است، زیرا خطابی از جانب شارع مبنی بر مباح بودن پراکنده شدن در زمین بعد از فراغت از انجام نماز (جمعه) است.

و قول الله متعال: <sup>۵</sup> «...»

- 
- ۱- سوره المائده آیه ۱.
  - ۲- سوره الإسراء آیه ۳۲.
  - ۳- سوره المائده آیه ۲.
  - ۴- سوره الجمعه آیه ۱۰.
  - ۱- سوره آل عمران آیه ۹۷.

ترجمه: حج خانه (ی خدا) واجب الهی است بر مردم، کسانی که توانایی برای رفتن به آن جا را دارند. نیز یک حکم شرعی است، زیرا خطاب شارع مبنی بر وجوب حج بر مکلفان است.

و قول الله متعال: «أَنْتُمْ أُمَّةٌ مِّنْ أُمَّةٍ»<sup>۱</sup>. ترجمه: دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان کیفری از سوی خدا قطع کنید. هم یک حکم شرعی است، زیرا خطابی از سوی شارع مبنی بر قرار دادن سرقت به عنوان سببی برای قطع دست زن و مرد سارق است.

و قول الله متعال: «أَنَّكُمْ»<sup>۲</sup>. نماز را چنان که باید به همگام زوال آفتاب بخوان. هم یک حکم شرعی است، زیرا خطابی از جانب شارع مبنی بر قرار دادن دلوک (زوال) آفتاب به عنوان سبب وجوب نماز است. و حدیث «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ، وَعَنِ الطِّفْلِ حَتَّى يَحْتَلِمَ، وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَبْرَأَ»<sup>۳</sup> فردی که در خواب است تا زمانی که بیدار می شود و بچه تا زمانی که به بلوغ می رسد و دیوانه تا زمانی که سر عقل می آید، مکلف نیستند.<sup>۴</sup>

### مبحث سوم: اصطلاحات مرتبط به تزویر

یک تعداد کلمات و اصطلاحاتی در تعامل مردم وجود دارد که به صورت جزئی به تزویر ارتباط و پیوند دارد و احياناً معنای آنها در عرف مردم با هم خلط میشود. لذا لازم است اشاره سریعی به این کلمات داشته باشیم تا چهره اصلی تزویر واضح گردیده و گردد و غبار از صورت آن زدوده شود. این کلمات را طی مطالب ذیل واضح میسازم.

### مطلب اول: کذب

---

۲- سوره المائده آیه ۳۸.  
۳- سوره الإسراء آیه ۷۸.  
۴- سنن ابی داود ۱۴۱/۴ حدیث شماره ۴۳۹۸.  
۵- الوجیز در اصول فقه صفحه ۱۹

**الف: کذب در لغت:** الكذب نقيض الصدق. كذب ضد صدق است، و عبارت از مخالفت با حقیقت است، تا دیگران را به این گمان اندازد که آن حقیقت است. چون با واقعیت مطابقت نمی داشته باشد، پس سخن او با ضمیرش مخالف می باشد.<sup>۱</sup>

**ب: کذب در اصطلاح:** هو الإخبار عن الشيء بخلاف ما هو سواء فيه العمد و الخطاء.

خبر دادن از چیزی بر خلاف حقیقت و ماهیت اصلی آن، برابر است که قصداً صورت گیرد یا سهواً.<sup>۲</sup>

**ج: فرق بین کذب و تزویر:** کذب فقط در قول بوده میتواند، چه قول مزین باشد و یا غیر مزین، اما تزویر دروغ همراه با فریبکاری پنهانی را گویند، چه قول باشد با فعل. لذا گفته می توانیم که تزویر شامل تر از دروغ بوده مجال و ساحه کاربرد آن وسیع تر است.<sup>۳</sup>

**مطلب دوم: غش**

**الف: تعریف غش در لغت**

الغش، بالكسر: الاسم منه، والغل، والحقد.<sup>۴</sup>

ترجمه: غش به کسر (غین) اسم است به معنی فریب و کینه.

**ب: تعریف غش در اصطلاح**

و الاسم غش بالكسر ينصحه و زين له غير المصلحة و لبن مغشوش مخلوط بالماء.

ترجمه: آنست که متاع و جنسی را با غیر جنس آن و یا با نوع خراب و ردی همان چیز خلط کند. مانند خلط نمودن آب با شیر.<sup>۵</sup>

**ج: فرق بین غش و تزویر**

---

۱- لسان العرب ۱/۷۰۴  
۲- التعريفات للجرجاني، علی بن علی الجرجانی، الطبعة الأولى، نشر دار الکتب العربی، ۱۸۳/۱، مصباح المنیر ۲/۵۲۸  
۳- الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية - الكويت من ۱۴۰۴ الى ۱۴۲۷ الطبعة الثانية، ناشر: دارالسلاسل ۱۱/۲۵۵.  
۴- القاموس المحيط ۱/۶۰۰  
۵- مصباح المنیر، احمد بن محمد بن علی القیوم ثم الحموی، ناشر: المكتبة العلمية، بیروت، ۲/۴۴۷.

از مجموع سخنان فقهاء و اهل لغت فهمیده میشود که وقوع غش منحصر به معاملات نمی ماند، بلکه در مسایل دینی نیز واقع میگردد. مانند اینکه شخصی خود را به دیگران به عنوان یک شخص صالح، عالم و زاهد جلوه دهد در حالیکه باطن او بر خلاف آن میباشد؛ اما در عصر حاضر کلمه تزویر بیشتر در مورد تغییر حقایق در اوراق رسمی و در معاملات تجارتي بخصوص خرید و فروش و مسایل مربوط به جنس و متاع استعمال میشود. چنانچه دیده میشود تزویر و غش دو لفظ متقارب اند.<sup>۱</sup>

### مطلب سوم: تدلیس

#### الف: تعریف تدلیس در لغت

التدلیس هو کتمان عیب السلعة عن المشتري، و الدّلس هو الظلمة.

ترجمه: تدلیس در لغت به معنای خدعه و پنهان کردن عیب از مشتری بکار میرود و مفهوم ظلمت را نیز را ارائه مینماید، گویا اینکه عمل خود را در تاریکی و ظلمت انجام میدهد.

و تدلیس به معنای کتمان عیب جنس و متاع از دیگران به هدف فریب دادن آنها استعمال میگردد.<sup>۲</sup>

#### ب: تعریف تدلیس در اصطلاح

کتّم البائع العيب عن المشتري مع علمه به مما يوهّم المشتري عدمه.<sup>۳</sup>

ترجمه: پنهان نمودن عیب مبیعه توسط بائع با وجود که بائع به آن عیب علم دارد و این را نیز میدانند که اگر عیب را پنهان نکند مشتری از قبولی آن امتناع می ورزد.

#### ج: فرق بین تزویر و تدلیس

تزویر عامتر از تدلیس میباشد؛ زیرا جوهر و اساس تدلیس را پنهان کردن حقیقت یک شی از جانب بائع تشکیل میدهد تا او گمان نماید که آن شی کامل و درست است. اما تزویر به معنای تغییر فعلی یک چیز است چنانچه در قول نیز صورت میگیرد و مبیعه و غیر آنرا هم شامل میشود. ولی در هر صورت هر دو آن به معنای غش، فریبکاری و دروغ بوده و حرام است.<sup>۴</sup>

۱- الموسوعة الفقهية الكويتية ۲۵۵/۱۱

۲- الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، اسماعيل بن حماد الجوهري الفارابي، الطبعة الرابعة - بيروت ۹۳۰/۳، معجم مقاييس اللغة ۲۹۶/۲، لسان العرب ۸۶/۶

۳- القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا ۱۳۲/۱، مصباح المنیر ۱۹۸/۱

۴- الموسوعة الفقهية الكويتية ۱۲۶/۱۱



## مطلب چهارم: تلبیس

### الف: تعریف تلبیس در لغت

بافتح مصدر، قولک لبست علیه الامر البست خلطت.

اللبس (به فتح لام و سکون با) به معنای خلط و یا پوشیده ماندن امری است.

التبس علیه الامر- موضوع بالایش پوشیده ماند و جهت آنرا ندانست.

و تلبیس: به معنای تشبیه است که در اشکال و خلط شدن تاریکی با شب صورت میگیرد و به معنای مشتبه بودن و عدم وضاحت بکار میرود.<sup>۱</sup>

### ب: تعریف تلبیس در اصطلاح

ستر الحقيقة و اظهارها بخلاف ما هی علیه.

ترجمه: پوشانیدن حق و آمیختن حق با باطل و ظاهر ساختن آن به خلاف حقیقت آن میباشد.<sup>۲</sup>

### ج: فرق بین تزویر و تلبیس

چنانچه دیده میشود تزویر به معنای تغییر یک شیء به گونه است که دیگران همان حالت تغییر یافته آنرا حقیقت تصور نمایند. در حالیکه تلبیس به معنای خلط بین حق و باطل می باشد که در اثر آن جانب مقابل متحیر گردیده و از دانستن حقیقت امر عاجز بماند. یعنی در تمام امور با هم خلط گردیده حقیقت پنهان بنامد و در نتیجه باطل غالب گردد.

پس تزویر سراسر باطل است در حالیکه تلبیس به معنای خلط نمودن حق با باطل و یا کتمان حق است علی الرغم وجود آن.<sup>۳</sup>

### مطلب پنجم: تحریف

### الف: تحریف در لغت

۲- التعريفات للجرجانی ۶۶/۱، لسان العرب ۶/۲۰۲  
۳- التعريفات للجرجانی ۶۶/۱، الموسوعة الفقهية الكويتية ۱۱/۲۵۵  
۴- الموسوعة الفقهية الكويتية ۱۱/۱۲۶

التحريف: تغيير لفظ دون المعنى<sup>۱</sup> به معنای تغییر لفظ بدون تغییر معنی است.

المحرّف (با فتح و تشدید راء): کلمه را گویند که از اصل خود بیرون گردیده و به شکل غلط معروف شده است یعنی در حرف های آن تغییر وارد گردیده ولی معنای آن تغییر نیافته است.<sup>۲</sup>

و عده گفته اند که تغییر لفظی را تحریف گویند.<sup>۳</sup>

### ب: تعریف تحریف در اصطلاح

التغيير في الكلمة بتبديل في حركاتها او تبديل حرف بحرف.

ترجمه: ایجاد تغییر در کلام به وسیله تغییر در حرکات آن، یا تبدیل نمودن یک حرف به حرف دیگر یا یک کلمه با کلمه دیگر.<sup>۴</sup>

### ج: فرق بین تزویر و تحریف

مقصد از تزویر، ایجاد تغییر به مقصد فریبکاری و یا در جهت باطل جلوه دادن حق و حق نشان دادن باطل صورت میگیرد. پس نیت تزویر کننده عاری از بدی نیست؛ اما در تحریف تمام وجوهات احتمال دارد یعنی ممکن است که شخص به قصد فریبکاری دست به تحریف بزند که درین صورت تحت تعریف تزویر داخل مییاشد و احیاناً چنین قصدی را نمی داشته باشد بلکه تحریف بر مبنای علم و به صورت عمدی صورت نمی گیرد، بلکه از جهل او نشأت می نماید.<sup>۵</sup>

در تحریفی که در کلمه صورت میگیرد، احیاناً تغییرات جوهری در آن واقع می گردد و گاهی چیزی دارای اهمیتی را در مضمون آن ایجاد نمی کند، بلکه تغییر منحصر در شکل آن باقی می ماند.

مدلول کلمه تحریف اکثراً در حدود تغییر در کلام منحصر مانده و با ایجاد تغییر در کلمه و شکل آن صورت می گیرد. اما تزویر معنای شامل داشته تغییر در قول و فعل را در بر می گیرد.

---

۱- التعريفات للجرجاني ۵۳/۱.  
۲- مختار الصحاح ۷۰/۱، مصباح المنير ۱۳۰/۱  
۳- التعريفات للجرجاني ۵۳/۱  
۴- مصباح المنير ۱۳۰ / ۱.  
۵- الموسوعة الفقهية الكويتية ۲۵۴/۱۱

مثلاً تزویر در عمر یکی از زوجین در اسناد قانونی و رسمی از نوع تزویر فعلی بحساب می آید و شهادت دروغ یکی از زوجین و یا هردوی آنها مبنی بر اینکه به سن قانونی رسیده اند، از نوع تزویر قولی یا تحریف است. برابر است که تحریف کننده آن دارای نیت نیک باشد و یا نیت بد داشته باشد.

### مطلب ششم: تصحیف

#### الف: تعریف تصحیف در لغت

تغییر اللفظ حتی یتغیر المعنی المراد من الموضع و اصله الخطاء یقال صحفه فتحصفت الی غیره فتغیر حتی التبس.<sup>۱</sup>

ترجمه: آن تغییر لفظی را گویند که در نتیجه آن معنای مراد از آن تغییر یابد. اصل معنای تصحیف، خطاء است. چنانچه گویند: صَحَفْتُهُ فَصَحَفْتُ. یعنی آنرا تغییر دادم پس تغییر یافت تا آنجایی که التباس پیدا کرد.

#### ب: تصحیف در اصطلاح

أن یقرأ الشیء علی خلاف ما اراد کاتبه او علی ما اصطالحوا علیه.<sup>۲</sup>

ترجمه: یعنی عبارت از آن است که لفظ بر خلاف آنچه اراده کرده تلفظ شود و یا برخلاف در اصطلاح معمول است. تغییر در تلفظ کلمه را گویند و منشاء آن اختلاف در تعداد نقطه ها، شکل کلمه، تبدیل یک حرف به حرف دیگر و یا یک کلمه به کلمه دیگر است.

#### ج: فرق بین تزویر و تصحیف

تصحیف به معنای تغییر در شکل کلمه است به هر صورتی که انجام یابد، و یا به معنای تبدیل شدن یک کلمه به صورت کلی به کلمه دیگری، چه از طریق خطاء صورت گیرد و یا از طریق دیگر، به شکلی که منتج به تغییر معنای کلمه گردد بدون این که قصد آنرا داشته باشد. پس قصد و نیت درین صورت از جانب فاعل تحقق نمی یابد. در حالیکه فاعل تزویر قصداً و به نیت تغییر آن عمل را مرتکب میشود. احياناً تغییر در یک کلمه و یا جزء از یک کلمه منحصر نمی ماند تا تزویر کننده به هدف و خواست خود دسترسی پیدا نماید. همچنان تزویر، بر خلاف تصحیف، شامل تغییر قولی و فعلی می گردد.<sup>۳</sup>

۱- المصباح المنیر ۳۳۴/۱

۲- التعریفات ۵۹/۱، الموسوعة الفقهية الكويتية ۱۹۹/۱۰

۱- الموسوعة الفقهية الكويتية ۱۹۹/۱۰

## مطلب هفتم: شهادت دروغین

### الف: تعریف شهادت دروغین (شهادة الزور) در لغت:

الشهادة خبر قاطع و هو مشاهدة و المعاينة.<sup>۱</sup>

ترجمه: شهادت در لغت به معنی خبر قاطع، مشاهده و معاینه و غیره میباشد.

الزور: كذب و باطل را گویند.<sup>۲</sup> پس (شهادت الزور) به معنای شهادت دروغ و باطل میباشد.<sup>۳</sup>

### ب: تعریف شهادت دروغین در اصطلاح

هي الشهادة بالكذب ليتوصل بها الى الباطل من اتلاف نفس أو أخذ مال أو تحليل حرام أو تحريم حلال.<sup>۴</sup>

ترجمه: عبارت از شهادت دروغ است تا بوسیله آن به هدف و مقصد باطل از جمله قتل نفس، گرفتن مال، تحلیل حرام و یا تحريم حلال، برسد.

### ج: رابطه بین تزویر و شهادت دروغ

هدف از متوسل شدن به تزویر و شهادت دروغ عبارت از دسترسی پیدا نمودن شخص ظالم به چیزی است که در آن حقی ندارد، و این کار را با بکار گیری شیوه های کاذبانه و دگرگون جلوه دادن حقایق انجام داده و برای ترویج اقوال خویش به شهادت های کاذبانه استدلال می جویند.

پس به اساس تزویر و شهادت دروغ، اندیشه باطل و کذب است، با این تفاوت که شهادت دروغ متعلق به اقوال است، اما تزویر به افعال نیز سرایت می نماید.

### د: فرق بین تزویر و شهادت دروغ

در این جا لازم است تا مسئله مهمی را توضیح دهیم تا از خلط امور بر کنار بمانیم، و آن عبارت از فرق بین تزویر و شهادت دروغ است.

۲- الصحاح ۴/۲، المصباح المنیر ۱/۳۲۴.

۴- لسان العرب ۴/۳۳۷.

۵- لسان العرب ۴/۳۳۷.

۶- فتح القدير، محمد بن علی بن محمد عبدالله الشوكاني، الطبعة الاولى الناشر: دار ابن كثير - بيروت ۳/۲۲۶، فتح الباری شرح صحیح البخاری ۴۱۲/۱۰ الموسوعة الفقهية ۲۶/۲۶۳.

شهادت دروغ عبارت از گواهی دادن در برابر قاضی می باشد و تزویر چنانچه قبلاً تعریف کردیم، تغییر آوردن در حقایق و مستندات رسمی و یا عرفی را گویند که به قصد فریبکاری و غش صورت می گیرد. این نوع تزویر در عصر حاضر به کثرت انتشار یافته است؛ زیرا بیشترین اعتماد در امور رسمی بر کتابت صورت می گیرد. اما در قدیم چون بر کتابت آنقدر اعتماد نمی کردند، علاوه بر اعتماد بر رسایل و مکتوب های که بدست شان می رسید، شهودی را طلب می کردند تا بر صحت آن شهادت داده و تصریح نمایند که نسبت این نوشته به کاتب آن ثابت و صحیح است. اما امروز موضوع کاملاً بر عکس گردیده و بخاطر اعتماد بر مکتوب ها نیازی به شهود اثبات نمی بینند. به همین علت است که تزویر در مکتوب ها و نوشته های رسمی شایع شده است. و مادامی که یک سند در ظاهر آن صحیح است، هیچ حاجتی به دلایل و شهود بخاطر اثبات آن احساس نمی کنند؛ زیرا سند در ذات خود دلیل اثبات امور دیگری قرار می گیرد، حتی بر شهادت مقدم پنداشته میشود.

و زور (دروغ) را میتوان به دو نوع تقسیم نمود:

۱- زور قولی: مانند شهادت دروغین یعنی سخن دروغ.

۲- زور فعلی: مانند تزویر با تغییر آوردن در چیزهای که بوسیله کتابت ثبت شده است.<sup>۱</sup>

در بحثی که گذشت ماهیت تزویر را تا اندازه زیادی دانستیم و مشاهده کردیم که تزویر مشابهت های زیادی با الفاظ دیگری در همین سلسله دارد. اما هر کدام آن در معنی های خاصی بکار برده میشود. البته بعضی کلمات و اصطلاحاتی هم وجود دارد که با تزویر به صورت کلی و جوهری اختلاف دارد، بخصوص اینکه تزویر با تمام اشکال آن به قصد دگرگون ساختن حقایق و رسیدن به خواست خود به هر طریقه ممکن میباشد، ولی شمولیت معنای تزویر و وسعت مفهوم آن می تواند تمام این اصطلاحات را در بر بگیرد بدون این که مصطلحات سابقه بتواند که مفهوم تزویر را به صورت کامل انعکاس دهد.

## فصل دوم

### ارکان تزویر، انواع تزویر، طرق و شیوه های تزویر

#### مبحث اول: ارکان تزویر

۱- جریمة التزویر الالکترونی فی النظام السعودی، عبدالرحمن مهل الدوقی، جامعة نایف العربیة للعلوم الامنیة، ص ۷۹۰

بعد از آنکه ماهیت تزویر، کلمات مرتبط به آن بیان شد لازم است سخنانی در مورد ارکان<sup>۱</sup> و یا عناصر تشکیل دهنده تزویر نیز ارائه نمایم و از اساساتی آگاهی پیدا کنیم که جرم تزویر از خلال آن شکل میگیرد، تا هیچ کس در جال این جرم واقع نگردیده گرفتار گناه و خشم پروردگار عالمیان نگردد.

محققین در این باب به شرح مطلق ارکان جرم در فقه اسلامی پرداخته اند، اما در این رساله کوشش گردیده تا ارکان مذکور با ارکان تزویر به صورت خاص و از ناحیه شرعی ربط داده شود؛ زیرا در کتب فقه اسلامی بحث مستقل و مفصل در مورد تزویر و ارکان آن وجود ندارد، لذا به ربط و مقارنه بین کتب فقه اسلامی، کتب تشریح جنائی پرداخته ام تا از این طریق به شناخت ارکان تزویر از دیدگاه شرعی برسیم؛ زیرا تزویر از نظر شرع و هم از دیدگاه قانون جرم بحساب می آید.

و برای آنکه عملی جرم و قابل مجازات باشد، لازم است که عناصر ذیل را داشته باشد:

۱- از طرف شرع و یا قانون به عنوان جرم پیش بینی و مجازاتی برای آن تعیین شده باشد (رکن شرعی یا قانونی).

۲- به صورت فعل و یا ترک فعل و با شرایطی که شرع و قانون مقرر کرده است بروز و ظهور پیدا کند (رکن مادی).

۳- یا قصد مجرمانه و یا تقصیر جزایی صورت پذیرفته باشد (رکن معنوی).

علاوه بر این هر جرمی به نوبه خود دارای ارکان و شرایط اختصاصی میباشد که با جرایم دیگر متفاوت است. به طور مثال در جرم سرقت عدم رضایت صاحب مال در حین ارتکاب جرم از ارکان اختصاصی آن است و یا تعلق مال به غیر از جمله شرایط است که در تحقق و پیدایش جرم مذکور مؤثر است. تعدادی از جرایم از حدود همین سه رکن تجاوز نمی کند، و احیاناً ارکان خاص بعضی جرایم با ارکان فوق الذکر تداخل پیدا می کند.<sup>۲</sup>

تزویر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برای تحقق آن علاوه بر ارکان عمومی، وجود بعضی شرایط اختصاصی لازمی میباشد.

**مطلب اول: رکن شرعی تزویر**

**جزء اول: مفهوم رکن شرعی**

۱- ارکان جمع رکن و رکن در لغت به معنای جانب و طرف محکم شی را گفته میشود. لسان العرب ۱۳/۱۸۵، التعريفات ۱/۱۱۲. و در اصطلاح رکن عبارت است از چیزی که وجود شی به آن متوقف باشد و در حقیقت و ماهیت شی داخل باشد. التعريفات ۱/۱۱۲.

۲- التشریح الجنائی الاسلامی، عبدالقادر عودة، الناشر: دارالکتاب العربی بیروت، الطبعة الاولى ۱/۱۱۰، جعل و تزویر وابسته ص ۱۸-۱۷.

برای تثبیت هر نوع جرم موجودیت نص شرعی و یا قانونی که فعل را ممنوع قرار دهد و یا از ترک عملی نهی کند ضروری و حتمی است، برابر است که این نص صراحتاً به تحریم و مرتب شدن عقاب دلالت نماید و یا دلالتاً چنین حکمی را ثابت سازد که در مباحث آینده به ذکر آن پرداخته میشود، در غیر آن فعلی که مجرم انجام میدهد، حتی اگر جرمش ثابت هم باشد، جرم قابل مجازات بحساب نمی آید؛ پس جرم و جزاء جز با نص شرعی از قرآن کریم، سنت نبوی، اجماع امت، اجتهاد سالم و مبتنی بر قواعد و اساسات صحیح، ثابت نمی گردد.

جمهور علمای اصول فقه به این نظر اند که اصل در اشیاء اباحت است: (الاصل فی الاشیاء الاباحه)<sup>۱</sup>. چون نص نشانه طلب بوده و فاعل یک عمل تنها زمانی مورد بازپرس قرار می گیرد که نص قانونی در ممنوعیت آن عمل وجود داشته باشد. و هر نوع مخالفت با قانون فاعل را در معرض پیگرد قانونی قرار دهد.

### جزء دوم: شروط رکن شرعی

رکن شرعی تزویر با تحقق مجموعه از شروط تکمیل می گردد که عبارت اند از:

**الف:** وجود احکام جنائی و یا نصوص مقرر بر جرائم و عقوبات.

**ب:** آن که در وقت ارتکاب تزویر، نصی که جرم بودن آنرا اعلان می کند، نافذ باشد.

**ج:** نص که تزویر را جرم می خواند، در محل و مکان ارتکاب فعل تزویر ساری باشد.

**د:** نص که تزویر را جرم میدانند، بر شخصی که جرم را مرتکب میشود، جاری و نافذ باشد.<sup>۲</sup>

البته در این بحث به تفصیل و تشریح این شروط نمی پردازیم و تذکر مختصر آنرا بخاطر اهمیت و ضرورت توجه به لازم دانستیم؛ زیرا بدون آن رکن شرعی جرم بوجود نمی آید و در نتیجه جرم و جزاء نیز موجودیت نمی داشته باشد، پس جلب توجه به این شروط ضروری بود تا رکن شرعی جرم تزویر کامل گردد و زمانی که این شروط تحقق یافت رکن شرعی تزویر کامل میگردد، در آنصورت میتوان بحث در مورد جرم بودن تزویر را آغاز نمود.

### جزء سوم: مهم ترین قواعدی که بر اهمیت و ضرورت تحقق رکن شرعی تأکید می نماید

۱- القواعد الفقیة و تطبیقاتها فی المذاهب الاربعه، محمدمصطفی الزحیلی، ۱۹۰/۱

۲- التشريع الجنائي الاسلامی ۱۱۲/۱، الجریمة و العقوبه ۲۳۵/۱.

درین جا به ذکر آن قواعد مهمی می پردازیم که دال بر ضرورت رکن شرعی جرایم به صورت عموم و جرم تزویر به صورت خاص، می باشد.

### قاعده اول: لا جریمه و لا عقوبه الا بالنص.<sup>۱</sup>

(جرم و جزاء نیست مگر با موجودیت نص) در ابتداء و قبل از پرداختن در شرح جزئیات این قاعده، لازم است تا سخنانی در مورد پایه اساسی و ستون مستحکم دین اسلام داشته باشیم، به این شرح که الله عزوجل هنگامی که پیامبرانش را با پیام اسلام فرستاد، هیچ کسی را مورد باز پرس و محاسبه قرار نمی داد تا آنکه این رسالت برایش برسد، همچنان هیچ مسلمان (انسان) از افعالی که انجام میدهد، قبل از ورود نص در تحریم آن و بیان جزاء و عاقبت کسی که به آن التزام ندارد و ثواب کسی که به آن پا بند است، مورد محاسبه قرار نمی گیرد.<sup>۲</sup>

از جمله آیاتی که از این معنا سخن می گوید، این آیه کریمه است: **أَتَهْتَدُونَ لِمَنْ هُمْ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُرْسِلُونَ رَسُولًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ غَيْرَ الْمُرْسَلِينَ** ﴿۱۰۰﴾

ترجمه: هر کس که راه بیابد، فقط به (سود) خودش راه می یابد، و هر کس که گمراه شود، فقط به زیان خود گمراه می شود. و هیچ بردارنده ای بار (گناه) دیگری را بر نمی دارد. و ما عذاب کننده نیستیم تا آنکه رسولی فرستیم.

و همچنان الله متعال میفرماید: **أَلَمْ يَجْعَلْ لَّكُمْ تَنزِيلًا مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ مِّنْهُ نَهَارٌ مِّمَّاتٌ فَتَمُوتُ بِهِ السَّجَّادَاتُ وَالْأَشْجَارُ وَأُولُو الْأَرْسَابِ نَسَبًا** ﴿۱۰۱﴾

ترجمه: پیامبران مژده دهنده گان و بیم دهنده گان را فرستادیم تا مردمان را بر خدا الزامی بعد از فرستادن پیامبران نباشد.

این آیات دال بر این است که تحریم فاعل و مرتب شدن عقاب بر فعل او تنها بعد از صدور نص و آگاه شدن مردم از آن، صورت می پذیرد.

همین قاعده در مورد تزویر نیز منطبق می گردد و با ورود نص شرعی که تزویر را جرم قابل جزاء معرفی می کند و مرتکب آن را با عذاب خیلی سخت تهدید می نماید نشانه عدل و رحمت عظیم اسلام بر مردم بر ملا میگردد. و این نشانه ترحمی است که انسان غربی در عصر حاضر آنرا تکرار می نماید، در حالیکه اسلام عظیم چهارده قرن قبل از آن سخن گفته است.

۱- التشریح الجنائی الاسلامی ۱/۱۲۶، الفقه الاسلامی و ادلته ۴/۳۱۴۵.

۲- التشریح الجنائی الاسلامی ۱/۱۲۷، الشبهات و اثرها فی العقوبة الجنائیه فی الفقه الاسلامی مقارناً بالقانون ۱/۹۹.

۳- سورة الاسراء آیه ۱۵.

۴- سورة النساء آیه ۱۶۵.



همچنان آیات زیادی بر تحریم تزویر دلالت دارد لذا بر تمام افراد جامعه لازم است که از این جرم دوری گزینند، جرمی که وبال و تاثیرات سوء آن نه تنها مرتکب آن را متضرر می سازد، بلکه تمام جامعه را در بر میگیرد.

ازین قاعده، عظیم یک تعداد قواعد اصولی دیگری متفرع می گردد که بعضی از آنها را بر سبیل مثال و نمونه ذکر می نماییم تا از طولانی شدن سخن جلوگیری نموده باشیم.

### قاعده دوم: لا حکم لأفعال العقلاء قبل ورود النص<sup>۱</sup>.

قبل از ورود نص افعال انسانهای عاقل هیچ حکمی ندارد:

**اصل این قاعده:** علمای اصول فقه و کسانی که این قاعده را پذیرفته اند به نصوصی از قرآن کریم استناد می نمایند، از جمله آن قول الله متعال است که می فرماید: **أَتَهْتَمُّ بِجَمِّ حَمٍّ خَمٍّ سَمٍّ** □□□□□□□□□□

ترجمه: هر کس که راه بیابد، فقط به (سود) خودش راه می یابد، و هر کس که گمراه شود، فقط به زیان خود گمراه می شود. و هیچ بردارنده ای بار (گناه) دیگری را بر نمی دارد. و ما عذاب کننده نیستیم تا آنکه رسولی فرستیم.

یعنی قبل از رسالت آسمانی به کسی عذاب داده نمی شود، بنابر این قبل از بعثت، وجوب و حرمتی وجود نداشت. و این نهایت عدل او تعالی می باشد چون با تأسی از این حکم، باید از کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم پیروی نموده و کسی را بر افعال او قبل از ایجاب یا تحریم نباید مورد بازپرس قرار دهیم. و استدلال عقلی که در این رابطه دارند، به شرح است که ثبوت حکم تنها از طریق شرع و یا از خلال استناد عقل بر نصوص شرعی صورت می گیرد، و قبل از ورود شرع هیچ قانون و شریعتی وجود ندارد و عقل به تنهایی صلاحیت تحریم و تحلیل را ندارد، لذا هیچ حکمی بر عمل انسان صادر کرده نمی تواند.<sup>۲</sup>

پس افعال مکلفین به حل و حرمت موصوف شده نمی تواند، مادامی که نصی در ایجاب و یا تحریم آن وارد نشده است.<sup>۳</sup>

### قاعده سوم: الأصل فی الأشياء و الأفعال الإباحة.<sup>۴</sup>

۱- الاحکام فی اصول الاحکام، سید الدین علی بن محمد ابو الحسن الآمدی الناشر: المکتب الاسلامی بیروت، ۹۱/۱، التشریح الجنائی الاسلامی ۲۶۵/۱، الفقه الاسلامی و ادلته ۴/۳۱۴.

۲- سورة الاسراء آیه ۱۵.

۳- الاحکام فی اصول الاحکام للآمدی ۹۱/۱، الشبهات و اثرها فی العقوبة الجنائية فی الفقه الاسلامی مقارناً بالقانون ۹۶/۱.

۱- البحر المحیط فی اصول الفقه، ابو عبيد الله بدرالدین محمد بن عبدالله بن بهادر الزرکشی، الناشر: دار الکتبی، الطبعة الاولى ۲۰۰/۱.

۲- التشریح الجنائی الاسلامی ۱۱۵/۱، الاحکام فی اصول الاحکام للآمدی ۱۷۸/۱.

اصل در اشیاء و افعال اباحت است:

معنای سخن این است که افعال مکلفین به وجوب و حرمت توصیف شده نمی تواند بلکه تمام آن موقوف به حکمی است که در شریعت نازل میگردد.

اصل این قاعده:

در تثبیت این اصل، به یک تعداد آیات قرآنی و احادیث نبوی استدلال نموده اند.

از قرآن کریم: این قول الله متعال است که می فرماید: <sup>۱</sup> أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ <sup>۲</sup> لِيُحَذِّدَهُمْ

ترجمه: اوست کسی که آنچه در زمین است همه را برای شما آفرید، آن گاه به آسمان پرداخت و آنها را به هفت آسمان استوار داشت و او به همه چیز داناست.

الله سبحانه و تعالی در کتاب خویش و در سنت پیامبر گرامی اسلام، حلال و حرام را به صورت واضح بیان کرده است. و آنچه بیرون از این دایره ها قرار دارد، بر اصل یعنی اباحت بر می گردد. تا زمانی که از خلال اجتهاد فقهای که بر مصادر اصلی تشریح متکی اند، به حرمت و یا وجوب آن نرسیم.

از سنت نبوی صلی الله علیه وسلم: عن عامر بن سعد بن ابی وقاص، عن ابیه، ان النبی صلی الله علیه وسلم قال: «ان اعظم المسلمین جرماً من سأل عن شیءٍ فحرّم من اجل مسألته»<sup>۲</sup>.

ترجمه: عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدر خود روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: آن مسلمانی بزرگترین گناه را مرتکب میشود که در مورد چیزی سوال میکند که هنوز حرام نشده، پس به سبب سوال او حرام می شود.

وجه دلالت حدیث مبارکه این است که حلال و حرام در دین اسلام واضح و روشن است و آنچه که از حکم آن سکوت گردیده بر اصل اباحت است تا آنگاه که حکم بر آن نازل گردد. و یا علماء کرام حکم آنرا استنباط نمایند.

با این ملاحظه که اعتماد بر این قاعده در عدم موجودیت دلیل و یا اجتهاد فقهای متمکن در علوم شرعی و عالم در علوم مختلف شرعی، صورت می گیرد. این دلیل میتواند از قرآن، سنت، قیاس، استحسان و یا از استصحاب و سایر دلایل معتبر شرعی باشد.

۳- سوره البقرة آیه ۲۹.

۴- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج ابو الحسن القشیری، الناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، حدیث شماره ۲۳۵۸.

از آنچه گفته آمدیم واضح می‌گردد که این دو قاعده با هم در یک جهت در حرکت می‌باشند. و آن عبارت از عدم باز‌پرسی و پیگرد فاعل از انجام و یا ترک فعلی که در مورد تحریم و یا ایجاب آن نصی وجود نداشته باشد.<sup>۱</sup>

اما در مورد تزویر میتوان گفت که به سبب وجود حکم شرعی که بین فقهای کرام مورد اتفاق بوده و بر اساس اجتهاد درست در مورد قواعد تعزیری استوار است، باید بر مرتکب آن جزای مناسبی تعیین گردد، که تعیین آن بر اجتهاد و تقدیر قاضی و یا ولی الامر مسلمانان بر می‌گردد.

پس اگر در فعلی که از سوی جانی انجام می‌یابد، شبه وجود داشت، مانند اینکه نص وارده بر مکان و یا زمان جرم و یا بر شخص جانی ساری نبود، و یا به این گمان بود که افعالش تحت نص صریح داخل نمی‌باشد، در این صورت عقوبتی بر جانی لازم نمی‌گردد.<sup>۲</sup>

و مادامی که تمام نصوص شرعی، به شکل صریح و بدون هیچ‌شکی دال بر حرمت تزویر و مجرم دانستن تزویر کننده است، قاعده (لا جریمه و لا عقوبة الا بالنص)<sup>۳</sup> درین مورد انطباق می‌یابد. پس هر کسی که با ارتکاب تزویر از حکم الله عزوجل و رسول او مخالفت می‌ورزد، مجرم شناخته شده و مستحق عقوبت می‌باشد.

#### قاعده چهارم: لا رجعية فی التشريع الجنائی.<sup>۴</sup>

قانون جنائی اثر رجعی ندارد:

معنای این قاعده چنین است که مجرم بخاطر افعال و اعمالی که قبل از نزول نص مرتکب شده بود در عصر رسالت مورد عقاب و مجازات قرار نمی‌گرفت.

این قاعده در عصر حاضر، بر آن عده قوانین و فیصله‌های شرعی قابل تطبیق است که در مورد جرایم مختلف جدیداً اتخاذ می‌گردد.

و اشکال و صورت‌های جدید تزویر نیز درین زمره قرار دارد. البته قوانینی که استنباط آن از مصادر فرعی و یا نصوص عامه صورت می‌گیرد و فقهاء در اجتهاد خویش بر آن اعتماد داشته‌اند.

و چون به صورت قطعی دانستیم که تزویر حرام است لذا در عصر حاضر مجالی برای تطبیق این اصل وجود ندارد. البته تطبیق این اصل در فیصله‌ها و احکام قضائی مربوط به جزای تزویر از نگاه شدت و خفت آن ممکن است.

۱- التشريع الجنائی الاسلامی ۱/۱۱۵.

۲- الجریمه و العقوبة فی الفقه الاسلامی القاهره دار الفكر العربی ۱/۲۶۲، الوجیز فی القانون الجنائی العام از منصور رحمانی ص ۱۳۴.

۳- الفقه الاسلامی وادلته، دوکتور وهبة الزحیلی، الناشر: دارالفکر - دمشق، الطبعة الرابعة ۳۲۷/۷.

۴- التشريع الجنائی الاسلامی ۱/۲۶۲، الوجیز فی القانون الجنائی العام از منصور رحمانی ص ۱۳۴.

همچنان در صورتی انطباق پیدا میکند که فیصله ها و اجتهادات تغییر یابد و تغییر جدید به مصلحت تزویر کننده باشد. مانند: اینکه تازه مسلمان شده و اطلاع کامل از نصوص شرعی نداشته باشد و یا تمام چیز های که به وی گفته شده است به صورت درست نفهمیده و به کسی نیاز دارد که در فهم مسایل با وی مساعدت نماید و یا در مکان دور دست قرار داشته و وسایل ارتباط را ندارد و یا در دار کفر زندگی می نماید. اما نباید فراموش کرد که دو صورت اخیر الذکر در عصر حاضر در موجودیت اینترنت کاملاً منتفی باشد؛ زیرا این وسایل در هر جا و در دسترس هر شخص قرار دارد. مثال آن را میتوان چنین ارائه کرد که: شخصی به تزویر اسناد پرداخته و در اثر آن بنابر قوانین موجوده به مدت معینی به حبس محکوم گردید. اگر قوانین تغییر یافته و مطابق آن حکم اصلی از مدتی که قبلاً وجود داشت تخفیف یافت، در آن صورت جایز است که مدت حبس او بنابر قانون جدید تخفیف یابد.<sup>۱</sup>

از این قاعده دو قضیه مستثنی می باشد:

**الف:** در صورتی که عقوبت جدید خفیف تر از مجازات معمول به، در حق تزویر کننده صادر گردد، چنانچه در بحث فوق گفته شد، باید عقوبت خفیف تر تنفیذ شود. و از آنجاییکه هدف از مجازات جلوگیری از جرایم و حمایت فرد و جامعه از مجرمین می باشد. و این هدف از خلال هر عقوبتی بدست آمده میتواند و ممکن است که عقوبت خفیف کار آیی بیشتری درین راستا داشته باشد.

**ب:** در صورتی که تزویر کننده مرتکب فعلی گردد که نظام عمومی<sup>۲</sup> را با خطر مواجه سازد. و در اثنای ارتکاب جرم تزویر، عقوبت معینی مشروع نشده باشد. بعد از آن مراجع قانونی عقوبتی را برای آن تعیین نماید. در این صورت جایز است که فاعل تزویر را مجرم قرار داده و جزای تعیین شده را بر وی تطبیق نمود. و با این مجازات است که آثار منفی عملکرد او از جامعه محو میگردد.

علت این استثناء در این است که جانی مرتکب چنان عمل خطرناک گردیده است که ممکن است منتج به فتنه بزرگ و قتال بین مسلمانان گردد و با این مجازات آثار منفی آن از میان می رود.<sup>۳</sup>

### **مطلب دوم: رکن مادی تزویر**

تزویر از جمله جرایم ایجابی است که شارع از ارتکاب و واقع شدن در آن نهی فرموده است، طوریکه الله متعال میفرماید: **أَتَهْتُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ فَمُرُوا بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ** .<sup>۴</sup>

۱- التشریح الجنائی الاسلامی ۲۶۲/۱.  
۲- نظام عام آنست که اتفاق بر خلاف آن جایز نیست و یا مجموعه قواعدی است که مخالفت با آن جایز نبوده و برای همگان ملزم می باشد. النظام العام و الآداب العامة.  
۱- التشریح الجنائی الاسلامی ۲۶۶/۱ و ۲۷۰، الوجیز فی القانون الجنائی العام از منصور رحمانی ص ۱۳۴.  
۲- سوره الحج آیه ۳۰.

ترجمه: (حکم) این است و هر که شعائر خدا را تعظیم کند پس این تعظیم کردن او را نزد پروردگار او بهتر است و حلال کرده شد برای شما مواشی مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما پس از پلیدی بتان احترام از کنید و از سخن دروغ (گواهی دروغ) نیز دور مانید.

جرائم ایجابی (مثبت) عبارت از تمام افعالی است که در اثر تحرک و نشاط ایجابی به صحنه وجود تبارز نموده و مرتکب آن مستحق مجازات می باشد.

و به تعبیر دیگر فعل حرامی است که ارتکاب آن موجب عقوبت می گردد. و از آن جا که شارع حکیم از تزویر نهی کرده است، پس هر شخص که اقدام به تزویر کند، در حقیقت مرتکب جرم گردیده و عمل او فعل حرام پنداشته میشود.

### جزء اول: مفهوم رکن مادی

عبارت از ارتکاب فعل و یا قول ممنوع است، به گونه که از شخص مجرم عملکرد و تصرفی واقع گردد که شرعاً ممنوع می باشد برابر است که عمل ایجابی باشد و یا سلبی، و از جمله محظورات باشد که شریعت بر ارتکاب آن مجازات مقرر کرده است.<sup>۱</sup>

### جزء دوم: عناصر رکن مادی تزویر

- ۱- عملکرد جرمی و اقدام به تزویر یا تغییر حقیقت.
  - ۲- موجودیت رابطه سببی بین فعل و نتیجه.
  - ۳- تحقق یافتن نتیجه جرمی که (ضرر) است.
- بر علاوه عناصر فوق قانون گذار شرایط و جهات دیگری را از قبیل وسیله، وصف و خصوصیت مرتکب، مکان و زمان و ... را در تحقق جرم موثر دانسته است که این شرایط نیز بخش از رکن مادی تزویر را تشکیل میدهد.<sup>۲</sup>

در ذیل تطبیق این عناصر بر تزویر را بیان میداریم که اول آن تصرف جرمی است که بوسیله گامهای ذیل صورت می گیرد.

### عناصر اول: عملکرد جرمی یا رفتار مجرمانه:

۳- الجریمة و العقوبة، ابو زهره ۲۷۲/۱.  
۱- جرائم التزوير و الرشوة فی النظم المملكة العربية السعودية ث ۲۹، جعل و تزوير و جرائم وابسته ص ۲۳.

لازم است که جرم از تصرف یا عمل کرد شخص نشأت کرده باشد اعم از اینکه شخص فاعل اصلی باشد یا شریک ارتکاب تزویر، پس اگر تزویر در اثر تصرف و عمل فرد نشأت نکرده بود عمل وی جرم محسوب نگردیده و مستحق مجازات نمیباشد.<sup>۱</sup>

و حال رفتار یا عمل شخص به دو نوع است: یکی سلوک ایجابی است که همانا ارتکاب عمل مخالف شرع بوده و به نام جرایم ایجابی یاد میشود، و دیگری ماهیت امتناعی دارد که به نام ترک فعل یا جرایم اهمالی یا سلبی مسمی میشود، که ذیلاً اشاره مختصری به هر یک را ارائه میداریم تا واضح سازیم که عمل مزور تحت کدام یک از این دو نوع قرار دارد.

### الف: جرایم ایجابی

جرایمی که حالت اثباتی یا ایجابی دارد عبارت از ارتکاب آن دسته جرایمی است که شریعت و قانون از آن نهی کرده است. که اکثریت جرایم از این نوع بوده و به انجام یک فعل مادی مثبت تحقق می یابند. مثلاً: اقدام به تزویر، اقدام به جعل، فریبکاری، ربودن مال دیگری، تنقیص در ترازو، خیانت در امانت و غیره. این همه اعمالی هستند که با رفتارهای ایجابی (فعل) و تصرف فعال عامل محقق می شوند.<sup>۲</sup>

### ب: جرایم سلبی

جرایم سلبی یا ترک فعل عبارت از آن دسته جرایمی است که انسان از یک عمل واجب یا از اداء حق دیگران سرپیچی نمایند مانند ترک نماز و زکات یا امتناع مرتد از توبه یا مانند خودداری قرضدار از اداء قرض با وجود داشتن امکانات، قابل یاد آوری است که در جرایم ایجابی مجازات به نفس فعل جرمی است اما در جرایمی سلبی، مجازات به خاطر دوام به امتناع است، مثلاً مجازات تارک زکات بخاطر استمرار به اساس ترک و امتناع از دادن زکات.<sup>۳</sup>

حالا چون دانستیم که تزویر از جمله جرایم ایجابی است، پس هر اقدامی که تزویر کننده انجام میدهد، اساس رکن مادی جرم را تشکیل میدهد چون بر عمل او ضرری به یک فرد و یا فسادی به تمام جامعه مواجه می گردد.

و مجرم در صورتی تزویر کننده خوانده میشود که مبتغی یا هدف خود را بغیر حق و به واسطه محرف ساختن حقیقت و تغییر آنچه که صحیح است به دست بیاورد، تا به مصلحت شخصی او و یا شخص دیگر تمام گردد. البته اینکه تزویر با مهارت و بصورت فنی صورت گیرد و یا غیر فنی یکسان است. و مهم

۲- المسئولية الجنائية في الفقه الاسلامي، احمد فتحي بهنسي، الناشر: دار الشروق - بيروت، الطبعة الرابعة، ص ۳۹.

۳- الجريمة والعقوبة في الفقه الاسلامي، ابو زهره ص ۹۱-۹۲.

۴- الجريمة والعقوبة، ابو زهره ص ۹۲.

اینست که بیننده در اولین دیدن فریب خورده و بین اصل و چیز مزور فرق نتواند به دلیل تشابه بین شیء مزور و شیء اصلی.

بالاخره واضح میگردد که هر نوع تغییر آوردن در حقیقت بغیر حق، که منتج به ضرر دیگران گردد، جرم پنداشته میشود، مرتکب آن مجرم و عمل او تزویر نامیده میشود. و مستحق عقابی می گردد که قاضی آنرا برای زجر و ممانعت مزور مناسب میداند تا عبرتی برای دیگران گردیده و از بازی با حقوق دیگران دست بردار گردد.

### عنصر دوم: موجودیت رابطه سببی بین فعل (تزویر) و نتیجه

موجودیت رابطه سببی بین فعل و نتیجه یکی از عناصر رکن مادی میباشد که در صورت عدم توافر آن این رکن معدوم میگردد و عمل شخص را جرم گفته نمی توانیم و طوریکه گفتیم سبب مسئولیت جزائی عبارت از ارتکاب عمل منهی عنه و مخالف قانونی و یا امتناع از عمل واجب و قانونی است اما این دو وقتی سبب مسئولیت شده میتواند که رابطه سببیت بین فعل و نتیجه واقع شده موجود باشد.

در تمامی جرایم عمدی ای که (تحقق نتیجه) شرط آن جرایم است وجود رابطه سببیت حتمی و ضروری است. اما در آن دسته جرایم عمدی ای که صرف نظر از حصول یا عدم حصول نتیجه مورد منع قانونی قرار گرفته اند احراز رابطه سببیت در آن ضروری نیست مانند شروع به جرم یا بعضی جرایم امتناعی که منجر به نتیجه نگردیده باشد. بناءً گفته میتوانیم که در اکثر جرایم عمدی رابطه سببیت حتمی بوده فقط در بعضی جرایم استثناء ضرورت به این رابطه نیست و آن هم جرایمی است که تحقق نتیجه در آن لازمی نباشد.<sup>۱</sup>

و چنانکه واضح گردید تزویر از جرایم عمدی است که بنابر حکم قانون توافر این عنصر در آن ضروری می باشد.

در جرایم غیر عمدی همواره لازم است که میان خطای جزایی متهم و نتیجه نا خواسته رابطه علت و معلول بر قرار باشد؛ زیرا جرایم غیر عمدی مقید به نتیجه و ایجاد خسارت و صدمه هستند و جرم غیر عمدی مطلق (بدون قید نتیجه) موجود نمی باشد از این رو در همه جرایم غیر عمدی (بدون استثناء) رابطه سببیت حتمی است.<sup>۲</sup>

۱- الموسوعة الجنائية في الفقه الاسلامي دراسة فقهية مقارنة، مكتبة العلم للجميع بيروت، الطبعة الاولى، ۱/۴۵-۵۱، الوجيز في القانون الجنائي العام ص ۹۹.

۱- الموسوعة الجنائية في الفقه الاسلامي دراسة فقهية مقارنة ۱/۴۵-۵۱، الوجيز في القانون الجنائي العام ص ۹۹.

به همین ترتیب اگر مُزور، مرتکب تزویر با تمام ارکان آن گردید در این صورت عمل وی جرم کامل و تام نامیده میشود و مجازات بر آن مرتب میگردد. ولی اگر عمل وی به سببی از اسباب به اتمام نرسیده عملیات را که مرتکب آغاز نموده است، نا تمام و ناقص بماند، جرم ناقص و یا غیر تام بوده و به زبان قانون (شرع در تزویر) نامیده میشود.<sup>۱</sup>

### **مطلب سوم: رکن معنوی تزویر**

برای تحقق تزویر، رکن مادی به تنهایی کافی نیست؛ بلکه تزویر و هر جرم دیگری زمانی به صورت تام و کامل در خارج بروز و ظهور پیدا میکند که با رکن معنوی (روانی) همراه باشد. این رکن مبین رابطه نفسانی و روانی خاصی است که عمل جرمی و مرتکب عمل را با یک دیگر مرتبط میسازد.

عمل یا رفتار مجرمانه را نمیتوان یک حرکت عضوی محض به حساب آورد، بلکه چنین رفتاری یک حرکت ارادی است که مبین یک خصوصیت نفسانی نیز میباشد. بنا بر این رکن معنوی جرم از یک نیروی باطنی و نفسانی سر چشمه می گیرد و این نیروی نفسانی همان اراده است، اراده که به نحو ایجابی و یا سلبی به ارتکاب جرم تعلق پیدا کرده، رکن معنوی جرم را تشکیل میدهد. به این ترتیب که مرتکب با علم و آگاهی از وصف عدم مشروعیت و غیر قانونی بودن عمل، فکر و اندیشه خود را متوجه عمل جرمی میکند.

از رکن معنوی در جرایم عمدی به (قصد جرمی)، (سوء نیت عمدی) و (قصد عصیان) و اصطلاحات از این قبیل تعبیر میشود که همه اینها بیانگر یک وجه یا یک جنبه رکن معنوی در جرایم عمدی است؛ زیرا در جرایم عمدی، علاوه بر عمد و اراده، مرتکب باید با علم و آگاهی، جرم را انجام داده باشد تا بتوان عمل او را عمدی محسوب کرد از این رو، رکن معنوی در جرایم عمدی مرکب از دو جزء است یکی علم و آگاهی و دیگری علم و اراده.

و منظور از رکن معنوی تزویر آن است که شخص تزویر کننده مکلف و مسئول بوده، و از مفاهیم و آثار جرم مطلع باشد. با توجه به این موضوع، شریعت اسلامی تنها انسان زنده و مکلف را که در اثنای ارتکاب فعل جرمی از آزادی کامل برخوردار باشد محل مسئولیت میداند، و در این مورد نصوص شرعی وجود دارد که این مطلب را به وضاحت کامل بیان میدارد. از جمله این قول پیامبر صلی الله علیه وسلم است که فرموده اند: عن علی رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه وسلم قال: «رفع القلم عن ثلاثة عن النائم حتی

۲- جرایم التزویر و الرشوة فی النظم المملکة العربیة، عبدالفتاح خضر ص ۳۰، جعل و تزویر و جرایم وابسته ص ۲۴.



يستيقظ و عن الصبي حتى يحتلم و عن المجنون حتى يعقل»<sup>۱</sup> ترجمه: از علی رضی الله عنه روایت است که نبی صلی الله علیه وسلم گفت: مسئولیت تکلیف از سه کس برداشته شده است: از خوابیده تا بیدار گردد و از طفل تا بالغ شود و از دیوانه تا به هوش آید.

هدف از مسئولیت جنائی اینست که انسان نتیجه و وبال فعل حرامی را که با اختیار و در حالیکه از حرام بودن و پیامد های آن آگاه است، متحمل شود.<sup>۲</sup>

### جزء اول: اساس مسئولیت جزایی تزویر

اساس مسئولیت جزائی در اسلام همانا تکلیف است و تکلیف خاصه انسان است؛ زیرا از جمله استعداد های انسان استعداد تکلیف پذیری است. و تکلیف در لغت به معنای مشقت است.<sup>۳</sup> و در اصطلاح شریعت عبارت از الزام و تحمیل بر آن چیزی است که در آن تکلف وجود داشته باشد، اعم از اینکه به انجام فعل باشد یا به ترک فعل.<sup>۴</sup>

امور سه گانه ذیل اساس مسئولیت جنایی برای تزویر میباشد.

**الف:** اینکه انسان مرتکب فعل حرام گردد.

**ب:** اینکه فاعل در باب تزویر اختیار داشته و قاصد باشد.

**ج:** اینکه فاعل عاقل بوده و نتایج مرتبه بر تزویر را درک کند.

زمانیکه یک شرط از این شرایط سه گانه معدوم گردد مسئولیت معدوم می شود پس وجود این شرایط برای تحقیق مسئولیت جنایی بر فاعل ضروری میباشد.<sup>۵</sup>

### جزء دوم: محل مسئولیت جزایی تزویر

از نظر شریعت اسلامی محل مسئولیت جنایی انسان زنده و مکلف میباشد. بنابر این محل مسئولیت جزایی فقط انسان شده میتواند، آن هم انسان عاقل، بالغ و مختار اگر چنین نبود باز هم مسئولیت جزایی ندارد. پس غیر انسان از قبیل جماد، حیوان یا انسان غیر مکلف مانند دیوانه، طفل، خوابیده، مکره، مغمی علیه و امثال آنها مسئولیت جزایی نخواهد داشت.<sup>۶</sup>

۱- سنن ابی داود، سلیمان بن الأشعث بن اسحاق بن بشیر السجستانی ۱/۴، ص ۴۳۹۸ و همچنان در البدر المنیر ۳/۲۲۸، که گفته است، رواه ابو داود فی سننه فی الحدود هكذا، و هو منقطع، ابو الضحی لم یدرک علیاً یعنی: این حدیث منقطع میباشد زیرا ابو الضحی علی را ندیده است.

۲- التشریح الجنائی الاسلامی ۱/۳۹۲، الجریمة و العقوبة فی الفقه الاسلامی ص ۳۰۲.

۳- لسان العرب ۹/۳۰۹.

۴- البحر المحیط فی اصول فقه ۱/۳۱۴، التشریح الجنائی الاسلامی ۱/۳۸۲.

۵- التشریح الجنائی الاسلامی ۱/۳۱۸، الجریمة و العقوبة ص ۳۰۳.

۶- التشریح الجنائی الاسلامی ۱/۳۹۳.

در مورد مسئولیت اشخاص حکمی باید گفت که: فقه اسلامی، اشخاص معنوی را محل مسئولیت جنایی نمی‌داند؛ زیرا اشخاص حکمی و معنوی ذوات مستقل نبوده، و دارای درک و اختیار نیستند. بنا بر این خود اشخاص حکمی مسئولیت جنایی ندارند. اما اگر متولیان این نهادها جرمی را به نفع آنها مرتکب میشوند، باز همین اشخاص حقیقی و طبیعی قابل مجازات خواهد بود.<sup>۱</sup>

### جزء سوم: سبب مسئولیت جزائی تزویر

سبب مسئولیت جنایی در جرایم ایجابی ارتکاب معاصی است که عبارت از اجرای فعل حرام و منهی عنه می‌باشد. و چنانچه بیان گردید تزویر نیز از جرایم ایجابی و معصیت است پس اگر کسی مرتکب معصیت گردد و شروط مسئولیت نیز در وی متحقق باشد، عاصی بوده و مجرم تلقی میشود و عقوبت و جزا بر او ثابت میگردد و اگر یکی از شروط فوق متحقق نگردد فاعل عاصی پنداشته نمی‌شود.<sup>۲</sup>

### جزء چهارم: اجزای رکن معنوی تزویر

#### الف: علم و ادراک<sup>۳</sup>

یعنی علم مزور به ارتکاب تزویر و این با تغییر حقیقت بوسیله یکی از طرق ممنوع که باعث ضرر مادی یا معنوی می‌شود، ممکن است. برابر است ضرر فوراً متحقق شود یا احتمال وقوع آن برود که این ضرر به یک شخص برسد یا به یک گروه یا به مصالح عامه، و به همین ترتیب در بعضی صورتها علم واقعی و عملی شرط نیست و علم فرضی و قیاس هم کفایت می‌کند، بلکه حتی این امر کفایت می‌کند که از واجبات شخص است تا به آن علم آورده و آنرا بداند.

علم و اراده شخص نیز به نوبه خود دو صورت متفاوت دارد که هریک را به طور جداگانه به بررسی می‌گیریم:

۲- التشریح الجنائی الاسلامی ۳۹۳/۱.

۳- نفس المرجع ۴۰۲/۱، الجریمة و العقوبة ۹۱-۹۲.

۴- "علم" مصدر بوده و ریشه عربی دارد معنای لغوی آن: دانستن، یقین داشتن، دانش و آگاهی است، التعریفات ۱۹۹/۱. و در اصطلاح علم یک اصطلاح مشترک بین تصوف، کلام و فلسفه، منطق و اصول فقه و ... میباشد. در مورد اینکه علم، قابل تعریف و شناسایی هست یا نه و از امور بدیهی است یا کسبی اختلاف است. کسانی که میگویند که علم کسبی و قابل تعریف است علم را چنین تعریف میکنند: علم عبارت از صفتی است که موجب تمیز اشیاء از یکدیگر میشود، فرهنگ فارسی معین ص ۳۷۲، این تعریف یک تعریف مشهور علم است.

"ادراک" در لغت مصدر درک است موارد استعمال آن هم متعدی و هم لازمی می‌آید اگر متعدی باشد باز به معنای رسیدن و ملحق شدن بچیزی دیگر است، قاموس قرآن ۶۵۸/۱، ادراک اگر لازمی باشد در این صورت به معنای رسیدن است طوری که گفته میشود ادراک الولد و ادراک الثمار یعنی پسر بالغ شد و میوه پخته شد. همچنان ادراک اگر در ذوی العقول استعمال شود معنای آن رسیدن به نیروی درک کردن، فهمیدن و تشخیص دادن است، فرهنگ ابجدی عربی ص ۹۷.

## ۱: علم به حکم

قبل از هر چیزی مرتکب باید بداند کاری را که می‌خواهد انجام دهد و یا ترک کند از نظر شرع و قانون ممنوع و قابل مجازات است. که این امر در قانون به عنوانی (علم به قانون) یاد شده است. در خصوص علم به حکم به بیان این مطلب بسنده می‌شویم که هر کس باید قبل از انجام یا ترک هر عملی، تفحص کند و حکم آنرا به دست آورد و اگر از این کار سرباز زند و بدون آگاهی از حکم به انجام کار روی آورد، معذور نیست و از جهت کاری که انجام داده است، قابل مؤاخذه می‌باشد.<sup>۱</sup> به همین اساس در همه نظام های حقوقی، علم به حکم را مفروض میدانند. که کود جزای افغانستان نیز در این ردیف قرار دارد چنانچه در ماده یازدهم خود چنین تصریح میکنند: بی خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمی شود.

## ۲: علم به موضوع

علاوه بر آگاهی نسبت به حکم قانون، مرتکب باید بداند کاری را که انجام میدهد، همان کار ممنوع و با همان شرایط و اوصافی است که شارع و قانون گذار مقرر کرده است و منظور از علم به موضوع، آگاهی مرتکب نسبت به اجزا و شرایط مادی موثر در تحقق رکن مادی جرم است. هر جرمی از حیث رکن مادی دارای اجزا و شرایط خاصی است که مرتکب باید به آنها علم و آگاهی داشته باشد. عدم آگاهی نسبت به این اجزا و شرایط، حسب مورد میتواند موجب رفع یا تغییر عنوان جزایی یا مجازات شود.<sup>۲</sup> بنا بر این در باب تزویر نیز از جهت علم به موضوع، مرتکب باید با اجزا و شرایط رکن مادی این جرم آگاهی داشته باشد. همانطور که گذشت رکن مادی تزویر به وجود سند، مهر و نوشته، و این که این موارد اثر حقوقی داشته باشد، و در صورت تغییر آوردن در این نوشته ها یا اسناد و یا ساختن مهر و غیره، ضرر به غیر متوجه میشود و ... بنابر این اگر مرتکب به هر یک از این جهات نا آگاه باشد، از عذر جهل به موضوع برخوردار بوده و عمل او را نمیتوان جرم عنوان کرد. به طور مثال: اگر شخص تصور کند نوشته را که تنظیم کرده است اثر حقوقی ندارد و به طور اتفاقی کس دیگر به آن دسترسی پیدا کند و در یک موقعیت حقوقی آنرا به ضرر دیگری بکار برد، اقدام شخص اول به دلیل جهل از موضوع جرم نبوده و قابل مجازات نمیباشد.<sup>۳</sup>

## ب: قصد جرمی در تزویر

۱- التشريع الجنائي الاسلامي ۳۵۰/۱، الجريمة والعقوبة ۳۵۴/۱.

۲- اصول الفقه الذي لا يبع للفقهية جهله ص ۴۶، معالم اصول الفقه عند اهل السنة و الجماعة ص ۳۳۷.

۳- جعل و تزویر و جرایم وابسته، عباس منصور آبادی و محمد جواد فتحی ناشر: روشن - تهران، طبع دوم ۱۳۹۲، ص ۹۴.

جزء دیگر رکن معنوی در تزویر، قصد و اراده است و منظور از قصد جرمی عبارت از جهت اراده جانی است بطرف ارتکاب فعل ممنوع و یا ترک فعل واجب با وجود آگاهی وی از اینکه این فعل و یا ترک فعل حرام است. که این عمل مرتکب عصیان گفته میشود.<sup>۱</sup>

به عبارۀ دیگر قصد جنائی از نظر شریعت اسلامی عبارت است از اینکه هر انسانی نتایج و عواقب نا مطلوب جرمی را که خود از روی درک، اختیار و عمد مرتکب شده است به دوش میکشد؛ زیرا او اهلیت و شایستگی لازم را داشته و از عواقب عمل خود آگاه بوده است.<sup>۲</sup>

گاهی قصد جنایی قصد عصیان گفته میشود و تزویر معصیتی است که فاعل آن در دنیا و آخرت مورد عقوبت قرار می گیرد.<sup>۳</sup>

### ج: اراده<sup>۴</sup>

یعنی اراده جانی به ارتکاب فعل حرام که بر آن جرم ثابت میشود متوجه شود، اینطور که تزویر کننده تغییر حقیقت را برای رسانیدن ضرر قصد کند. به عبارت دیگر اراده عبارت از رفتار جرمی و نتایج آن است.<sup>۵</sup>

و بنابر این واضح شد که فعل تزویر مقدمه است که برای جرم بکار گرفتن شیء مزوره طوریکه ضرر حقیقی را با استعمال مربوط می سازد.

در اخیر باید گفت که در قصد جنایی شرط نیست که همزمان با جرم باشد طوریکه گاهی قصد جنایی قبل از ارتکاب جرم موجود می باشد و گاهی مقارن با زمان وقوع جرم می باشد و این امر در جزاء تاثیر ندارد البته زمانیکه قصد جنایی نزد جانی متحقق گردد.<sup>۶</sup>

### د: باعث یا سبب

سبب نزد علماء: عبارت است از آن چه که در نفس جانی اثر گذارد و او را به ارتکاب جنایت وا دارد.<sup>۷</sup> موضوع باعث در اسلام در جرائم تعزیری و توجه به آن و معتبر دانستن آن در جرم، بر عقوبت جانی تاثیر دارد؛ زیرا عقوبات تعزیری مربوط به فیصله قاضی می شود آن را نمی توان بحدی محدود گردانید

۱- التشریح الجنایی الاسلامی ۴۰۹/۱.

۲- مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، علی رضا فیض ناشر: سازمان و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۸۱، چاپ ششم، ص ۲۴۶.

۳- التشریح الجنایی الاسلامی ۴۰۹/۱.

۴- اراده: از نظر لغوی بمعنای خواستن و قصد کردن و توجه کردن آمده است. و حکماء عزم راسخ را که بعد از مقدمات فعل ک تصور و میل و عشق و شوق باشد حاصل میشود اراده می گویند که مقدمه قریب فعل است. مرید از نظر اشتقاقی کسی است که او را اراده باشد چنانکه عالم کس است که او را علم باشد، فرهنگ ابجدی عربی ص ۳۸.

۵- حقوق جزای اختصاصی، پوهاند داد محمد نذیر، ناشر: حامد رسالت کابل ۱۳۹۴ طبع اول، ۲/۲۴۹.

۶- التشریح الجنایی الاسلامی ۴۱۰/۱

۷- نفس المرجع ۴۱۲/۱.

بلکه به قاضی گذاشته شده که مناسب با جرم تعزیر تعین کند. و بخاطر اینکه تزویر از جرایم تعزیری است پس باید باعث و انگیزه نقش اساسی داشته باشد که قاضی آنرا معتبر بداند اگر باعث و انگیزه نیکو باشد قاضی به تخفیف عقوبت توجه کند و اگر زشت باشد عقوبت را تشدید بخشد؛ اما قوانین به انگیزه و باعث از ناحیه تاثیر آن بر فیصله در قضایای تزویر هیچ اهمیت نمی دهند بخاطر اینکه مواد قانون برای تزویر عقوبات معین و ثابت تجویز نموده و تا زمانیکه جرم تزویر واقع شده باشد و قصد جنایی با هر دو نقش عام و خاص و با تحقق ارکان عامه بوجود آمد باعث و انگیزه هیچ اعتبار ندارد.

### مبحث دوم: انواع تزویر

بعد از اینکه راجع به ارکان تزویر آگاهی حاصل نمودیم، لازم است که انواع تزویر بیان شود که در چه چیز واقع میشود و صفت مرتکب آن بیان گردد. سپس اشکال و صورت های تزویر واضح شود. تزویر انواع گوناگون دارد که از شمار بیرون است؛ زیرا هر آنچه که امکان تغییر در آن وجود داشته باشد و حقیقت آن پوشیده شده بتواند تزویر تلقی میگردد. البته باید ارکان عام تزویر در عمل مرتکب موجود باشد تا شخص در برابر فعلش مورد باز پرس قرار گیرد. و اغلب کسانی که راجع به تزویر نوشته اند، آن را در چهار نوع محصور و محدود گردانیده اند که در آن بسیاری از اشکال و صورت های تزویر گنجانیده می شود<sup>۱</sup> که قرار آتی به بیان آن می پردازیم.

۱- تزویر در افعال.

۲- تزویر در نقود.

۳- تزویر در اسناد.

۴- تزویر الکترونیکی.

### مطلب اول: تزویر در افعال

این تزویر با اخفای عیب حقیقی در چیزی که تزویر آن مراد است و اظهار صفات نیکو و تزیین آن برای فریب دیگران و ترغیب دیگران بطرف آن، واقع می شود<sup>۲</sup> و از مصادیق آن امور ذیل است.

### الف: تزویر در معاملات

#### ۱- تصریه

۱- الموسوعة الفقهية الكويتية ۲۶۰/۱۱، التزویر المادی و المعنوی ص ۵۸، جعل و تزویر و جرایم وابسته ص ۱۹۳، جرایم علیه آسایش عمومی ص ۱۷۱، تحلیل جرم جعل و تزویر ص ۲۵۴.

۲- الموسوعة الفقهية الكويتية ۲۶۰/۱۱، التزویر المادی و المعنوی ص ۵۸، جعل و تزویر و جرایم وابسته ص ۱۹۳، جرایم علیه آسایش عمومی ص ۱۷۱، تحلیل جرم جعل و تزویر ص ۲۵۴.

تصریه جمع نمودن شیر در پستان،<sup>۱</sup> زمانیکه گفته میشود: تصرّی الشاة به این معنی است که شیر را در پستان گوسفند جمع نمود. با تشدید حرف را خوانده میشود. وقتی گفته میشود صری الماء فی الحوض، یعنی آب را در حوض جمع نمود. و صری الطعام فی فیهِ، یعنی غذا را در دهن خود جمع نمود. و صری الماء فی ظهره، یعنی آب (نطفه) را در پشت خود جمع نمود زمانی که از جماع (همبستری) امتناع ورزد. و از جمله معانی آن صرّی است و صرّ زمانی گفته میشود که شیر گوسفند دوشیده نشود و به سبب آن پستان اش بزرگ نمایان شود.

فروختن حیوانات محقّله و تصریه حرام است در صورتیکه مراد فروشنده از این کار تدلیس مشتری باشد، بنابراین قول پیامبر علیه السلام: «لا تصرّوا»<sup>۲</sup> یعنی شیر را در پستان حیوان جمع نکنید. و حدیث «من غشنا فلیس منا»<sup>۳</sup> کسی که خیانت می کند بر روش ما نیست. و ابن ماجه در سنن خود روایت نموده است از پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمودند: «بیع المحقّلات خلابه و لا تحلّ الخلابه لمسلم»<sup>۴</sup> فروش محفلات فریب کاری است و برای مسلمان فریب کاری روا نیست.<sup>۵</sup>

## ۲- نجش

نجش به فتح نون و جیم یا به سکون جیم در لغت برانگیختن شکار را گفته میشود.<sup>۶</sup> نجش در اصطلاح آن است که فردی به قصد سیاه بازاری بر قیمت کالا بیافزاید و آن را بالا ببرد و هدفش خرید کالا نباشد و می خواهد دیگران را تشویق کند تا کالای مورد نظر را قیمت بخرند یا شخصی به قصد فروش کالای مورد نظر بسیار از آن تعریف و تمجید کند تا دیگران به خرید آن ترغیب شوند.<sup>۷</sup> بدین علت آن را نجش گویند که رغبت خریداران را بر می انگیزد و آنان را می فریبد و با فروشنده در گناه شریک می شود.

ابن قتیبه می‌گوید: نجش، خیانت ورزیدن و خدعه و نیرنگ است.<sup>۸</sup>

عن ابن عمر رضی الله عنهما أن رسول الله صلی الله علیه وسلم نهی عن النجش.<sup>۹</sup>  
از پسر عمر رضی الله عنهما روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم از بیع نجش نهی فرمود.

۱- الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة جلد ۶ صفحه ۲۴۰۰ باب ص ر ی.

۲- صحیح البخاری ۷۰/۳ حدیث شماره ۲۱۴۸.

۳- صحیح مسلم ۹۹/۱ حدیث شماره ۴۳.

۴- سنن ابن ماجه ۷۵۳/۲ حدیث شماره ۲۴۴۱.

۵- المغنی، محمد موفق الدین عبدالله بن احمد بن محمد ابن قدامه، الناشر: مکتبه القاهرة، بدون طبع و بدون تاریخ ۴۱۲/۳.

۶- لسان العرب ۳۵۱/۶، مصباح المنیر ۱۵۳/۲.

۷- التعریفات ۲۴۰/۱، مصباح المنیر ۵۹۴/۲.

۸- فتح الباری، ابوالفضل احمد بن علی بن حجر العسقلانی، الناشر: دار المعرفة - بیروت ۱۳۷۹، ۳۵۵/۴، غریب الحدیث، ابن قتیبه ۱۹۹/۱.

۹- صحیح البخاری ۲۴/۹ حدیث شماره ۶۹۶۳.

عن عبدالله بن ابی اوفی قال: الناجش و آكل ربا خائن.<sup>۱</sup>

ترجمه: از عبدالله ابن ابی اوفی روایت است که گفت: ناجش همچون ربا خوار خائن است.<sup>۲</sup>  
حافظ بن حجر می گوید: ابن ابی اوفی برای کسی که سیاه بازاری میکند لفظ ناجش اطلاق نمود؛ زیرا در افزایش بهای کالا با فروشنده شریک است. در حالی که خریدار کالا را به قیمت واقعی نخریده و در اثر تبلیغات او فریب می خورد. بنا بر این با ربا خواری یکی هستند.<sup>۳</sup>  
جمهور فقهاء بیع نجش را حرام میدانند، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن نهی کرد و با فریب دادن و نیرنگ دادن مسلمان همراه است. پس حرام میباشد.<sup>۴</sup>

### ۳- غبن

غبن در لغت به معنای بی عدالتی و بی انصافی است و مغابنه به معنی زیان در معامله میباشد.<sup>۵</sup>  
الغبن عبارة عن بیع السلعة باكثر مما جرت علیه العادة.<sup>۶</sup>

ترجمه: غبن عبارت است از فروش جنس به بلند تر از قیمتی که در بازار مروج است.  
و غبن در اصطلاح عبارت از عدم تعادل و غیر برابر بودن یکی از عوضین در مقابل دیگر. یعنی کم بودن و یا زیاد بودن قیمت یکی در برابر دیگر است.<sup>۷</sup> به عبارت دیگر غبن عبارت از اینکه بدلیل در اثنای تعاقد با دیگر آن در عقود خاص برابر نباشد. مانند اینکه شخص آنچه را که قیمت آن ۱۰۰ افغانی است به ۵۰ یا به ۲۰۰ افغانی به فروش برساند. بنابر آن میتوانیم بگوییم که غبن عبارت است از قیمت فروختن مبیع توسط بایع و ارزان فروختن مبیع توسط مشتری.<sup>۸</sup>

### ۴- فریب

در لغت به معنای حيله، مکر و غافل کردن به خدعه است.<sup>۹</sup>  
تدلیس آنست که بایع سخنانی و کمالی را در مبیعه اش نشان میدهد که اصلاً در آن وجود نداشته و دروغ است و میخواهد که عیب آنرا از مشتری بپوشاند.<sup>۱۰</sup> و به عبارت دیگر فریب عبارت از بر انگیختن عاقد برای تعاقد به گمان اینکه عقد به مصلحت اوست در حالی که واقعیت خلاف آن است.

۲- صحیح البخاری ۶۹/۳.

۳- فتح الباری ۳۵۶/۴، صحیح البخاری ۶۹/۳.

۴- فتح الباری ۳۵۶/۴.

۵- الموسوعة الفقهية الكويتية ۲۲۱/۹.

۶- فرهنگ بزرگ جامع نوین صفحه ۱۳۸۷.

۷- الموسوعة الفقهية الكويتية ۱۳۸/۳۱.

۸- فقه الاسلامی و ادلته، للزحیلی ۳۰۷۲/۴.

۹- حقوق وجایب، نظام الدین عبدالله ناشر: انتشارات سعید، چاپ پنجم ۱۳۹۵، ۱۱۲/۱.

۱۰- فرهنگ معین، دکتر محمد معین، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۶۲، ص ۷۳۰.

۱- القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً ۱۳۲/۱، مصباح المنیر ۱۹۸/۱.

قانون مدنی افغانستان نیز از فقه اسلامی پیروی نموده و فریب را چنین تعریف می نماید: فریب عبارت است از بکار بردن وسایل حيله آمیز قولی و فعلی است که طرف مقابل عقد را به راضی شدن به انعقاد عقد بکشاند به نحوی که این وسایل اگر به کار برده نمی شد رضایت وی در عقد به میان نمی آمد.<sup>۱</sup> تمام این صورت های تزویر حرام میباشد و همه اینها تحت این حدیث نبی کریم علیه الصلوة والسلام داخل میباشد: «من حمل علينا السلاح فليس منا من غشنا فليس منا»<sup>۲</sup> کسی که بر بالای ما سلاح بگشاید از ما نیست و کسی که فریب کاری کند بر روش ما نیست.

### ب: تزویر در نکاح

کتمان و پوشیدن عیب طرفین نکاح و یا عیب یکی از طرفین جهت ترغیب شان به ازدواج از جمله افعال تزویر در نکاح بوده و همچنان شخص که دارای تحصیلات عالی نبوده اما خود را چنین جلوه می دهد که دارای تحصیلات عالی می باشد، جهت فریب دادن جانب مقابل، انجام دادن انواع و اقسام جراحی های زیبایی جهت تحسین و تجمل که در دنیای امروزی مروج می باشد همچنان تغییر جنسیت، ترمیم پرده بکارت اینها همه شامل تزویر در نکاح بوده که ذیلاً آن موارد را به بحث می گیریم.

#### ۱- جراحی برای تحسین و زیبایی یا جراحی پلاستیکی

این نوع عملیات که معمولاً برای تحسین و زیبایی صورت می پذیرد از جمله عملیات حرام بوده و در بر گیرنده دوافع ضرورت و حاجت نمی باشد بلکه غایه نهایی آن تغییر خلقت الله متعال است مانند: جراحی پلاستیکی بینی با خورد نمودن و تغییر شکل و یا تراش کردن و یا بعضاً بزرگ نمودن آن، بزرگ نمودن لب ها، بر داشتن گوشت پشت چشم و یا گوش ها، تغییر شکل ابرو ها، و همچنان این عملیات به منظور ازاله و دور کردن آثار پیری و کهن سالی انجام می یابد همانند پوست جلد و غیره.<sup>۳</sup> چنانچه در این عمل بازی به هوا و هوس، خواهشات و شهوات مردم بوده که این امر نا مشروع و حرام میباشد که حرمت آن با دلایل شرعی ثابت گردیده است و در ذیل پس از ذکر معانی لغوی واصطلاحی آن دلایل حرمت آنرا بیان میداریم.

عملیات تحسین که در زبان عربی به آن الجراحة التجميلية - هم می گویند.

۲- قانون مدنی افغانستان ماده ۵۷۰.

۳- روه مسلم ۹۹/۱.

۴- احکام الجراحة الطبیة، محمد بن محمد المختار الشنقیتی، مكتبة الصحابة الشارقة - امارات، الطبعة الثالثة، ص ۱۲۸، فن الجراحة التجميل ص ۱۵، الموسوعة الطبية الحديثة لمجموعة من الاطباء ۴۵۵/۳.



اما تجمیل و تحسین در اصطلاح: عبارت از عملیست که وظیفه آن تحسین و زیبایی شی در مظهر خارجی آن به سبب افزودن به آن و یا کم کردن از آن میباشد.<sup>۱</sup>

عملیات تحسین در اصطلاح اطباء: جراحی تحسین عبارت از عملی بوده که به منظور زیبا ساختن منظر جزء از اجزای جسم ظاهری و یا وظیفه آن در صورت موجود بودن نقص یا تلف و سوء شکل، اجراء میگردد.<sup>۲</sup>

## ۲- تغییر جنسیت

مفهوم تغییر جنس یا تغییر جنسیت عبارت است از: تغییر یک جنس بیولوژیکی یا زیستی با جنس دیگر آن اعم از تذکیر و تأنیث.<sup>۳</sup>

به طور عموم تغییر جنس دارای انواع و حالات متعدد میباشد که ذیلاً به بحث آن میپردازیم:

• کسی که فقط یک آلت تناسلی در بدن دارد ولی پوشیده است که با عمل جراحی، جنس واقعی روشن میگردد.

• کسی که هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه را دارا است، که یکی را با عمل جراحی حذف مینماید.

• کسی که فقط یک آلت تناسلی دارد، یا مرد است یا زن، در حالی که خلقت او کامل بوده و هیچ نقصی در او نیست.

که این نوع عمل نیز حرام بوده و هیچ مسوغ شرعی در آن دیده نمی شود و نه هم دواعی ضرورت و حاجت در آن ملاحظه میگردد.<sup>۴</sup>

### دلایل حرمت این دو نوع عملیات جهت تغییر آوری قرار ذیل است:

اول قرآن کریم: الله متعال میفرماید: **أَبْهَجْتَ تَحْتِ تَهْتُمْ جَمَّ جَمَّ خَمَّ سَمَّ** °. ترجمه: و البته ایشان را گمراه کنم و البته ایشان را در آرزوی باطل افگنم و البته ایشان را بفرمایم تا گوش های چهار پایان را بشگافند و البته بفرمایم ایشان را تا آفرینش خدا را تغییر دهند و هر که شیطان را بجای خدا دوست گیرد پس زیان کار شد زیان ظاهر.

۱- احکام الجراحة التجمیل فی الفقه الاسلامی، محمد عثمان بشیر، الناشر: مکتبة العلوم الکویت، ص ۳۷.

۲- الموسوعة الطبية الحديثة ۴/۴۵۴.

۳- الموسوعة الطبية الحديثة، مجموعه از اطباء، الناشر: مکتبة المدینة، ۱۰۱/۴.

۴- احکام الجراحة الطبية و الآثار المترتبة علیها ۱/۱۹۹.

۵- سورة النساء آیه ۱۱۹.

حدیث از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم چنین روایت است: «لعن الله الواشمات و المتوشمات، و المتمصصات، و المتفلجات للحسن، المغیرات خلق الله تعالی» مالی لا العن من لعن النبی صلی الله علیه وسلم و هو فی کتاب الله و ما آتاکم الرسول فخذوه.<sup>۱</sup>

ترجمه: خداوند لعنت کند زنان سوزن دهنده را، زنانی را که می‌خواهند سوزن زده شوند و زنانی را که از دیگری می‌خواهد که ابرو اش را اصلاح کند و زنان که میان دندان هایشان را گشاده نموده خلقت خدا را تغیر میدهند. و باز فرمودند چرا کسی را که رسول الله صلی الله علیه وسلم لعنت کرده لعنت نکنم؟ در حالیکه در کتاب الله آمده: هر آنچه پیامبر به شما بدهد، آنرا بگیری.

این آیت مبارکه و حدیث به صراح بیان میدارد که تغیر خلقت حرام و از مکر و حيله شیطان است پس جراحی پلاستیکی تغیر خلقت الله عزوجل و به قصد زیادت در حسن میباید بناءً حرام است.

و همچنان در مورد حرمت تغیر جنس به این حدیث شریف نیز استدلال میشود:

عن ابن عباس رضی الله عنهما قال «لعن رسول الله صلی الله علیه وسلم المتشبهین من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال».<sup>۲</sup> ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم لعنت کرده است مردانی را که خود را به زنان مشابه میسازد و هم زنانی را که خویشتن را به مردان مشابه می کنند.

### ۳- ترمیم پرده بکارت

بکاره به فتح باء و سکون کاف، مصدر ثلاثی مجرد از ریشه "ب ک ر" بوده و کلمه "بکر" صفت مفرد به معنای دست نخورده و مترادف "عُذراء" است و جمع آن بکار می باشد از لحاظ لغوی غیر از معنای مذکور به فرزند نخست انسان نیز بکر گفته میشود.<sup>۳</sup>

در طول تاریخ عقایدی در زمینه بکارت و ارتباط آن با عفت و پاکدامنی زن در جوامع گوناگون رایج بوده و هنوز هم می باشد از آنجا که در جوامع اسلامی و برخی کشور های آسیایی، اروپای شرقی و امریکای لاتین وجود پرده بکارت در شب زفاف و انتظار خون ریزی در هنگام نخستین آمیزش اهمیت اجتماعی و حتی مذهبی دارد. عدم باکره گی یا حتی عدم خون ریزی به دلایل طبیعی در شب زفاف در این جوامع با عوارض مانند شرم، طرد از خانواده و جامعه، طلاق، مرگ، و قتل ناموسی برای حفظ آبروی خانواده همراه است.<sup>۴</sup>

۱- صحیح البخاری، محمد بن اسمعیل ابو عبدالله البخاری، الطبعة الاولى، الناشر: دار الطوق النجاة ۱۶۴/۷، شماره حدیث ۵۹۳۱.

۲- صحیح البخاری ۱۵۹/۷، شماره حدیث ۵۸۸۵.

۳- لسان العرب، ۷۶/۴.

۴- فصلنامه حقوق پزشکی، مسعود بسامی، سال چهارم، شماره پانزدهم ۱۳۸۹، ص ۱۳۴.

بنا بر آن ترمیم پرده بکارت در کشور های غربی مروج بوده و در کشور های اسلامی کمتر دیده میشود بعضی از کشور های اسلامی مانند ایران ترمیم پرده بکارت را تدلیس در نکاح خوانده اند و در قانون برای آن جزا تعیین نموده اند. بر اساس ماده ۶۴۷ مجازات اسلامی کشو ایران می توان ترمیم بکارت را تدلیس در ازدواج دانست و برای زن حکم قضائی زندان صادر گردد. و بر اساس ماده ۵۵۴ قانون مجازات کشور مذکور اسلامی برای پزشک حکم زندان صادر گردد. اما در کود جزای افغانستان چنین موضوع به چشم نمی خورد و بحث صورت نگرفته است.

از اینکه ترمیم پرده بکارت از جمله قضایای فقهی معاصر میباشد بناءً در این مورد فقهاء فتوی صادر نموده اند.

- فقهای اهل سنت و جماعت می گویند که عمل بازسازی و ترمیم پرده بکارت تحت هیچ عنوان جایز نمی باشد، چرا که این کار آثار و تبعات غیر شرعی زیادی را به دنبال خواهد داشت. از جمله اینکه:

انجام این عمل جز با ظاهر کردن عورت، علی الخصوص فرج جز برای شوهر جایز نیست بلکه حرام است مگر آنکه ضرورت حاد پیش آید، که این کار ضرورت حاد شمرده نمی شود.<sup>۱</sup> و همچنین جواز برای انجام این عمل منجر به سوء استفاده و تشویق زنائی خواهد شد که از جزای این عمل نمی ترسند و مرتکب عمل فحشا میشوند، یعنی گناه زنا را مرتکب می شوند و سپس با انجام این عمل مسئله را پنهان مینمایند.

و از جمله آثار منفی این عمل آن است که: این کار موجب فریب و خدعه زدن به مردی خواهد شد که قصد ازدواج کردن با آن زن را دارد و آن مرد به تصور اینکه زن باکره است با او ازدواج میکند درحالیکه زن بیوه بوده ولی با انجام عمل ترمیم توسط زن فریب خورده و قطعاً این یعنی پایمال کردن حقوق آن مرد در حالیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید. «من غشنا فلیس منا»<sup>۲</sup> هرکه فریب کاری کند از جمله ما نیست.

- اما فقهای اهل تشیع در این مورد به دو نظر ذیل اند.

**دیدگاه جواز و ادله آنها:**<sup>۳</sup> برای اثبات جواز ترمیم پرده بکارت می توان به دلایل ذیل استناد کرد.

۲- فتاوی اهل سنت و الجماعة فتوی شماره ۷۰۷۸ ص ۳۶۲۰.

۳- صحیح مسلم ۹۹/۱ حدیث شماره ۴۳.

۱- فصلنامه حقوق پزشکی ص ۱۳۸، فصلنامه حقوق پزشکی وابسته به انجمن پزشکی ایران است، این نشریه به زبان فارسی به صورت پیوسته منتشر میشود و در بر گیرنده مقالات مرتبط با حقوق پزشکی و موضوعات میان رشته‌ای همانند حقوق بیماران، حقوق پرستاری، حقوق سلامت، حقوق دارو سازی و غیره میباشد..

- **حق انسان در تصرف در بدنش:** بر اساس این دیدگاه تا زمانی که تصرف انسان در بدنش موجب اضرار بر نفس و جسم نباشد تصرف در اعضای بدن جایز است.

- **اصل اباحت:** منظور این است که هرگاه در حلیت و حرمت انجام عملی شک داشته باشیم اصل بر آن است که آن عمل جایز و حلال خواهد بود.

- **قاعده لا ضرر:** بر اساس این قاعده می توان گفت که عمل ترمیم بکارت در شرایط اضطرار یعنی هنگامی که عدم بکارت سبب هتک آبرو با توجه خطر جانی به می شود امری جایز است هرچند لازم است ضرر همسر آینده از این عمل جبران شود.

- **قاعده عسر و حرج:** از آنجا که حرمت ترمیم بکارت در بسیاری موارد سبب میشود زن به سختی بیفتد و ضمن در خطر افتادن حیثیت خود و خانواده اش استفاده از برخی فرصت ها همچون ازدواج محروم شود و تحمل چنین حالتی دشوار است می توان حکم به جواز ترمیم بکارت داد.

- **ضرورت کتمان گناه ناموسی:** لزوم کتمان گناهان ناموسی از جمله مقررات نظام حقوقی و فقهی اسلام است که به منظور حفظ حرمت و کرامت انسان وضع شده است.

#### **دیدگاه عدم جواز و ادله آنها:**<sup>۱</sup>

- **حفظ فروج:** وجوب پوشاندن اندام جنسی و قرار ندادن آن در معرض دید دیگران از جمله اصول مسلم فقه اسلام است.

- **قاعده حرمت اعانت بر اثم:** همکاری در اثم همچون خود گناه حرام است از آنجا که انجام ترمیم بکارت می تواند زمینه ارتکاب جرایمی همچون رابطه ای نا مشروع را در جامعه فراهم کرده افراد با استفاده از آن موجبات تدلیس در ازدواج را فراهم سازند، عمل حرامی است لذا اقدام پزشکی نیز برای ترمیم هنگامی که از قصد زن فریب مطلع است حرام خواهد بود.

- **کشف عورت:** بر اساس این قاعده هیچ شخصی نباید عورت خود را به دیگران نمایان سازد مگر در موارد ضرورت مثل درمان بیماری.

با توجه به ادله موافقین و مخالفین صدور یک قاعده کلی برای عمل هایمنوپلاستی (ترمیم پرده بکارت) در تمام شرایط مختلف ممکن نخواهد بود.

#### **مطلب دوم: تزویر در نقود**

این نوع تزویر در اموال نقدی با کم کردن مقدار آن صورت می گیرد که مثال های آن قرار ذیل است:

---

۲- نفس مرجع ص ۱۳۹.

**الف:** تزویر در مسکوکات و پول حقیقی که عبارت از تنقیص و کم کردن قیمت پولی که در اصل پول صحیح است با اخذ جزء آن یا به واسطه سوهان یا قیچی، یا با استعمال مواد کیمیای از قبیل مایع حل کننده یا با استخراج جزء آن از بطنش و جایگزین کردن مواد کم ارزش دیگر به عوض آن یا غیر از طرق مذکوره.<sup>۱</sup>

**ب:** کم کردن از وزن و حجم مال طوریکه مشتری درک نکند، چون کم کردن از حجم و وزن توتہ طلا و غیره.

**ج:** غش و جنایت طوریکه جید و ردی را خلط کند، چون خلط کردن طلا با دیگر فلزات و فروختن آن به عنوان طلای خالص.<sup>۲</sup>

**د:** کم کردن از وزن حقیقی در ترازو، مثلاً وزن یک کیلو گرام را کمتر گرداند تا در مال کم مفاد زیاد بدست آرد.<sup>۳</sup>

و این نوع تغییر آوری نیز بنا بر قول الله عز وجل حرام میباشد طوریکه میفرماید: **أَتَهْتَمُّونَ بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ مِّن مَّا نَسُوا** و این نوع تغییر آوری نیز بنا بر قول الله عز وجل حرام میباشد طوریکه میفرماید: **أَتَهْتَمُّونَ بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ مِّن مَّا نَسُوا** <sup>۴</sup>

ترجمه: وای به حال کاهندگان (حقوق مردم)، کسانی که چون (برای خود) پیمانہ زنند از مردم به تمام (و کمال) دریافت دارند، و چون (می‌خواهند که) برای آنان پیمانہ زنند یا برای آنان وزن کنند، کم می‌گذارند، آیا اینان نمی‌دانند که آنان بر انگیخته می‌شوند. و همچنان این امور در تحت عموم حدیث (و من غش فلیس منا) نیز داخل میشود.

### **مطلب سوم: تزویر در اسناد**

سند عبارت از هر تکیه گاه و راهنمایی مورد اعتماد است که بتواند اعتماد دیگران را به درستی ادعا جلب کند، خواه نوشته باشد یا گفته.<sup>۵</sup>

در اصطلاح فقه اسلامی رواة یک حدیث را سند گویند.

در عصر کنونی اسناد میان افراد، دارای اعتبار خاصی است و از اساسی ترین و قوی ترین وسایل اثبات دعوی به شمار می رود علت این امر، شیوع بیشتر سند و سهولت استفاده از آن در این عصر نسبت به گذشته است، در شریعت اسلامی و در اوایل ظهور اسلام کتابت کمتر از امروز معمول بوده و مردم به

۱- حقوق جزای اختصاصی ۲/۲۵۹.

۲- المحلی بالآثار ۸/۵۱۰.

۳- الموسوعة الفقهية الكويتية ۱۱/۲۶۰، التزویر المادی و المعنوی ص ۵۸، جعل و تزویر و جرایم وابسته ص ۱۹۳، جرایم علیه آسایش عمومی

ص ۱۷۱، تحلیل جرم جعل و تزویر ص ۲۵۴.

۴- سوره مطففین آیات ۱-۵.

۵- حقوق وجایب ص ۵۲۳.



قانون اصول محاکمات مدنی بین جعل و تزویر فرق قایل نبوده و هر دو را یکی می داند. فرق که بین جعل و تزویر وجود دارد این است که در جعل ساختن سند مطرح است، در تزویر تغییر و تحریف محتویات آن.

در کود جزای افغانستان جرم تزویر چنین پیش بینی شده است: تزویر عبارت است از ساختن، نوشته، سند، ساختن مهر، امضاء خراشیدن یا تراشیدن یا قلم‌خور ساختن، الحاق یا مهر یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته ای دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن به قصد تقلب.<sup>۱</sup>

شخص که یکی از اشیای آتی را تزویر یا با وجود علم به تزویر، آنرا استعمال یا به افغانستان داخل نماید، به حبس متوسط بیش از سه سال محکوم میگردد.

### مطلب چهارم: تزویر الکترونیکی

عصر حاضر با دومین انقلاب صنعتی یعنی انقلاب اطلاعات مواجه است. این انقلاب که به تدریج در عرصه های مختلف ماشین را جایگزین اندیشه بشر میکند در مقایسه با انقلاب صنعتی و ماشین قرن نوزدهم که ماشین را جایگزین کار یدی کرد قابلیت تغییر و تحول بیشتری دارد و بدین لحاظ مشکلات و مسائل حقوقی ناشی از آن نیز میتواند به مراتب بیشتر و دستخوش تغییر سریع تر و درعین حال پیچیده تر و متنوع تر باشد.

با اینکه تزویر اصطلاح قدیم میباشد اصطلاح الکترونیکی جدید بوده و اصطلاح قدیم ندارد بنابر همین فقهاء کرام تعریف خاصی از این جرم ننموده اند و احکام خاصی هم بر آن بیان نداشته اند، اما اصل این جرم در شریعت وجود دارد؛ زیرا از نظر فقهاء عمل جرمی معتبر است نه محل آن که در آن واقع شده است.

پس به طور عموم گفته میتوانیم که تزویر الکترونیکی عبارت است از عمل جرمی که از طریق یکی از وسایل الکترونیکی مانند: وب سایت، ایمیل، مسج و غیره صورت میگردد.<sup>۲</sup>

### جزء اول: محل تزویر الکترونیکی

حافظه کمپیوتر، حافظه موبایل، دیسکهای فشرده چون (سی دی و دی وی دی) فلش و سایر وسایل ذخیره سازی میباشد. که علاوه بر استفاده های گوناگون و گسترده که از این وسایل در دنیای امروز میشود، در

۱- کود جزا ماده ۴۳۶.

۲- جریمة التزویر الکترونی فی النظام السعودی ص ۷۰، تحلیل جرم جعل و تزویر ص ۲۸۲.

بسیاری از موارد، حافظه و سیستم ارتباطی آن به عنوان یک وسیله بیان و اعلام اراده مورد استفاده قرار میگیرد.<sup>۱</sup>

### جزء دوم: طرق تزویر الکترونیکی

این نوع تزویر نیز ممکن است به طرق مادی و معنوی انجام یابد که رایج ترین طریقه مادی آن تخریب، احتراق و انفجار است و هم طرق دیگری چسپاندن کاغذ های مخصوص روی بخشی از کارت های که به صورت الکترونیکی قابل خواندن هستند به منظور تخریب دستگاه های علامت گذار یا کارت خوان، وارد کردن چیز های مانند براده آهن داخل وسایل کامپیوتری برای مختل کردن عملکرد آنها، ریختن قهوه، آب نمک و پودر های شستشو به داخل صفحه کلید و دیگر لوازم و غیره.

اما از جمله معروف ترین طرق معنوی، استفاده از برنامه های منهدم کننده است که با استفاده از آن میتوان در مدت کوتاه حجم زیادی از محتویات را محو کرد.

و هم از شیوه های آن انتشار برنامه های ویروسی است، و اینها برنامه های مخرب هستند که خود به خود تکثیر شده و به دیگر برنامه ها و فایل های که به آن دسترسی باشد نفوذ میکنند و بر علاوه طرق زیاد دیگری هم وجود دارد که با بکار گیری آن این جرم متحقق میگردد.

چنانچه بیان گردید تزویر الکترونیکی در مفهوم شریعت اسلامی عبارت از دروغ و کذب است که در وسایل الکترونیکی واقع شده و حقیقت را تغییر میدهد پس حکم تزویر اسناد و اوراق بالایش تطبیق میگردد و تحت نصوصی که تزویر را در محررات منع میکند شامل گردیده و جرم پنداشته میشود. مانند دروغ که آیات و احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن دلالت میکند.

در قانون جزای قبلی افغانستان در این مورد بحث صورت نگرفته بطور عموم ساکت مانده است اما کود جزا در خصوص تزویر الکترونیکی چنین صراحت دارد: شخصی که اطلاعات اصلی یا واقعی سیستم کامپیوتری را به شکل مزورانه تولید، تغییر، تبدیل حذف یا خنثی نماید به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی محکوم می گردد.<sup>۲</sup>

### مبحث سوم: طرق و شیوه های تزویر

۱- جعل و تزویر و جرایم وابسته ص ۳۲، تحلیل جرم جعل و تزویر ص ۲۸۵.

۲- کود جزا ماده ۸۵۸.



به طور عموم تزویر از نگاه طریق انجام آن به دو قسم تزویر مادی و تزویر معنوی تقسیم گردیده و تزویر مادی نیز به نوبه خود به دو طریق تحقق می یابد، و هر قسم از تزویر صورت های مختلف را بخود می گیرد.<sup>۱</sup>

البته بعضی صورت های آن در هر دو قسم داخل می باشد و شمار دیگری از صورت دیگر انشقاق یافته است اما نکته مهم در اینجا شناخت اقسام و صورت های تزویر است اجتناب از تمام آنها برای ما ممکن شود و خود را از ارتکاب گناه و عقاب آن نگهداریم. و بتوانیم که بر عملکرد های بعض مردم درین مورد حکم درست صادر کنیم.

### مطلب اول: تزویر مادی و شیوه های آن

#### جزء اول: مفهوم تزویر مادی

آن تزویری است که با عمل ظاهری و محسوس انجام می یابد و با حس انسانی آنرا درک کرده می توانیم مانند: افزودن، حذف کردن، تعدیل آوردن و انشاء چیز غیر موجود.

یعنی درین نوع تزویر باید تغییری ایجاد گردد که همگان بتواند آنرا با چشم سر ملاحظه نماید. به همین علت است که کشف و شناخت این نوع تزویر برای ارگان ها و جهت های ذیدخل آسان می باشد؛ زیرا اثر واضحی در محل تزویر از خلال دلیل ملموس بجا می گذارد.<sup>۲</sup>

#### جزء دوم: شیوه های تزویر مادی

##### الف: افزودن

ممکن است عمل افزودن به شیوه قلم بردن باشد که این شیوه عبارت است از تغییر و تبدیل نمودن حروف، کلمات یا ارقام مرقوم در نوشته یا سند است بدون اینکه کلمه یا حرف جدید و یا قلم دیگری در آن اضافه شود.<sup>۳</sup>

مثلاً اینکه: مرتکب با استفاده از وسائل نوشتاری مثل مداد، قلم خودکار و ... حرف "با" را به "یا" و یا "صاد" را به "ضاد" و امثال آن تبدیل کند و یا هم کلمه "نجار" را به "تجار" و یا "علی" را به "قلی" و یا هم ارقام "۱۰۰۰" را به "۲۰۰۰" و یا نوشتن اعداد دو و یا سه و ... قبل از کلمه هزار آنرا به مبلغ بلند تر مبدل سازد. و یا به طور کلی رسم الخط و شیوه نگارش را با قلم بردن روی حروف و کلمات در تمام یا قسمت از سند تغییر دهد و به این طریق وانمود کند که این سند، سند اصیل و به خط کاتب مورد نظر

۱- جریمة التزویر فی التشریح الفلسطینی، احمد حسن سعید خلیل، جامعة اسلامیة غزة ص ۱۳۹.  
۲- نطاق تجریم تزویر الشهادت و التقارير الطیبة ص ۵۵، التزویر المادی و المعنوی ص ۲۰، حقوق جزای اختصاصی ۲/۲۴۶.  
۳- الموسوعة الجنائیة الاسلامیة المقارنه بالانظمة المعمول بها فی المملكة العربیة السعودیة ۱/۲۴۰، جعل و تزویر و جرایم وابسته ص ۵۹.

نیست. و یا اینکه ممکن است با تغییر رسم الخط کلمات خاص و اساسی آنرا غیر خوانا نموده و مضمون سند را دچار ابهام کند.<sup>۱</sup>

این نوع تغییر با افزودن و پر کردن خالیگاه و سفیدی های که بین جملات باقی مانده است و یا حاشیه نویسی بین سطور نیز صورت می گیرد. با گونه که بیان افزوده شده در وقت تحریر آن اصلاً وجود نداشته است این اضافات با افزودن کلمه، حرف، شماره و غیره صورت پذیر است که این شیوه در بعضی کتب تحت عنوان الحاق بیان گردیده است.<sup>۲</sup>

چنانچه درین اضافات شرط نیست که از سوی منسوب الیه امضاء صورت گرفته باشد. مثلاً افزودن جمله در سندی تا حق شکایت را ساقط نماید و یا سبب تسلیم شدن تمام پول در معامله که تا هنوز ناقص میباشد، شود.

البته قابل تذکر است که باید در موضوع امضاء در ورق سفید بین تزویر و خیانت در امانت فرق قایل شویم؛ زیرا اگر جانب مقابل بر ورق سفید امضاء کرده و به شخصی می سپارد. و او با استفاده از موقع در این ورق چیزی نوشته و یا بر نوشته های آن افزود میکند در این صورت عمل وی تزویر نه، بلکه خیانت در امانت به حساب می آید و به جرم خیانت در امانت مجازات میگردد.<sup>۳</sup>

### **ب: حذف کردن**

این نوع تزویر با خراشیدن و تراشیدن توسط آله های مخصوصی از قبیل تیغ، چاقو، شیشه شکسته و غیره و یا با سیاه کردن توسط وسایل همچون رنگ، مواد کیمیایی و غیره، زایل کردن، خط کشیدن، و پاک کردن و پنهان ساختن یک جزأ و تلف نموده یک بخش صورت می گیرد. به گونه که در مضمون سند یا نوشته تغییر وارد نماید. حذف میتواند یک حرف، کلمه، جمله، عدد و یا رقم باشد.

درینجا نیز باید بین تلف کردن و محو ساختن کلی و جزئی نوشته فرق کنیم؛ زیرا محو ساختن و تلف کردن کلی خیانت بحساب می آید. اما محو ساختن جزء از باب تزویر می باشد.<sup>۴</sup>

### **ج: تعدیل آوردن**

درین طریق حذف و اضافه هر دو بکار می رود به گونه که شخص تزویر کننده در قدم اول چیزی را حذف نماید بعداً در مکان آن چیزی را که میخواهد افزود نماید.

مثلاً محو ساختن مهر و امضاء صحیح، و در عوض آن مهر دیگری را گذاشتن.

۱- الموسوعة الجنائية الإسلامية المقارنه بالانظمة المعمول بها في المملكة العربية السعودية ۲۴۰/۱، جعل و تزویر و جرایم وابسته ص ۵۹.

۲- نطاق تجريم الشهادات و التقارير الطبية ص ۴۹، جريمة التزوير في التشريع الفلسطيني ص ۱۶۲، حقوق جزای اختصاصی ۵۲/۲.

۳- نطاق تجريم الشهادات و التقارير الطبية ص ۴۹، حقوق جزای اختصاصی ۵۲/۲.

۴- نفس مرجع ص ۴۹، نفس مرجع ۵۲/۲.

در قانون جزای افغانستان از این عمل به لفظ تبدیل نمودن تعبیر گردیده است.

### **مطلب دوم: تزویر معنوی و شیوه های آن**

#### **جزء اول: مفهوم تزویر معنوی**

تزویر معنوی عبارت است از تغییر دادن حقیقت در اسناد و نوشته جات بدون اینکه در آن اثری گذاشته شود که با حس قابل درک باشد. این نوع تزویر جز هنگام ایجاد واقع نمیشود و روی همین علت است که کشف و اثبات این نوع تزویر صعب و مشکل بوده و نیاز به درایت و تجربه کافی و بحث و موشگافی عمیق دارد تا به حقیقت برسیم.<sup>۱</sup>

در این نوع تزویر وضعیت از این قرار است که یک نفر بنابر موقعیت خاص شغلی (مثل کارمند را در امور قضائی و یا مامور دولت) مسئولیت تنظیم اوراق و یا گزارش از حادثه را عهده دار میگردد ولی وی عمل را خلاف وظیفه انجام میدهد مانند اینکه: شخص مسئولیت تنظیم سند را در ارتباط به دیگری بر عهده دارد و شخصی که سند در ارتباط به او تنظیم میشود، مطالب و اطلاعاتی را جهت درج در سند اعلام و إنشاء میکند، ولی تنظیم کننده سند، به عمد و اراده آنها را نادیده می گیرد و درج سند نمی کند و یا مطلب دیگری را در سند می گنجاند. یعنی سند را خلاف آنچه گردیده تنظیم می کند. اینگونه تغییر در اوراق رسمی و عرفی امکان پذیر است. و یا هم از مثال های این گونه تغییر، سوء استفاده از امضاء در ورق سفید را نیز میتوان بیان کرد.

مثل اینکه صاحب پول چک را امضاء می کند و تزویر کننده در بالای امضاء مبلغی را می نویسد که شخص از آن آگاهی ندارد.<sup>۲</sup>

#### **جزء دوم: شیوه های تزویر معنوی**

##### **الف: تغییر آوردن در اقرار صاحب قضیه**

آنست که تزویر کننده در دوسیه بیانات یا سایر اسناد چیزهای را داخل و ثبت نماید که از آنچه مسئولین امور اثبات آنرا خواسته است مختلف باشد.<sup>۳</sup>

۱- تزویر المادی و المعنوی، احمد ابراهیم سید، الناشر: دار الفكر الجامعی، ص ۲۰، جرائم التزویر و المحررات ص ۱۰۸، حقوق جزای اختصاصی ۲/۲۴۸.

۲- حقوق جزای اختصاصی ۲/۲۴۸، جعل و تزویر و جرایم وابسته ص ۶۵.

۳- تزویر المادی و المعنوی ص ۲۰، جرائم التزویر و المحررات ص ۱۰۸، حقوق جزای اختصاصی ۲/۲۴۸.

این نوع تزویر را در محررات رسمی<sup>۱</sup> در اکثر حالات فرد مؤظف در مرکز وظیفوی خود انجام می دهد. اما تزویر در اسناد و محررات عرفی<sup>۲</sup> از طرف شخص عادی نیز واقع شده می تواند، بدون توجه به فحوای اسناد عرفی که اطراف قضیه با هم روی آن اتفاق داشته اند.

مثال تزویر در محررات رسمی:

مثل اینکه متعاقدان از محرر و یا مؤظف طلب ثبت عقد بیع را نمایند ولی شخص مؤظف عقد هبه را ثبت کند.

و یا اینکه در وثیقه عقد نکاح مأذون مقدار مهری را ثبت کند که اقل و یا اکثر از مهری باشد که طرفین به آن موافقه نموده اند، و یا اینکه شهادت شاهدان را مبنی بر طلاق باین ثبت کند درحالیکه طلاق واقع شده طلاق رجعی بوده، و یا برعکس.

اما مثال محرر عرفی: عبارت است تغییر آوردن عمدی در معنای سند از سوی مترجم است که مکلف به ترجمه آن از یک زبان به زبان دیگر می گردد. این نوع تزویر با افزودن در وثیقه و سند، حذف کردن از آن و یا تعدیل آوردن صورت می گیرد.

در تمام این صورت ها باید سوء نیت جانی در ورای عملش قرار داشته باشد. کشف این نوع تزویر تنها از طریق مراجعه به صاحب قضیه و شناخت اظهارات و معلوماتی ممکن است که اثبات آن را میخواهد، و مقارنه کردن آن با بیاناتی که محرر (به کسر راء) ثبت نموده است.<sup>۳</sup>

### **ب: جلوه دادن وقایع یا اقوال دروغ در قالب صحیح**

این نوع تزویر در محررات رسمی و عرفی صورت گرفته می تواند. و به گونه است که وقایع دروغ را در صورت وقایع صحیح یا اقوال دروغ را در صورت اقوال صحیح جلوه میدهد.<sup>۴</sup> مثال آن در وثایق رسمی:

آنست که کسی از طرف دولت توظیف میگردد تا برود و فلان زمین را از نزدیک مشاهده کند ولی موظف مذکور به آنجا نمیروود اما گزارش را طوری تهیه میکند که گویا به محل مورد نظر رفته و آنجا را از نزدیک مشاهده نموده است.

---

۱- محررات و نوشته جات رسمی: عبارت از اسناد و اوراقی است که از مؤظف مخصوص خدمات عامه اصدار و تصدیق آن، طبق احکام قوانین و لوایح صادر گردیده باشد و همچنان منظور از آن اسناد و اوراقی است که مؤظف خدمات عامه که مسئولیت رسمیت و اعتبار دادن آن را دارد، بعد از آن که عرفی بوده برای آن رسمیت و اعتبار بدهد.

۲- مراد از محررات و اسناد عرفی و اوراقی است که از شخص عادی- شخص غیر مؤظف خدمات عامه- صادر گردیده و متضمن بیانات مکتوبه یا مطبوعه باشد مانند: اسناد دیون و امثال آن، الموسوعة الجنائیه الاسلامی المقارناً ۱/۲۴۰.

۳- الموسوعة الجنائیه الاسلامی المقارناً ۱/۲۴۲.

۴- الموسوعة الجنائیه الاسلامی المقارناً ۱/۲۴۲.

مثال آن در سند عرفی:

مثلاً صاحب قرض برای قرضدار خود سند وصولی تحریر نماید و در آن پرداخت قرض را ذکر کند که غیر از قرض اصلی او می باشد.

البته در محرر (سند) این شرط نیست که مهر ها، نشانه ها و امضاء ها ساختگی باشد. بلکه ممکن است که مهر ها و امضاء های حقیقی را بدست آورد.<sup>۱</sup>

### ج: تغییر اقوال و اقرارات مهم

به گونه‌ای که تزویر کننده در هنگام ثبت و تأیید و بیانات اعتراف و اقرار شخصی را در مورد واقعه معینی ثبت می کند، در حالیکه شخص مذکور به آن اعتراف و اقرار نکرده است.<sup>۲</sup>

مانند اینکه تحقیق کننده در اوراق تحقیق ثبت نماید که متهم به ارتکاب فلان جرم اعتراف نموده است، در حالیکه چنین اعترافی نکرده است.

و یا ثبت کننده عقد نامه ها در بیع اقرار بایعی را مبنی بر قبض کامل پول ثبت نماید در حالیکه او چنین اقراری نکرده است.

### د: تزویر ظاهر و آشکار

مراد از آن تغییر حقیقت در اسناد است به نحوی که اسناد قوت خود را در اثبات از دست دهد، یعنی نتواند اثر حقوقی را ایجاد کند. شرط این گونه تزویر آن است که تزویر به گونه‌ای باشد که فریب خوردن برخی از مردم در آن غیر متصور باشد و این گونه تغییر، تغییری است که اسناد مظهر و سیمای قانونی خود را از دست می دهد.<sup>۳</sup>

### مطلب سوم: تفاوت میان تزویر مادی و معنوی

به طور عموم تفاوت میان این صورت ها قرار ذیل است:<sup>۴</sup>

#### الف: از حیث جوهر آن

به این ترتیب که تغییر حقیقت در تزویر مادی واضح و ملموس بوده و به ساده گی و یا با اندک دقت درک میگردد؛ اما چنانچه بیان گردید تغییر حقیقت در تزویر معنوی صرفاً با اقرار مزور و یا از طریق مراجعه به صاحب سند امکان دارد.

۱- جرائم تزویر المحررات، أحمد محمود خليل، الناشر: المكتب الجامعی الحديث، ۲۰۰۸م ص ۱۰۸، التزویر المادی و المعنوی ص ۲۰، الموسوعة الجنائية الإسلامية المقارنا ۲۴۲/۱.

۲- جرائم تزویر المحررات ص ۱۰۸، التزویر المادی و المعنوی ص ۲۰، الموسوعة الجنائية الإسلامية المقارنا ۲۴۲/۱.

۳- الموسوعة الجنائية الإسلامية المقارنه ص ۲۴۰ و ۲۴۳.

۴- جريمة التزویر فی التشريع الفلسطيني ص ۱۴۲-۱۴۳، جعل و تزویر و جرایم وابسته ص ۶۸.

### **ب: از حیث اثبات**

یعنی اثبات تزویر مادی سهل و آسان است چون در این صورت تزویر اثر قابل مشاهده بجا می گذارد به خصوص اگر این صورت با شیوه های افزودن، حذف کردن و یا تعدیل کردن باشد، اما در تزویر معنوی وضعیت از این قرار نیست.

### **ج: از حیث زمان**

چنانچه تغییر آوری در تزویر مادی همزمان با تحریر سند و یا ساختن امضاء و مهر امکان پذیر است همچنان بعد از تحریر و آماده سازی آن نیز ممکن می باشد. اما در تزویر معنوی تغییر آوری همزمان با تحریر سند صورت می گیرد.

## فصل سوم

### حکم تزویر و حکمت تحریم آن، جرایم مماثل تزویر، اثر تزویر

#### مبحث اول: حکم تزویر و حکمت تحریم آن

#### مطلب اول: حکم تزویر.

اصل تزویر با تمام انواع و اشکال آن از نگاه شرعی عمل حرام است. چه تزویر به شکل قولی صورت گیرد مانند شهادت دروغ و یا به صورت عملی انجام یابد مانند تزویر و جعل کاری در ساختن اسناد و وثایق تاریخی و غیره. بلکه این عمل از بزرگترین گناهان و شدیدترین محرمات بحساب می رود. فقهای مذاهب چهار گانه شهادت دروغ و تزویر را با هم یکسان قرار داده و آنرا به یک معنا دانسته اند.<sup>۱</sup> از آنجاییکه کلمه زور، تزویر و شهادت دروغ هر دو را در بر می گیرد، پس تزویر و شهادت دروغ دو روی یک سکه به حساب می روند و حکمی که متوجه شهادت دروغ است، عین همان حکم بر تزویر نیز اطلاق می گردد و دلایلی که متوجه شهادت دروغ می گردد عین همان دلایل به تزویر نیز بر میگردد. و هر سخنی در مورد زور هر دو بخش آنرا، یعنی شهادت دروغ و تزویر را شامل می گردد. پس بنابر همین گفته میتوانیم که فقهای تمام مذاهب اسلامی اتفاق دارند که تزویر حرام بوده و از جمله گناهان کبیره بحساب می آید. بلکه در این امر تشدد نموده و آنرا در زمره اکبر الکبائر آورده اند؛ زیرا شهادت دروغ و تزویر در کنار شرک و وزیدن و عبادت بتان ذکر گردیده است. و این امر فقط در گناهانی اکبر الکبائر میباشد که الله عزوجل از آن نهی فرموده است؛ زیرا الله عز و جل هر گناهی را برای هر کی بخواهد عفو میکند جز شرک را، پس هر امری که مقتدرن با شرک به الله عز و جل در قرآن مجید ذکر گردد حکم آنرا به خود می گیرد.

چنانچه الله عز و جل می فرماید: «أُولَئِكَ يَرْجُونَ أَجْرًا مِنْ اللَّهِ وَرَجُوا اللَّهَ فَأَنْزَلْنَاهُمْ رِزْقًا مِنْ سَمَاءٍ مَبْرُورًا ۖ وَرَبُّهُمُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»<sup>۲</sup>. ترجمه: هر آئینه خدا نمی آمرزد اینکه به او شرک آورده شود، و غیر از آن را برای هر کس که خواهد می آمرزد. و هر که به خدا شرک ورزد هر آئینه گناهی بزرگ را افترا بسته است.

مگر در بین فقهاء یک رأی شاذ وجود دارد که در مقابل با قول جمهور فقهاء از قوت چندانی برخوردار نمی باشد و آن اینکه در حکم تزویر شک نموده اند که آیا از جمله کبائر است یا نه؟<sup>۳</sup>

۱- العنایه شرح الهدایه، محمد بن محمد بن محمود البابرکی، الناشر: دار الفکر بدون طبع بدون تاریخ، ۴۷۶/۷، الوسیط فی المذاهب ۱۷۰/۲، الکافی فی فقه اهل المدینه ۹۱۷/۲، المغنی لابن قدامه ۲۳۱/۱۰، الفتاوی الکبری لابن تیمیة ۱۱۹/۶.

۲- سورۀ النساء آیه ۴۸.

۳- حاشیه الجمل علی شرح المنهاج، سلیمان بن عمر بن منصور العجلی الازهری، المعروف بالجمل، الناشر: دار الفکر ۳۷۹/۵.

که ضعف این رای آشکار است؛ زیرا وعید و تهدیدی که در مورد این گناه بزرگ وارد شده است در همان قوتی است که در مورد شرک ورزیدن به الله متعال وارد شده است. تزویر با آیات قرآنی، احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم و دلایل از معقول حرام بوده که قرار ذیل بیان میگردد:

### دلایل از قرآن کریم:

#### اول: آیاتی که حرمت زور (دروغ) را به صورت مستقیم بیان میدارد:

الله عزوجل در آیات ذیل حرمت تزویر را به صورت مستقیم و مباشر تذکر داده است.

۱- أَلَيْسَ لَكُمْ عِلْمٌ بِمَا يُكَذِّبُكُمُ اللَّهُ الْكَاذِبِينَ ۗ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۗ

ترجمه: (حکم) این است و هر که شعائر خدا را تعظیم کند پس این تعظیم کردن او را نزدیک پروردگار او بهتر است و حلال کرده شد برای شما مواشی<sup>۲</sup> مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما<sup>۳</sup> پس از پلیدی بتان احتراز کنید و از سخن دروغ (گواهی دروغ) نیز دور مانید.

**وجه دلالت:** علماء کرام بیشترین اعتماد شان را در امر تحریم تزویر به همین آیت نموده اند. بلکه با استناد بر همین آیت آنها از جمله کبائر بحساب آورده اند؛ زیرا الله عزوجل تزویر را در کنار عبادت بتان که از جمله کبائر میباشد، ذکر نموده است پس حکم آن بر تزویر نیز سرایت می نماید؛ زیرا مشرک گمان مینماید که بت ها آنچه را می خواهد تحقق می بخشد و این گمان باطل خود را در برابر مردم بیشتر آرایش می دهند تا مردم آنها حق بدانند، پس خود شان به انحراف رفته و دیگران را نیز به انحراف می برند. مزور نیز همین کار را میکند، یعنی باطل را مزین ساخته و آنها را به صورت حق تبارز میدهد و به این ترتیب انسان ظالم را به هدف اش می رساند.<sup>۴</sup>

۲- وَابْرِهَانَ إِذْ كَذَّبَهُ قَوْمَهُ وَاتَّخَذَ مِنْهُمْ مِثْقَلَةً خَمِيرًا ۚ وَابْرِهَانَ إِذْ كَذَّبَهُ قَوْمَهُ وَاتَّخَذَ مِنْهُمْ مِثْقَلَةً خَمِيرًا ۚ

ترجمه: و گفتند کافران این قرآن مگر دروغی نیست که آنها بر بافته است و او را بر افترای وی گروه دیگر یاری داده اند پس ستم و دروغ را به درستی که به عمل آورند.

**وجه دلالت:** این آیت در تکذیب یهود نازل شده است و بعضی ها گفته اند که یکتعداد کفار را تکذیب کرده است؛ زیرا آنها بر الله عزوجل افتراء نمودند در حالیکه می دانستند که سخن شان باطل است، آنها حق را

۲- سوره الحج آیه ۳۰.

۳- یعنی ستر، گاو، بز و گوسفند.

۴- یعنی میته و خون مسفوح.

۵- الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ابو القاسم محمود بن عمر بن احمد الزمخشری، الناشر: دار الکتب العربی - بیروت ۱۴۵/۳-۱۵۵.

۱- سوره الفرقان آیه ۴.



افتراء و تهمت خواندند و به قلب حقایق پرداختند و آنرا باطل جلوه داده و منسوب رسول الله صلی الله علیه وسلم نمودند.<sup>۱</sup>

۳- و این قول خداوند متعال: **أَأَقْرِبُونَهُ كَقِطْرِ الْحَمِيمِ** <sup>۲</sup>. ترجمه: و آنانکه گواهی دروغ نمی دهند و چون بگذرند بر بیهوده به روش بزرگان بگذرند.

**وجه دلالت:** این آیه کریمه از صفات بندگان خاص الله سخن می گوید و از بارزترین صفات ایشان اینرا تذکر می دهد که آنها شهادت باطل نمی دهند. و در تفسیر آن گفته اند که مراد از شهادت باطل بندگی اصنام و شرک ورزیدن به الله عزوجل می باشد. عده گفته اند که مراد از آن کذب و فسق است یعنی از تمام اینها اجتناب نموده و فقط راه صدق را در پیش می گیرند.<sup>۳</sup>

۴- و این قول خداوند متعال: **أَأَقْرِبُونَهُ كَقِطْرِ الْحَمِيمِ** <sup>۴</sup> بر **بَنِي إِسْرَائِيلَ** ترجمه: آنانکه از شما با زنان خود ظاهر<sup>۵</sup> میکند آن زنان مادران ایشان نیستند، مادران آنان کسانی هستند که آنها را زاده اند و هر آئینه این ظاهر کننده گان سخن نا پسند و دروغ می گویند و هر آئینه خدا عفو کننده آمرزگار است.

**وجه استدلال:** این آیت در سیاق سخن از ظاهر وارد شده است و وجه استدلال اینست که ظاهر عبارت از کذب و قلب حقایق است؛ زیرا همسر خود را مادر خویش میخواند در حالیکه چنین نیست. پس مقصد از زور در این آیه قلب حقایق و جلوه دادن باطل به صورت حق می باشد. به گونه که حقیقت زوجیت را باطل گردانیده و زوجه اش را مانند مادر خویش می خواند. و این کلمه است که حکم قطع زوجیت را بین شان به دنبال دارد. در حالیکه حقیقت امر چنین نیست، بلکه واژگون نشان دادن حقایق می باشد.<sup>۶</sup>

و به طور عموم وجه دلالت در تمام آیات فوق اینست که: چنانچه بیان گردید (زور) شامل شهادت دروغین (دروغ قولی) و تزویر (دروغ فعلی) میشود، پس تزویر و شهادت دروغین دو وجه برای یک عملیه میباشند و حکم شهادت دروغین حکم تزویر نیز بوده و دلایل علیه شهادت دروغین همان دلایل تزویر است، و هر

۲- تفسیر القرآن العظیم المسمی بـ تفسیر ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی دمشقی، الناشر: دار الکتب العلمیه، ۸۵/۶.

۳- سوره الفرقان آیه ۷۲.

۴- فتح القدیر للشوکانی ۱۰۳/۴ - ۱۰۴.

۵- سوره المجادله آیه ۲.

۶- زنی را شوهر او گفت (أنت علی کظهر امی) تو بر من مانند پشت مادر منی، آن زن پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم این ماجرا را عرض کرد، فرمودند که: حرام شدی، آن زن که عیال بسیار و مال اندک داشت عرض کرد، خدای تعالی این آیه را فرستاد.

۱- فتح القدیر للشوکانی ۲۱۷/۵ - ۲۱۸.

سخنی در مورد زور تزویر را نیز شامل می‌باشد و هر کلامی در مورد یکی، بر دیگری نیز منطبق می‌شود بناءً دلایل فوق‌گرفته تزویر را به صراحت در بر ندارد اما بنابر آنچه بیان گردید حکم تزویر به صورت دلالت النص از دلایل فوق‌گرفته می‌شود.

## دوم: آیات که از دروغ بر حذر میدارد:

آیاتی که از دروغ بر حذر نموده و دروغ‌گویان را به عذاب شدید وعید می‌دهد، بسیار زیاد است. وجه دلالت در تمام این آیات، چنین است که تزویر یک نوع از انواع کذب است، بخصوص اینکه تزویر، دروغ عملی و قولی می‌باشد. و مزور این کار را از طریق باطل نشان دادن حق و حق جلوه دادن باطل و پامال کردن حقوق مردم انجام می‌دهد.

۱- این قول الله متعال که میفرماید: **أَتَيْتِي بِمَا كَذَبْتَنِي** <sup>۱</sup>. ترجمه: در دل هایشان بیماری است پس خدا بر ایشان بیماری را افزون داد و برای ایشان عذاب در دهنده است بسبب آنکه دروغ می‌گفتند.

۲- این آیه مبارکه: **أَلَمْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَمْرِهِ إِذْ يَنْذَرُكَ بَاطِلٌ كَبِيرٌ** <sup>۲</sup>. ترجمه: هر آینه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و از قبول آن سرکشی کردند هرگز گشاده نشود برای ایشان دروازه‌های آسمان و در نیابند به بهشت تا وقتی که شتر در سوراخ سوزن داخل شود <sup>۳</sup> و همچنین گناهکاران را جزا می‌دهیم.

۳- و همچنان الله متعال میفرماید: **أَلَمْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَمْرِهِ إِذْ يَنْذَرُكَ بَاطِلٌ كَبِيرٌ** <sup>۴</sup>. ترجمه: و روز قیامت ببینی آنها را که دروغ بستند بر خدا چهره هایشان سیاه شده است، آیا در دوزخ جای برای کافران است؟

۴- و هم الله عز وجل میفرماید: **أَلَمْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَمْرِهِ إِذْ يَنْذَرُكَ بَاطِلٌ كَبِيرٌ** <sup>۵</sup>. ترجمه: و اگر اهل قریه جات ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند، هر آینه بر ایشان برکت‌ها از آسمان و زمین می‌کشادیم، و لیکن تکذیب کردند، پس ایشان را به وبال آنچه می‌کردند گرفتیم. وجه دلالت در تمام این آیات اینست که عموم آیات فوق سخن از عذاب شدیدی می‌گوید که در انتظار کاذبین قرار دارد. بخصوص آنهایی که بر الله عز وجل دروغ می‌بندند و برای او شریک می‌تراشند. آنها این عمل زشت شانرا به گونه‌ای انجام می‌دهند که در فتوا تزویر می‌نمایند و یا دلیل شرعی را مخفی می‌

۲- سوره البقره آیه ۱۰.  
۳- سوره الاعراف آیه ۴۰.  
۱- یعنی این محال است. والله اعلم.  
۲- سوره الزمر آیه ۶۰.  
۳- سوره الاعراف آیه ۹۶.



به همین دلیل الله سبحانه و تعالی در آیات زیاد قرآنی به شدت تمام به تادیبه حقوق و امانت های دیگران امر مینماید. و از خوردن و تصاحب کردن مال غیر از طریق فریب و دروغ برحذر میدارد و چنانچه بیان گردید تزویر یکی از انواع دروغ و فریب کاری میباشد که الله متعال آنرا حرام قرار داده است.

### دلایل حرمت تزویر در احادیث نبوی:

۱- عن ابی بکره رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «الا أنبئکم بأکبر الكبائر؟» قلنا بلی یا رسول الله، قال: «الإشراک بالله و عقوق<sup>۱</sup> الوالدین» و کان متکئاً فجلس فقال: «ألا و قول الزور و شهادة الزور ألا و قول الزور و شهادة الزور» فما زال یقولها حتی قلت لا یسکت.<sup>۲</sup>

ترجمه: از ابوبکر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: آیا شما را به بزرگترین گناهان آگاه سازم؟ بلی یا رسول الله. ایشان فرمودند: شرک ورزیدن به الله، نافرمانی و رنجاندن والدین و در حالی که تکیه زده بودند، در جای شان نشسته و گفتند: آگاه باشید که سخن دروغ و شهادت دروغ، سخن دروغ و شهادت دروغ و این سخن را آنقدر تکرار کردند که گفتم هیچ خاموش نخواهد شد.

۲- عن ابی هریره رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه وسلم قال: «من لم یدع قول الزور و العمل به و الجهل فلیس لله حاجة أن یدع طعامه و شرابه».<sup>۳</sup>

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که سخن دروغ و عمل کردن به آن را ترک نمیکند الله متعال به این نیاز ندارد که طعام و نوشیدنی خود را ترک نماید.

این احادیث نبوی و تعداد زیاد غیر از این ها دلیل قاطع در جهت تحریم تزویر که وجه دیگری از شهادت دروغین است، بوده و آنرا از جمله گناهان کبیره میداند.

در این نوشتار به ذکر همین تعداد احادیث کفایت می نمایم؛ زیرا میتوان از خلال همین احادیث به هدف مطلوب برسیم که عبارت از استدلال بر تحریم تزویر و قرار دادن آن ضمن گناهان کبیره می باشد. به

۱- عقوق از عقوق گرفته شده: در لغت به معنی شوق، قطع کردن، ضد احسان و بر است، و در اصطلاح به معنای اذیت کردن، خشم و عصبان والدین و خروج از فرمانبرداری و اطاعت ایشان میباشد، چنانچه گفته میشود: عقوق والده یعقه عقوقاً فهو عاق إذا آذاه و عصاه و خرج علیه، یعنی هنگامیکه اذیت، عصبان و نافرمانی کسی را کند، برایش چنین گفته میشود. النهایة فی غریب الحدیث و الاثر ۲۷۷/۳.

۲- صحیح البخاری ۴/۸ شماره حدیث ۵۹۷۶.

۳- صحیح البخاری ۱۷/۸ شماره حدیث ۶۰۵۷.

همین سبب تحذیر پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد گردیده و مرتکب آنرا با شدیدترین عذاب‌ها وعید نموده و آنرا به صفات نفاق یاد آوری نموده است، که کمترین آن اینست که در وجود او یک شعب از نفاق نفوذ دارد. و کذب، خیانت، فریبکار و شهادت دروغ، تمام اینها در مفهوم تزویر جمع میشود.

آیا ابتدای تزویر این نیست که سخن دروغ را زیبا جلوه میدهد تا به امانت، خیانت نموده و جانب مقابل را فریفته، حق او را ضایع و یا غصب نماید؟ بعد از آن به شهادت دروغ پناه می برد تا آنچه را با تزویر انجام داده است، حق جلوه بدهد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم علاوه بر اینکه از تزویر نهی می نماید، تأکید میکند که این عمل از اکبر الکبائر می باشد؛ زیرا در این کار قلب حقایق و ظلم با دیگران به صورت واضح دیده میشود، همچنان مشاهده می کنیم که تزویر را با شرک مقارن ذکر کرده اند و ایشان بخاطر نشان دادن بزرگی و خطرناکی آن هیئت نشستن خویش را تغییر داده و بعد از آنکه نشسته تکیه زده بودند، سخن شان را تکرار کردند. و بخاطر اینکه تأکید نمایند که این عمل قبیح تر از اعمالی است که قبلاً ذکر کرده اند. مزید بر آن سخن خویش را آنقدر تکرار نمودند که بعضی صحابه با دلسوزی به حال شان تمنا کردند که کاش آرام شوند.<sup>۱</sup>

### **سوم: دلایل عقلی حرمت تزویر**

از این که الله عز وجل تزویر را مقتدرن با شرک ذکر نموده است، و هم سیدنا محمد صلی الله علیه وسلم بالای فاعل آن تشدید نموده و این عمل وی را از اکبر الکبائر بیان نموده است.

و هم از آنجا که تزویر خطر جسیم و ضرر بزرگ را بر جانب مقابل و هم برای جامعه در حال و آینده در قبال دارد، بناءً عقل سلیم نیز حکم به حرمت آن میکند.<sup>۲</sup>

### **مطلب دوم: حکمت تحریم تزویر.**

از آنجا که از خطرناکترین و بزرگترین گناهان در شریعت حکیم ما شرک ورزیدن به الله عز وجل و پرستش بت‌ها میباشد و تزویر مقارن با شرک به الله عز وجل و بت پرستی ذکر گردیده معلوم است که دوری و هشدار همگانی از آن واجب است، و اگر از گناهان کبیره نمی بود به شرک مقارن ذکر نمی شد. و همچنان تزویر ضرر بزرگ برای جامعه در قبال دارد. و هم مزور با این فعل امور مردم را به بازی می گیرد و این چیزی است که از آن منع صورت گرفته بناءً از بزرگترین حکمت‌های تحریم آن مصئون ماندن فرد از شرمساری دنیا و عذاب آخرت و صیانت جامعه از اضرار بزرگ این عمل می باشد.

به همین ترتیب از اسباب تشدید بر تزویر و مرتکب آن امور ذیل را میتواند بیان کرد:

۱- احکام جرایم التزویر فی الفقه الاسلامی، سامر برهان، جامعة النجاح الوطنية، ص ۲۹.  
۲- المبسوط، محمد بن احمد بن ابی سهل شمس الائمة السرخسی، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ۶۴/۱۶، ۱۴۵، المغنی لابن قدامة ۱۰/۱۶۹.

۱- چنانچه زور عبارت از مقلوب ساختن حق بر باطل و باطل برحق، و ایصال حقوق به غیر از اصحاب آن و محروم ساختن اصحاب حق از حقوق مشروع شان است پس باعث از بین رفتن جامعه می گردد؛ زیرا اعمالی را که مزور انجام میدهد و کسی از آن آگاه نمی باشد ضرر بیشتر و بزرگتری را به بار می آورد حتی بزرگتر از اعمالی که دشمنان دین انجام می دهند؛ زیرا امکان دوری و هشدار از اعمال دشمنان دین وجود دارد اما نمی توان از افعال مزور دوری کرد به سبب عدم آگاهی از آن.

۲- و زمانیکه مزور حقایق را مقلوب ساخته حق را باطل و باطل را حق جلوه دهد، حلال را حرام و حرام را حلال قرار داده و آنچه را شریعت از آن منع نموده است ایجاد کند این جرم وی از کبائر محسوب می گردد؛ زیرا الله عزوجل اراده اتصال حقوق به نوبی الحقوق را دارد. در صورت که این امر را باطل ساخته حقوق را به غیر مستحقین آن رساند پس در این صورت هیچ کبیره بزرگتر از آن نیست به همین دلیل تزویر با شرک مقارن گردیده است. والله اعلم.

۳- تزویر نیز یک صورتی از صورت های شرک است و به عنوان یک باب از ابواب آن پنداشته میشود. چنانچه مشرک از حق منحرف شده و ادعای باطل را می کند به گونه که اصنام و بت ها را سزاوار پرستش می دانند نه الله متعال را، مزور نیز از حق تجاوز کرده و مدعی دروغ شده است. پس هر دوی آنها ادعای دروغ و بهتان نموده اند و همچنان در هر دو فعل قباحت و رجس وجود دارد که شخص مومن از آن منع گردیده است.

۴- به همین ترتیب فعل مزور سبب میشود که حاکم یا قاضی حکم خلاف حق را صادر نماید. و حکم به غیر حق از گناهان کبیره است، و این همه نتیجه تزویر است. با علم به اینکه حاکم و یا قاضی که بر اساس اوراق تزویر شده حکم صادر نموده است مورد محاسبه قرار نمیگیرد. چون به تزویر علم ندارد.

**مبحث دوم: جرایم مماثل تزویر.**

**مطلب اول: تقلید.**

تقلید در لغت جمع کردن یک چیزی، مشابهت پیدا کردن، تاب دادن چیزی، پیچاندن چیزی بر چیزی دیگر است. و قلاده نیز از همین کلمه مشتق گردیده و چیزی را گویند که در گردن بدنه (حیوان چاق)<sup>۱</sup> انداخته می شود تا از شتران دیگر فرق گردیده و مردم بفهمند که از جمله شتران قربانی می باشد.<sup>۲</sup>

تقلید از نظر شرعی به معنای قبول قول شخص دیگری بدون طلب دلیل است.<sup>۳</sup> بعضی ها گفته اند که عبارت از همسان سازی فعل و تزییف (ساختن چیزی به صورت نقلی مطابق اصل که از آن تقلید صورت گرفته است) است.<sup>۴</sup> که در اینجا همین معنا مورد نظر است.

### مطلب دوم: خیانت در امانت در اوراق دارای امضاء و مهر.

در اینجا نخست مفهوم خیانت در امانت و حکم شرعی خیانت در امانت را مورد بحث قرار می دهیم و بعد ارکان و جزای جرم خیانت در امانت در اوراق سفید دارای امضاء یا مهر را از دیدگاه قانون جزای کشور مصر به مطالعه میگیریم:

**جزء اول: مفهوم خیانت در امانت:** خیانت در لغت به معنای مخالفت با حق و نقض عهد است. راغب اصفهانی<sup>۵</sup> می گوید: خیانت و نفاق هر دو یکی است، ولی خیانت نسبت به عهد و امانت و نفاق نسبت به عقیده و امانت و نفاق نسبت به عقیده و دین گفته میشود سپس این دو معنی در هم تداخل نموده اند. پس خیانت با حق و پیمان شکنی پنهانی است و نقطه مقابل خیانت امانت میباشد.<sup>۶</sup>

و در اصطلاح حقوقی طبق حکم قانون جزاء افغانستان خیانت در امانت عبارت است از اینکه شخصی به هدف ضرر رساندن به مالک یا واضع ید بر آن، مال منقولی را که نزد وی امانت گذاشته شده یا به نحوی از انحاء به وی سپرده شده با سوء نیت به نفع خود یا شخص دیگری استعمال نماید یا به خلاف غرضی که به وی سپرده شده بر خلاف قانون و مقررات در آن تصرف نماید.<sup>۷</sup>

۱- بدنه شتر و گاوی را می گویند که در مکه ذبح می گردید. و بخاطری بنام «بدنه» یاد می شد که آنرا تحت پرورش قرار داده و خیلی چاق می ساختند و بعداً به بیت الله هدیه می کردند. لسان العرب ۴۷/۱۳.

۲- لسان العرب ۳۶۷/۳.

۳- روضة الناظر، ابو محمد موفق الدین عبدالله بن احمد بن محمد ابن قدامه المقدسی، الناشر: مؤسسة الديان، الطبعة الثانية، ۳۸۱/۲.

۴- الموسوعة الفقهية الكويتية ۱۳/۱۵۴.

۱- حسن بن محمد بن المفضل، أبو القاسم الإصفهانی یا اصبهانی، مشهور به راغب شخص ادیب و از حکماء و علمای عصر خود بوده از اهل اصبهان و در بغداد و مقارن با عصر امام غزالی میزیست. از کتب وی، محاضرات الأدباء در دو جلد، الذریعة الی مکارم الشریعة، الاخلاق، جامع التفاسیر و المفردات فی غریب القرآن ۳۰۵/۱.

۲- مقایس اللغة ۲/۲۳۱، المفردات فی غریب القرآن ۳۰۵/۱.

۳- قانون جزا افغانستان ماده ۴۶۶.





از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لا ایمان لمن لا امانة له و لا دین لمن لا عهد له»<sup>۱</sup>.

ترجمه: آن کس که امانت را خیانت میکند ایمان ندارد و آن کس که به پیمان خود وفادار نیست دین ندارد. از عباده بن صامت رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اضمنوا لی ستاً من انفسکم أضمن لكم الجنة، أصدقوا إذا حدثتم، و أوفوا إذا وعدتم، و أدوا إذا اتئمتنم، واحفظوا فروجکم و غضوا ابصارکم و کفوا ایدیکم»<sup>۲</sup>.

ترجمه: شش چیز را از نفس خود برای من ضمانت کنید، برای شما جنت را ضمانت میکنم: صداقت را هرگاه سخن گفتید، وفاء به عهد را هر وقت عهد کردید، امانت را اداء کنید هرگاه امانت دار شدید، شرمگاه خود را حفاظت کنید، چشمان تان را حفاظت کنید و دست های تان را از (ظلم) منع کنید.

### جزء سوم: ارکان جرم خیانت در امانت در اوراق دارای امضاء یا مهر:

قانون افغانستان در این زمینه ساکت است اما طبق حکم ماده ۲۹۵ قانون جزای مصر ارکان این جرم عبارتند از: (فعل مادی، وجود اوراق سفید دارای امضاء یا مهر، تسلیم اوراق سفید دارای امضاء یا مهر به جانی و قصد جنائی)<sup>۳</sup> که ذیلاً هر یک را توضیح میدهیم.

۱- **فعل مادی:** مراد از فعل مادی همانگونه که از ماده ۲۵۹ قانون جزای مصر واضح است، آن است که شخص امین بر ورق سفید دارای امضاء یا مهر که برایش به طور امانت سپرده شده، سند دین یا سندات دیگری را بنویسد به نحوی که باعث ضرر به شخص صاحب امضاء یا مهر یا باعث ضرر به مال و دارایی وی گردد. به عبارت دیگر بر آن چیزی را بنویسد که صاحب امضاء یا مهر را از لحاظ مادی و معنوی متضرر سازد.

۲- **وجود اوراق سفید دارای امضاء یا مهر:** مراد از اوراق سفید دارای امضاء یا مهر اوراقی نیست که کاملاً سفید باشد و همچنان اوراقی نیست که شخص امین بتواند معاهدات مختلف را طبق خواست خویش در آن بنویسد، بلکه منظور از آن اوراقی است که جانی بتواند از قسمت سفید آن استفاده نموده در آن چیزی بنویسد که صاحب امضاء یا مهر را از لحاظ مادی یا معنوی متضرر سازد، اما هرگاه معاهده نوشته شده در قسمت بالای امضاء یا مهر کامل باشد و جانی از فاصله های سفیدی که در این معاهده وجود دارد

۴- مسند امام احمد ۴۲۳/۲۰ حدیث شماره ۱۳۱۹۹ حدیث حسن.

۱- مسند امام احمد ۴۱۷/۳۷ حدیث شماره ۲۲۷۵۷ حسن لغیره.

۲- الموسوعة الجنائية ۴۱۲/۳ الی ۴۲۰، حقوق جزای اختصاصی ۵۲/۲-۵۳.

استفاده نموده چیزی را علاوه نماید، خیانت در امانت نبوده، بلکه تزویر محسوب می شود، خواه این زیادت در آغاز محرر یا در بین کتابت و امضاء یا در متن عقد باشد.

**۳- تسلیم اوراق سفید دارای مهر یا امضاء به جانی:** برای تحقق جرم خیانت در اوراق سفید دارای امضاء یا مهر تسلیم نمودن آن توسط خود صاحب امضاء یا مهر برای جانی ضروری است؛ زیرا اگر صاحب امضاء به مهر خودش اوراق مذکور را برای جانی تسلیم نکرده باشد، بلکه جانی با استفاده از طرق دیگر آنرا به دست آورده و در آن چیزی نوشته باشد که باعث ضرر مادی یا معنوی برای صاحب اوراق سفید دارای امضاء یا مهر گردد، در این صورت وی جرم خیانت در امانت در اوراق سفید دارای امضاء یا مهر را مرتکب نگردیده، بلکه جرم تزویر را مرتکب گردیده و با مجازات جرم تزویر قابل مجازات خواهد بود.

که منظور بنده نیز از بیان و بحث بالای این جرم همین دو نکته میباشد تا در غلط واقع نشده و باریکی و تفاوت میان این دو جرم را در نظر داشته باشیم.

**۴- قصد جنائی:** خیانت در امانت در اوراق سفید دارای امضاء یا مهر از جرایم عمدی است. بنابر این، قصد جانی در این جرم زمانی تحقق می یابد که جانی از روی عمد و آگاهی این کار را انجام دهد.<sup>۱</sup>

### **جزء چهارم: جزای این جرم:**

طبق حکم ماده (۲۵۹) قانون جزای مصر، کیفر این جرم حبس و جزای نقدی است. چنانکه بیان میدارد: هرگاه کسی که در ورق سفید دارای امضاء یا مهر که به طور امانت برایش سپرده شده باشد خیانت نموده و در قسمت سفیدی که بالای امضاء یا مهر موقعیت دارد سند دین یا مخالصة یا غیر از این سندات یا تمسکات را که به اثر آن صاحب امضاء یا مهر به لحاظ مالی یا معنوی متضرر گردد بنویسد، به حبس و ممکن است به جزای نقدی که از پنجاه پوند مصری تجاوز نکند محکوم میگردد. و در صورت که ورق سفید دارای امضاء یا مهر به خاین تسلیم داده نشده باشد، بلکه وی آنرا از طریق دیگری به دست آورده باشد، تزویر کننده محسوب گردیده و با مجازات تزویر کیفر خواهد شد.<sup>۲</sup>

### **مبحث سوم: اثر تزویر (ضرر).**

علماء در اثنائیکه سخن از ضرر به میان آورده اند، یک تعداد شان ضرر را تابع رکن مادی جرم تزویر قرار داده اند به گونه که آنرا یکی از شروط و یا نتیجه ارتکاب این فعل دانسته اند. یک تعداد دیگر آنرا رکن مستقل از رکن مادی قرار داده و بر اساس اهمیت زیادی که در این قضیه دارد آنرا یکی از ارکان

۱- الموسوعة الجنائية ۴۲۰/۳، حقوق جزای اختصاصی ۵۲/۲-۵۳.  
۲- الموسوعة الجنائية ۴۱۲/۳، حقوق جزای اختصاصی ۵۲،۵۳/۲.

لازمی موجوبیت تزویر دانسته اند، بنابر این نظریه هر تغییر آوری در حقیقت که ضرری را به دنبال نداشته باشد، تزویر قابل مجازات بحساب نمی آید. به همین دلیل ضرر را یکی از ارکان مستقل جرم تزویر دانسته اند.

اما به نظر می رسد که ضرر رکن مستقل بوده نمی تواند؛ زیرا اگر ارکان سابق تحقق یابد بدون اینکه ضرری ایجاد نماید، باز هم فاعل آن تزویر کننده بحساب می آید. و جرم تزویر در ذات خود تحقق می یابد با صرف نظر از نتایج آن. علوئاً ضرر بمنابۀ حلقه وصل بین فعل و رابطه سببیت با رکن مادی است؛ زیرا ضرر نتیجۀ حتمی فعل برای رسیدن به مقصد و خواست تزویر می باشد. همچنان تصور واقع شدن تزویر بدون الحاق ضرر در حال و آینده بر شخص و یا اشخاص، ناممکن است. علی الرغم آنچه گفتم به شرح این رکن می پردازیم تا به حقیقت برسیم. و این مبحث را طی مطالب ذیل تقدیم می‌داریم:

### **مطلب اول: مفهوم ضرر.**

**ضرر در لغت:** ضرر ضد نفع و سوء حالت را گویند. و به فقر، مریضی و بیماری و حالت سوء و بد هم اطلاق میشود.<sup>۱</sup>

**ضرر در اصطلاح:** «الضرر هو كل أذى يلحق الشخص، سواء أكان في مال متقوم محترم، أو جسم معصوم، أو عرض مصئون».<sup>۲</sup>

ترجمه: هر اذیت و آسیبی که به انسان می رسد برابر است که مالی باشد، جسمی و یا روحی و معنوی. و یا هم «كل أذى يصيب الإنسان سواء كان مادياً او معنوياً».

ترجمه: هر آسیبی که بغیر حق به انسان برسد، برابر است که مادی باشد یا معنوی.

و ضرر را قانون مدنی افغانستان طی ماده های ۶ الی ۹ بیان نموده است.

### **مطلب دوم: دلایل تحریم ضرر.**

دلایلی که حرمت ضرر رسانی با تمام اشکال آنرا در تمام نواحی زندگی حرام قرار میدهد، خیلی زیاد است. در این دلایل آیات قرآنی، احادیث نبوی و قواعد اصولی شامل می باشد.

### **جزء اول: دلایل از آیات قرآنی:**

۱- تاج العروس، محمد بن محمد الرازق الحسینی، ابو الفیص، الملقب بمرتضی، الناشر: دار الهدایة ۳۸۴/۱۲، المعجم الوسیط ۵۸۳/۱، لسان العرب ۳۵-۳۲/۹.

۲- معجم المصطلحات الإقتصادية فی لغة الفقهاء، نزیه حماد، الناشر: المعهد العالمی الاسلامی - بیروت، الطبعة الاولى، ص ۲۱۹.

۱- الله متعال می فرماید: ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾<sup>۱</sup> یعنی نزدیکی و دوری از او نیست و او را نیافریدند و او را زاده نکردند. ﴿بُنِيَ عَلَى سِدْرٍ مَّجِيدٍ﴾<sup>۲</sup> یعنی بر پایه درختی مبارک بنا شده است. ﴿يَسْتَوِي فِي الْمَقَادِيرِ﴾<sup>۳</sup> یعنی در میزانها برابر است.

ترجمه: و چون زنان را طلاق دادید پس به میعاد خود<sup>۲</sup> رسیدند پس ایشان را نگاه دارید به نکویی یا رها کنید ایشان را به نکویی و ایشان را برای ضرر رسانیدن نگاه مدارید تا ستم کنید و هرکه این کار را کند پس هر آئینه بر خود ستم کرد و آیه های خدا را به تمسخر مگیرید و نعمت خدا را بر خویشتن یاد کنید و آنچه بر شما از کتاب و علم فرود آورد که پند می دهد شما را به آن و از خدا بترسید و بدانید که خدا بهر چیز داناست.

**وجه دلالت این است که:** چون ظلم نمودن بالای زن بوسیله طولانی ساختن عدت وی حرام است، پس حرمت عمل کسی که با ارتکاب تزویر ضرر می رساند شدیدتر است.

۲- همچنین الله متعال در جای دیگر میفرماید: ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾<sup>۳</sup> یعنی نزدیکی و دوری از او نیست و او را نیافریدند و او را زاده نکردند. ﴿بُنِيَ عَلَى سِدْرٍ مَّجِيدٍ﴾<sup>۴</sup> یعنی بر پایه درختی مبارک بنا شده است. ﴿يَسْتَوِي فِي الْمَقَادِيرِ﴾<sup>۵</sup> یعنی در میزانها برابر است. ترجمه: و از ایشان آناند که ساخته اند مسجد برای ضرر رسانیدن و بجهت کفر و برای تفرقه افگندن میان مسلمانان و کمین گاه ساختن برای آنان که با خدا و رسول او پیش ازین جنگ کرده اند و البته سوگند می خورند که مگر خصلت نیک را نخواستیم و خدا گواهی می دهد که ایشان دروغگویان اند.

**وجه دلالت آیت:** این است که هر تصرفی که در آن ضرر باشد حرام است زمانیکه غرض و مقصد بنای مسجد رسانیدن ضرر به مسلمانان باشد حرام است. پس آنکه به جعل و تزویر به دیگران ضرری رساند چگونه خواهد بود پس تزویر بنابر فعلش حرام و ضرر بنابر نتایج اش حرام است. پس فعل و آنچه بر آن مرتب می گردد هر دو حرام می باشد.

### جزء دوم: دلایل از سنت نبوی صلی الله علیه وسلم:

این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم است که می فرمایند: «لا ضرر و لا ضرار»<sup>۶</sup>.

ترجمه: ضرر رسانیدن بر غیر و مقابله ضرر جواز ندارد.

این حدیث از احادیث جامع است برای احکام زیادی. این علاوه بر احادیثی است که در باب تحریم تزویر ذکر نمودم.

### جزء سوم: دلایل از قواعد اصولی:

۳- سوره البقره آیه ۲۳۱.

۱- یعنی نزدیک رسیدن به انقضای عدت.

۲- سوره التوبه آیه ۱۰۷.

۳- سنن ابن ماجه، ابن ماجه أبو عبدالله محمد بن یزید القزوينی، الناشر: دار إحياء الكتب العربیة، ۷۸۴/۲، المستدرک علی الصحیحین للحاکم ۶۶/۲، هذا حدیث صحیح الإسناد علی شرط مسلم و لم یخرجاه.

قاعده مشهور است که بر حدیث لاضرر و لا ضرار<sup>۱</sup> بناء گردیده و قاعده است که از آن قواعد متعدد دیگر متفرع می شود که ضوابط تصرفات انسان را تشکیل میدهد طوری که برای هر تصرف قاعده موجود است پس هر چه از آن ضرر متصور باشد برابر است متوجه شخص شود یا متوجه دیگران ممنوع بوده و اجتناب از آن در تمام ظروف طبیعی واجب است چنانچه این امر از قاعده «الضرر یزال» نیز بر گرفته میشود.<sup>۲</sup>

**مطلب سوم: انواع ضرر.**

ضرر به اعتبارات مختلف به انواع متعدد تقسیم میگردد.

### جزء اول: انواع ضرر از حیث طبیعت آن:

ضرر از نظر طبیعت آن دو قسم است یکی ضرر مادی و دیگری ضرر معنوی.<sup>۳</sup>

**الف: ضرر مادی:** عبارت از خساره ایست که به مال انسان برسد با تلف و یا از بین بردن منافع آن، هر چند ضرر ناچیز باشد. مثل ساختن عقد بیع یا اجاره و نسبت آن به مالک زمین در حالیکه حقیقت چنین نباشد.

**ب: ضرر معنوی:** آنست که به شرف، اعتبار و شهرت کسی صدمه برساند یا بخاطر یک مصلحت دیگر غیر مالی باشد، طوری که جوانب شخصیت معنوی کسی صدمه ببندد. مثلاً: نسبت طفل پیدا شده به دختر باکره، یا جعل عقد ازدواج با زنی و ادعای اینکه او قبول نموده است و در آن امضای تزویر کنند با نامش باشد.<sup>۴</sup>

### جزء دوم: انواع ضرر از حیث شخص متضرر:

ضرر با در نظر داشت کسی که به او میرسد نیز به دو قسم قرار ذیل است.<sup>۵</sup>

**الف: ضرر خاص یا فردی:** یعنی ضرر تزویر و جعل کاری متوجه یک شخصی یا اشخاص معین شود برابر است ضرر مادی باشد یا معنوی.

**ب: ضرر عام یا اجتماعی:** و آن ضرری است که متوجه مصلحت عامه گردد یعنی اینکه متوجه دولت یا متوجه شخص از اشخاص دولت گردد، برابر است ضرر مادی باشد یا معنوی، مثل تزویر در ساختن تکت های جعلی موتر و قطار دولتی، تزویر اسناد تحصیلی و غیره.

### جزء سوم: انواع ضرر از حیث وقوع آن:

---

۱- الإحكام في اصول الأحكام ۲۲۹/۴.  
۲- الأشباه و النظائر، عبدالرحمن بن ابی بکر جلال الدین السیوطی، الناشر: دار الکتب العلمیة ۱۴۱۱هـ / ۱۹۹۰م، الطبعة الاولى ۷/۱.  
۳- جرائم التزوير و الرشوة في انظم المملكة العربية السعودية ص ۱۲۳، جريمة التزوير في التشريع الفلسطيني ص ۱۰۵.  
۴- جرائم التزوير و الرشوة في انظم المملكة العربية السعودية ص ۱۲۶، جريمة التزوير في التشريع الفلسطيني ص ۱۰۷.  
۵- مراجع سابق.

ضرر از نظر وقوع آن نیز به دو نوع است قرار آتی:<sup>۱</sup>

**الف: ضرر محقق:** آن است که عملاً واقع شده و وقوع آن حتمی می باشد. این نوع ضرر با بکار بردن تزویر یقینی است و این امر برای تحقق ضرر شرط نیست؛ زیرا شرط نیست که ضرر فوراً واقع می شود. **ضرر احتمالی:** و آن ضرری است که وقوع آن در مستقبل متصور باشد پس مادامیکه ضرر محتمل الوقوع باشد هر چند مرتکب شی مزوره را بکار نبرد بر وی عقوبت واقع می شود اگر چه فوراً ضرری بر آن مرتب نگردد؛ زیرا مزور به تغییر حقیقت و بازی با اوراق رسمی اقدام نموده است. و یا اینکه اوراق مذکور در آینده برای اثبات حق رسمی تقدیم می گردد، پس احتمالی ضرر متحقق شد.

### **مطلب چهارم: ضوابط ضرر برای تزویر**

ضوابط ضرر زیاد و پراکنده است نمی توان آن ها را بطور مرتب تحت عنوان واحد جمع کرد، اما از جمله ضوابط مذکور این ها اند:<sup>۲</sup>

- ضرر رکنی از ارکان تزویر است تا عقاب و جزاء بر مرتکب آن مرتب نماید.
- وقوع عملی و فعلی ضرر شرط نیست بلکه احتمال وقوع آن هم کافی می باشد.
- ممکن است ضرر متوجه شخص باشد که او خود مقصود است یا متوجه شخصی می گردد که اصلاً مقصود و هدف نیست. به همین ترتیب ضرر یا متوجه مصلحت عامه می باشد، و گاهی هم ضرر به یک شخص می رسد.
- احتمال وقوع ضرر به مجرد تغییر حقیقت و بکار بردن تزویر متحقق می شود هر چند تزویر غیر یقینی باشد مادامیکه بواسطه آن بعضی ها فریب بخورند و این بخاطر حفظ حقیقت از بیهوده گردیدن است.

۱- جرایم التزوير و الرشوة في انظم المملكة العربية السعودية ص ۱۲۴، جريمة التزوير في التشريع الفلسطيني ص ۱۰۶.  
۲- جرایم التزوير و الرشوة في انظم المملكة العربية السعودية ص ۱۲۸، التزوير المادي و المعنوي ۲۱، جريمة التزوير في التشريع الفلسطيني ص ۱۱۱.

## فصل چهارم

### طرق اثبات تزویر، مجازات تزویر در فقه، وقایه و پیشگیری از تزویر

درین فصل بحث خواهد شد که راه های اثبات تزویر کدام ها اند، برای انجام دهنده تزویر کدام جزاها پیش بینی شده است و چگونه میتوان از وقوع در تزویر جلوگیری نمود.

#### مبحث اول: طرق اثبات تزویر

مجازات واجب و لازم نمی گردد مگر زمانی که تزویر بالای مزور ثابت گردد و طرق تثبیت تزویر قرار ذیل است:

#### مطلب اول: اقرار یا اعتراف

الاققرار فی اللغة اعتراف بالشئ.<sup>۱</sup>

ترجمه: اقرار در لغت به معنی اعتراف بر یک چیز. شخص زمانی که به یک حق اعتراف نماید برایش گفته میشود که اقرار نمود.

الاققرار فی الاصطلاح هو اخبار بحق الآخر.<sup>۲</sup>

و در اصطلاح اقرار عبارت است از اقرار نمودن بر حق شخص دیگر بر خود و به عباره دیگر اقرار در اصطلاح عبارت است از اقرار نمودن به حق غیر به نحوی که آن حق را شخص مقر بر بالای خود ثابت بگرداند.<sup>۳</sup>

به اساس تعریف فوق زمانی که جانی صراحتاً اعتراف به تزویر نماید، این مثبت اساسی است برای وقوع مجازات بر تزویر کننده به اتفاق فقهاء و به اساس قانون.

لکن زمانی که اقرار قبل از حکم باشد یا بعد از آن فقهاء در آن اختلاف نظر دارند و حدود تاثیر آن قبل از تنفیذ حکم و بعد از آن مربوط فیصله قاضی است.<sup>۴</sup>

۱- المحيط فی اللغة، اسماعیل بن عباد، تحقیق محمد حسن آل یاسین ۴۳۱/۱.

۲- التعریفات باب الف ۳۳/۱.

۳- الموسوعة الفقهیه الكويتیه ۴/۴۶.

۴- البنایه شرح الهدایه ۱۹۷/۹، مواهب الجلیل ۱۲۲/۶، روضة الطالبین ۱۴۵/۱۱، مغنی المحتاج ۳۶۴/۶، المغنی ۲۳۴/۱۰، جرایم التزییف و التزویر ص ۱۰۶.

## مطلب دوم: شهادت (بینه)

شهادت (بینه) در لغت حجت واضح را گویند.<sup>۱</sup>

شهادت در اصطلاح عبارت است از اخبار حق غیر بالای غیر به لفظ شهادت در مجلس قضا.<sup>۲</sup>

و به عبارت دیگر شهادت در اصطلاح عبارت است از گواهی شخص عادل است که صدق دعوی مدعی را با دلایل واضح تایید مینماید و هم هر آنچه که مبین حق بینه است، برابر است عقلی باشد یا حسی.<sup>۳</sup> با دلالت واضح و فاصل بین قضیه صادق و کاذب فرق بیاورد، با پیش کردن دلیل خواه این دلیل طبیعی باشد یا علمی، یا عقلی. و نیاز به سایر دلایل اثباتیه بر علیه شخص تزویر کننده نمیباشد. و ممکن است دلایل بر علیه شخص وجود داشته باشد که تزویر را ثابت سازد، اما در واقع دلایل صادق نمیباشد که منجر به صدور حکم بر علیه مزور با وجود برائتش از این جرم می گردد، بنا بر این جایز نیست که بینه به عنوان دلیل کامل محکومیت اعتبار داده شود. لکن احناف جز به اقرار به اثبات تزویر به امور دیگر اعتماد ندارند.<sup>۴</sup>

## مطلب سوم: قراین (اماره)

القرینه فی اللغة بمعنی الامارة<sup>۵</sup> ماخوذ من المقارنة<sup>۶</sup>.

ترجمه: قرینه در لغت بمعنای علامه بوده و از مقارنه گرفته شده است.

و فی الاصطلاح امر یشیر الی المطلوب.<sup>۷</sup>

و در اصطلاح امری را گویند که به مطلوب اشاره نماید.

۱- لسان العرب ۵۱/۱۳.

۲- التعریفات ۱۲۹/۱.

۳- درر الاحکام شرح المجلة الاحکام، علی حیدر، خواجه امین افندی، الناشر: دار الجلیل، الطبعة الاولى، ۶۶/۱، معجم اللغة العربية المعاصرة

۴- المیسوط ۱۴۵/۱۶، تبیین الحقایق ۳۴۱/۴.

۵- مجمل اللغة لابن فارس ۱۰۳/۱.

۶- لسان العرب ۴۸۷/۱۴.

۷- التعریفات جزء الاول باب القاف ص ۱۷۴.



همچنان قرینه به چندین معنی استعمال شده است، از آن جمله به معنی نفس انسان نیز آمده است زیرا نفس همواره مقارن و مصاحب با خود انسان می‌باشد و یا به عباره دیگر قرینه در اصطلاح عبارت از امری که دلالت بر چیزی کند نه بالوضع و یا دلالت بر چیزی دیگر نماید بدون استعمال در آن.<sup>۱</sup>

بعضی از قراین و دلایل قدیم است که فقهاء آن را بیان داشته اند و بعضی جدید است که فقهای معاصر آن را می‌شناسد، همچنان قانون دانان آن را بیان نموده اند همچون وسایل علمی جدید چون نقش انگشت و اثر مو، بو، آلات ثبت، تصویر و وسایل اطلاعات.

مهمترین قراینی که در آن فقهاء با قانون دانان اتفاق دارند:

### **الف: یقینی بودن دروغ**

طوریکه اسناد و وثایق را تزویر کند که در آینده عدم صحت آن ها ثابت شود. مثل گواهی به وفات کسی و بعداً ثابت شود که او زنده است.<sup>۲</sup>

### **ب: مضاهات یا مشابهات**

و آن عبارت از معرفت حدود شبه و اختلاف است از خلال مقارنه دقیق.<sup>۳</sup> و این امر به قاضی ارتباط می‌گیرد که او را با کمک گرفتن از وسایل جدید در اثبات تزویر قادر نماید؛ زیرا خط با خط و مهر به مهر مشابهات می‌داشته باشد.<sup>۴</sup>

خلاصه در تمام انواع تزویر زمانیکه ارکان و شروط تزویر تحقق یابد و جرم شخص ثابت گردد، مرتکب مورد باز پرس و مجازات قرار می‌گیرد؛ زیرا این ها از جمله افعال حرام است که شریعت از آن منع فرموده و قوانین وضعی مرتکب آن رامجازات مینماید.

### **مبحث دوم: مجازات تزویر کننده**

از این که فطرت انسانی به یک درجه نبوده و تحقق اعتدال بدون رادع ممکن نیست از این رو جزاء و عقوبات مشروع گردیده تا غرایز انسانی مهار شده و برای وصول عدل از طرق غیر مشروع مشبوع

---

۱- علم اصول فقه، پوهاند داد محمد نذیر ص ۳۲۷، ناشر حامد رسالت چاپ سوم سال ۱۳۹۵.  
۲- المذهب فی فقه الامام الشافعی، ابو اسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف الشیرازی، الناشر: دار الکتب العلمیه - بدون نشر و بدون تاریخ ۳۲۸/۲، المغنی ۲۳۴/۱۰.  
۳- لسان العرب ۴/۸۷.  
۴- المبسوط ۹۲/۱۵-۹۵، المذهب ۳/۴۰۳، المغنی ۱۰/۸۴، الحاوی الکبیر ۱۶/۲۲۶، جرایم التزییف و التزویر ص ۱۰۶.

نگردد. برای اینکه نفس سرکش به جاده حق و خیر به راه افتد تخویف و جزاء لازمی است تا انسان از وقوع در محرماتی که حیات حقیقی او را فاسد می کند و برآن فساد جامعه مرتب میگردد باز آید.

به تحقیق اسلام به نگهداشت انسان از جرایم و مجادله با آن بطرق مختلف حرص دارد. که این طرق عبارت از ترغیب، ترهیب یا تربیه میباشد و یا هم وعظ و نصیحت، و در نهایت معامله به عقوبات رادعه و زاجره منتهی میگردد. و آنچه جزاهای شرعی را از عقوبات وضعی ممیز می گرداند این است که واضع جزاهای شرعی الله تعالی است که راجع به انسان، نفس و غرایز اش بطور کامل آگاه بوده و تضمین نموده است که عقوبات وضع کرده اش، رادعه و مانعه میباشد و با آن عدالت در میان طرفین نزاع تحقق می یابد طوری که جانی را جزاء میدهد و حق را به صاحبش باز میگرداند، بدون اینکه افراط و یا تفریطی در میان طرفین صورت گیرد.

و همچنین شریعت تضمین میکند که جنایت کار مورد جزا قرار می گیرد، حتی اگر او از جزای دنیوی فرار نماید جزای آخرت به هر صورت به سراغش می رسد که در نتیجه آن انضباط، استقامت و احترام حقوق یک دیگر محقق میگردد.

و این تضمین راقوانین وضعی نمی تواند انجام دهد، برای توضیح بهتر موضوع عقوبات مناسب بر تزویر را شامل این بحث می نمایم.

### **مطلب اول: مجازات مقرر بر تزویر نزد فقهاء**

فقهاء در تحدید مجازات مزور اختلاف نموده اند.

### **گروه اول: جمهور (مالکی ها، شافعی ها، حنابله و صاحبان از احناف)**

برکسی که تزویر ثابت شود تعزیراً مجازات میشود و به تزویر مشهور گردانیده می شود و تعزیر به شکل دره زدن، حبس و تبعید خواهد بود.<sup>۱</sup>

پس تعزیر مزور نزد جمهور فقهاء جزای است که امام آنرا مناسب بداند مشروط بر اینکه با نص شرعی مخالف واقع نشود و برای تطبیق عقوبت شرط های آتی را ضروری میدانند.

---

۱- المدونه الكبرى، مالک بن انس بن مالک بن عامر الاصبیحی المدنی، الناشر: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى، ۵۸/۴، المذهب ۴۴۵/۳، المغنی لابن قدامة ۳۳۲/۱۰.

**الف:** باید از ادنی ترین عقوبات حدی بیشتر نباشد.

**ب:** باید در آن، حالت مجرم و شرایط و ظروف جرم و نتایج مرتبه بر جرم مراعات شود.

لکن جمهور در مقدار ضرب اختلاف نظر دارند. مثلاً:

صاحبان امام ابوحنیفه میگویند جزای وی همان مقدار ضرب است که امام یا قاضی مناسب بداند تا آنکه مزور توبه کند البته به هفتاد دره نرسد. <sup>۱</sup> دلایل شان این است:

**الف:** آنچه عمر رضی الله عنه بر آن عمل کرد که (أنه ضرب شاهد الزور أربعين سوطاً و سخم وجهه)<sup>۲</sup>.

ترجمه: وی شاهد دروغ را چهل دره زده و رویش را نیز سیاه نموده است. و چنانچه بیان گردید تزویر وجه فعلی و عملی شهادت زور است و مجازات مزور همان مجازات شاهد زور است.

**ب:** و بخاطر اینکه تزویر یک شکلی از اشکال قذف است، پس حکم قذف بر تزویر تطبیق می شود البته تا زمانی که به حد اعلائی قذف نرسد، و ضرب تعزیر نسبت ضرب در حدود اشد میباشد<sup>۳</sup>.

و نزد مالکی ها برای اقل و اکثر آن حدی نیست بلکه معامله به حاکم حواله میشود.<sup>۴</sup> دلیل آنها عمل عمر رضی الله عنه است: در رابطه به عمل معن بن زائده<sup>۵</sup> وقتی که او را بطور تعزیر صد دره زد و آن را سه بار تکرار کرد، زمانیکه مهر بیت المال را تزویر نموده و از بیت المال بگونه تزویر مال گرفته بود. و این مقدار از حد قذف بیشتر است.

و نزد شافعی ها به دره زده میشود اما ضرب به چهل دره نرسد.<sup>۶</sup>

و دلیل آنها این است که ضرب تعزیر باید از ادنی مقدار حد شرعی کمتر باشد بنابراین این فرموده پیامبر علیه السلام: «من بلغ حداً فی غیر حدّ فهو من المعتدین»<sup>۷</sup>.

ترجمه: کسیکه مجازات غیر حدی را به اندازه حد می رساند از ستمگاران است.

۱- المبسوط للسرخسی، ۱/۱۶، ۱۴۵، البحر الرائق ۱۲۵/۷.

۲- سنن الکبری ۱۰/۱۴۲، مصنف عبدالرزاق الصنعانی ۸/۳۲۷، مصنف ابن ابی شیبہ ۵/۵۳۲.

۳- بدائع الصنائع، علاءالدین الکاسانی، ناشر: دارالکتب العربی بیروت ۱۹۸۲، ۶/۲۸۹.

۴- المدونة الکبری ۴/۵۸، الذخیره ۱۰/۲۳۰.

۵- معن بن زائده بن عبدالله الشیبانی ابو الولید، از جمله معروف ترین جوانان عرب و از جمله فصحاء بود، عصر پیامبر علیه السلام را درک نکرد بلکه در اواخر عهد اموی و اوایل عصر عباسی می زیست، در زمان منصور والی یمن بود سپس والی سجستان شد و در آنجا به قتل رسید در سال ۱۵۱ هجری. و آنچه از تزویر او روایت شده ثابت نیست زیرا او در آن عصر موجود نبود. الاعلام للزرکلی ۷/۲۷۳، الاصابة فی تمییز الصحابة ۶/۲۹۲، ۲۹۱، تاریخ بغداد ۱۳/۲۳۶، این اثر ثابت نیست زیرا او عصر نبوی را نیافته بود.

۶- الام ۷/۱۳۴، الحاوی الکبیر ۱۶/۳۱۹.

۷- سنن الصغری، أبوبکر احمد الحسین البیهقی، باب التعزیر، ۳/۳۴۶ حدیث شماره ۲۷۲۵.

حنابله به این نظر اند که: باید از ده دره بیشتر نگردد<sup>۱</sup> بنابر این قول که پیامبر علیه السلام می فرماید: «لَا تَجْلِدُوا فَوْقَ عَشْرَةَ أَسْوَاطٍ إِلَّا فِي حَدِّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ»<sup>۲</sup>.

ترجمه: نزنید بالاتر از ده دره مگر در حدی از حدود الله.

در حالیکه مجازات تا زمانیکه به ولی الامر مسلمانان سپرده شده باشد، او اختیار دارد در کم و کیف آن هر مقداری را که مناسب بداند تجویز کند؛ زیرا نفس انسان ها از یک شخص تا دیگری و از یک مکان تا مکان دیگر و از یک زمان تا زمان دیگر فرق میکند پس لازم است که عقوبت هم به همین اساس فرق کند، پس بر امام است که نظر به تغییر ظروف تزویر در عقوبت مجرم فرق کند خصوصاً بعد از بین رفتن حیا از مردم و عام شدن فساد، یعنی بر کسی مجازات خفیف و بر کسی شدید تجویز نماید.

## گروه دوم: حنفی ها

مُزَوَّرٌ اگر توبه کند در میان مردم شهرت داده شود نه اینکه دره زده شود و اگر توبه نکند ضرب با تشهیر علاوه شود به این امر بین شان اجماع است؛ زیرا تشهیر یک نوع تعزیر است و با آن مجرم زجر می بیند پس همین جزا کفایت میکند.<sup>۳</sup>

## دلایل ایشان:

**الف:** فعل و قول قاضی شریح در زمان عمر رضی الله عنه یعنی تشهیر بدون ضرب.

**ب:** تزویر از کبایر است و ثابت نمی شود مگر به اعتراف و اقرار مزور، و از جانبی تعزیر حق الله تعالی است و تشهیر حق انسان را تثبیت میکند و زمانیکه او اعتراف کند این اقرار وی دلیل توبه اوست پس تعزیر ساقط می گردد و تشهیر کافی است.

**ج:** تشهیر از انواع تعزیر است و با آن هیبت و مکانت انسان در میان مردم از بین میرود پس همین جزاء کافی است.

۱- شرح الکبیر علی متن المقنع، عبدالرحمن بن احمد بن محمد ابن قدامه المقدسی، دار الکتب العربی، باب فی التعزیر ۳۴۵/۱۰.

۲- صحیح مسلم ۱۳۳۲/۳ حدیث شماره ۱۷۰۸.

۳- بدائع الصنائع، علاء الدین الکاسانی، الناشر: دار الکتب العربی - بیروت ۱۹۸۲، ۲۸۹/۶، البحر الرائق ۱۲۵/۷، حاشیه ابن عابدین ۲۳۸/۷، المبسوط ۱۴۵/۱۶.

**د:** آنچه از عمر رضی الله عنه روایت شده از جمله سیاست شرعی است، زمانیکه حاکم بداند که مزور به جز این جزاء به دیگری زجر نمی بیند.<sup>۱</sup> و از نظر نگارنده ضروری است که مزور بطور تعزیر مجازات شود بدون آنکه کمیت و کیفیت آن در نظر باشد، مهم این است که مجازات برای وی زاجره باشد، و دیگران را از ارتکاب آن باز دارد.

### **مطلب دوم: اشکال مجازات مقرر بر تزویر**

مجازات مقرر بر تزویر را میتوان به اشکال ذیل خلاصه نمود:

#### **الف: تشهیر مُزور**

تشهیر از شهرت گرفته شده است و آن ظاهر کردن یک شی به گونه است تا تمام مردم آن را بشناسند، یعنی شهرت فضیحت بار<sup>۲</sup> تشهیر با اعلان حالت مُزور در میان مردم تحقق می یابد برابر است بردن او در یک مکان مرتفع باشد تا مردم او را مشاهده کرده بتوانند، یا در مسجد اعلان شود یا در میان مردم قبیله یا شهرش اعلان شود یا در شهر گردانیده شود تا مردم به او نگاه کنند بنابر این حدیث پیامبر علیه السلام که می فرمایند: «اذکرو الفاسق بما فيه لیحذره الناس» ترجمه: تمام صفات رذیله شخص فاسق را بیان کنید تا مردم از آن اجتناب ورزند.

با وجود تلاش در کتب معتمد حدیث، آن را با نص پیدا نکردم، ولی بنا بر عمل صحابه که مُزورین را تشهیر نموده اند میتوان تزویر کننده را با تشهیر مجازات نمود. از جمله عمل عمر رضی الله عنه است که روی شخص تزویر کننده را سیاه کرد و سرش را تراشید.

در عصر حاضر ممکن است تشهیر با استفاده از رادیو، تلویزیون و اخبار صورت گیرد.<sup>۳</sup>

#### **ب: تسوید و یا سیاه کردن روی مُزور**

فقهاء در جواز سیاه کردن روی مجرم دو نظر دارند.

۱- الهدایة فی شرح البدایة المبتدی ۱۶/۱۴۵، در الاحکام شرح غر الاحکام ۲/۳۹۱

۲- لسان العرب ۴/۴۳۱

۳- التشریح الجنائی ۱/۴۰۷، اسلام دین فطرت ص ۷۰۴.

**احناف:** تسوید یا سیاه کردن روی منسوخ است؛ زیرا از جملهٔ مثله<sup>۱</sup> بشمار میرود و شریعت از مثله نمودن منع فرموده است. همچنین روی مُزور سیاه کرده نمی شود مگر سیاستاً که حق آنرا سلطان دارد نا قاضی.<sup>۲</sup>

**مالکی ها:** سر مجرم تراشیده میشود اما سیاه کردن آن بطور معنوی صورت گیرد اینطور که قاضی یک مکتوب بنویسد که در آن حالت مُزور درج باشد و در آن تشهیر شده باشد و یک یک نسخه آن را در محاکم بگذارد.<sup>۳</sup> همچنان درین مذهب جواز سیاه کردن روی حقیقتاً هم روایت شده است.<sup>۴</sup>

**شافعی ها:** حلق رأس را جایز میدانند نه ریش را، و در سیاه کردن روی اختلاف دارند.<sup>۵</sup> طوریکه امام حق اسقاط این عقوبت را دارد اگر در آن مصلحت ببیند.

**حنبلی ها:** در سیاه کردن روی اختلاف است، و از مثله هم منع شده است، البته امام حق دارد که هر طور که بخواهد عقوبت کند مشروط بر اینکه مخالف نص شرعی نباشد.<sup>۶</sup>

و اما نظر راجح نزد محقق این است که این امر به رای قاضی گذاشته شود تا هرچه را لازم دانست تطبیق کند؛ زیرا از یک طرف احوال مجرمین متفاوت میباشد از جانبی هم مجرم مذکور حالات و درجات متفاوت دارد بناءً نباید جزا مطلق و ثابت باشد.

خلاصه: اینکه باید مُزور عقوبت شود طوریکه عقوبت در او اثری بگذارد تا بواسطه آن شناخته شود و مردم او را مشاهده نموده از ارتکاب جرایم اجتناب نمایند برابر است با سیاه کردن رویش باشد یا با اعلان در رادیو، تلویزیون و اخبار یا نصب ورق ها در مساجد و محاکم.

### **ج: عدم قبول شهادت مُزور در قضاء**

فقهاء اتفاق دارند به اینکه شهادت تزویر کننده در محاکم قبول نمی شود و هیچ سند و ورق رسمی که او تقدیم می کند معتبر دانسته نمی شود<sup>۷</sup> لکن در قسمت توبه او اختلاف دارند.

۱- مثله عبارت است از ضربه دادن به جسد بعد از مرگ یا بریدن اندام های وی و یا زدن و پوست کردن وی. مختار الصحاح ۱/۲۹۰.

۲- المبسوط للسرخسی ۱/۱۴۵.

۳- الذخیره، ابو العباس، ناشر: دار الغرب الاسلامی - بیروت ۱۹۹۴، ۱۰/۲۲۹.

۴- المدونة الكبرى ۴/۵۸.

۵- الحاوی الكبير ۱/۳۲۰.

۶- الفروع، محمد بن مفلح بن محمد بن مفرج، أبو عبدالله شمس الدین المقدسی، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى، ۱۰/۱۱۰، المغنی ۱۰/۲۳۳.

۷- المغنی ۱۰/۲۳۳.

## اول: جمهور فقهاء (احناف، شافعی ها و حنبلی ها)

به این نظر اند که عدم قبولی شهادت تزویر کننده، دعوای او در محاکم و قضاء در صورتی است که مرتکب تزویر به عملش اصرار نماید، توبه نکند و حالت خود را تغییر ندهد، ولی اگر توبه کند و یک مدت طولانی عدالت و صداقتش ظاهر شود و عمل خود را اصلاح کند در این صورت شهادت و دعوایش پذیرفته میشود.<sup>۱</sup>

لکن احناف مدت طویل را شرط نمی دانند اگر شخص عادل باشد، ولی ابو یوسف آنرا شرط میدانند، لکن درست همین است که به رأی قاضی واگذار گردد.<sup>۲</sup> اما باید بحضور قاضی توبه کند؛ زیرا تزویر او به قضاء می رسد و وثیقه های مُزَوَّرَه از جهات رسمی تقدیم میشود که از خلال آن حق، مقلوب ثابت گردیده و به این ترتیب جهت های فیصله کننده مشکوک میشود. آنانیکه حق را بنابر این اسناد بغیر مستحقین آن ثابت نموده اند. پس ضروری است که حیثیت آن ها اعاده شود و آن در صورت توبه مُزَوَّر بحضور قاضی تحقق می یابد.

## دوم: مالکی ها

بحضور قاضی هیچ چیز او قبول نمیشود هر چند توبه کند و عمل خود را اصلاح نماید اما بعضی از کسانیکه به جواز قبول مُزَوَّر زمانیکه توبه کند و خود را اصلاح نماید، بحضور قاضی قایل ان، نظر مالکی ها را رد می کنند، و توبه باید قبل از فیصله باشد.<sup>۳</sup>

## مطلب سوم: اسباب رفع سقوط مجازات مُزَوَّر

اسباب رفع مسئولیت جزایی برای مُزَوَّر و سایر مجرمین عبارتند از کودکی، جنون، اکراه و اجبار، مستی، خواب، جهل، غلطی، نسیان و اشتباه.

با در نظر داشت اینکه بعضی از این اسباب به اتفاق اسباب رفع جزاء میباشند و اما در بعضی هم اختلاف وجود دارد.<sup>۴</sup> برای سقوط مجازات تعزیری سبب و عامل مشخص وجود ندارد، بلکه به تناسب مجازات

۱- البحر الرائق، زین الدین بن ابراهیم بن محمد المعروف بابن نجیم المصری، الناشر: دار الکتب الاسلامی الطبعة الثانية ۱۲۷/۷، حاشیه ابن عابدین ۴۷۴/۵، المهذب ۴۴۵/۳، روضة الطالبین ۲۴۹/۱۱، المغنی ۲۳۴/۱۰.

۲- البحر الرائق ۵۸/۴، الشرح الكبير لدردير ۱۴۱/۴، المغنی ۲۳۳/۱۰.

۳- المدونة الكبرى ۵۸/۴، الشرح الكبير ۱۴۱/۴، المغنی ۲۳۲/۱۰.

۴- التشريع الجنائي الاسلامی ۴۶۸/۱ و ۵۶۲.

تعزیری عوامل و اسباب آن نیز متفاوت میباشد که ذیلاً شرح میگردد، و چنانچه بیان گردید تزویر نیز از جرایم تعزیری است که اسباب ذیل در سقوط مجازات آن نیز تاثیر دارد.

### **الف: موت مُزَوَّر**

یکی از اسباب مسقطه مجازات مُزَوَّر موت جانی و یا مجرم میباشد، این زمانی از اسباب سقوط میباشد که مجازات بدنی و یا متعلق به شخص جانی باشد؛ زیرا محل مجازات نفس شخص بوده و بعد از وفات وی محل برای تنفیذ مجازات باقی نمی ماند.

اما مجازات که متعلق به مال مُزَوَّر باشد، مانند جریمه مالی، مصادره اموال، و دین که از راه اتلاف اموال دیگران به وی مواجه شده است، به موت مُزَوَّر ساقط نمی گردد، بلکه از ترکه و مال وی ادا میگردد.<sup>۱</sup>

### **ب: عفو مُزَوَّر**

یکی دیگر از اسباب سقوط مجازات از مُزَوَّر عفو است.

فقهاء به این متفق اند که ولی الامر مسلمانان و یا قاضی حق عفو مجازات تعزیری را دارند. در صورت که عفو ایشان مبتنی بر مصالح اساسی و عمومی باشد.

و همچنان باید در عفو و سماحت مجرم حقوق دیگران که بر جریمه مرتب میگردد دخیل نباشد؛ زیرا حقوق دیگران عفو و اسقاط را نمی پذیرد.

### **ج: توبه**

یکی از موضوعات اتفاقی در شریعت اسلامی آنست که توبه راهزن سبب سقوط جزای وی میگردد، البته آن جزاهای که مرتبط به جرایمی است که حقوق عامه را خدشه دار نمی کند.<sup>۲</sup>

تعداد از فقهاء میگویند که توبه مجازات وی را قضاءً ساقط نمی کند، اما دیانتاً ساقط میشود؛ زیرا مجازات کفاره معصیت ها است و توبه فقط اثر معصیت را ساقط میکند.<sup>۳</sup>

۱- التعزیر فی الشریعة الإسلامیة، عبدالعزیز عامر، الناشر: مطبعة مصطفى البانی الحلبي مصر ۱۹۵۷، الطبعة الثالثة ص ۵۰۹، التشریح الجنائی الاسلامی ۷۷۰/۱.

۲- التشریح الجنائی الاسلامی ۷۷۴/۱

۳- التشریح الجنائی الاسلامی ۷۷۳/۱



اما عدّه دیگری از فقهاء میگویند که توبه سبب سقوط تمام جزاهای تعزیری میگردد برابر است که حق الله باشد یا حق العبد مگر اینکه خود جانی مجازات را برای تطهیر نفسش اختیار کند، در این صورت علی الرغم توبه اش مجازات میشود.<sup>۱</sup>

اما در قوانین وضعی توبه جانی سبب سقوط مجازات نمی شود، ولی بعضی از قوانین وضعی (رهائی مشروط) را برای اشخاص ذی مروت و با شخصیت پیش بینی کرده است، آن هم در صورتی که سابقه جرمی نداشته باشد و از جایگاه خاصی در جامعه بر خوردار باشد. که این رهائی مشروط عین موضوعی است که فقهاء آنرا تحت عنوان (توبه مجرم) یاد کرده اند یکی از عوامل سقوط مجازات تعزیری میباشد، با این تفاوت که در قانون مجازات کاملاً ساقط نشده و با در نظر داشت بعضی شرایط (رهائی مشروط) طرح میگردد.

#### **د: تقادم یا مرور زمان**

عبارت است از گذشتن مدت معین از زمان بر حکم مجازات قبل از تنفیذ آن، که با گذشت این مدت زمان، تنفیذ مجازات ساقط میگردد.

طبعاً زمانی مجازات تحت مرور زمان قرار میگیرد که شخص مرتکب از جامعه فرار نماید، این انزوا و فاصله گیری جانی از جامعه برای یک مدت سبب زجر و اصلاح وی میگردد، که تأثیرات آن بالاتر از تنفیذ مجازات بر وی میباشد، بناءً بعد از سپری شدن یک مدت نیازی به مجازات مجدد وی جهت اصلاح و تربیت نمی باشد. و همچنان جامعه انتهاک حرمت را که بسبب جنایت مُرَوَّر بوجود آمده است را فراموش میکنند بناءً تجدید ذکر جرم توسط تنفیذ مجازات مصلحت برای وی و جامعه نمی باشد.<sup>۲</sup>

#### **مبحث سوم: وقایه و پیشگیری از تزویر**

تزویر یکی از جرایمی خطرناکی است که سایه آن بر افراد و جوامع واقع میشود؛ زیرا با این عمل حقایق قلب میگردد و حقوق دیگران سلب میشود و بر آن ها ظلم و تجاوز صورت می گیرد، بلکه ظلم آن به جامعه هم سرایت می نماید. و این زمانی است که قاضی بنابر اسناد و وثایق تزویر شده که به او تقدیم میشود به باطل فیصله می نماید. که با آن موازین بر هم میخورد طوریکه ظالم صاحب حق جانب مقابل و جانی مظلوم میشود که انگیزه انتقام برای ارجاع حق سلب شده اش بر او غلبه میکند، که در نتیجه آن

۱- التعزیر فی الشریعة الاسلامیة ص ۵۲۱

۲- التعزیر فی الشریعة الاسلامیة ص ۵۲۷



## مطلب اول: تربیه

همه میدانند که اساس جامعه و خشت های آن افراد اند. فرد قبل از اینکه مکلف شود باید دور طفولیت را بگذراند، که در این دوران او به تربیه و توجه نیاز دارد تا از خشت های درست و سالم جامعه انسانی ببار آید و از آن ها یک جامعه مشترک و سالم به میان آید که افراد آن بر یکدیگر ظلم نکنند.<sup>۱</sup>

پس تربیه و پرورش صالح ما را بطرف سلوک پسندیده سوق میدهد و بالمقابل پرورش نا سالم جامعه را بطرف نا ملایمات می برد و مهمترین اساسات پرورش صالح تمرکز بر عقیده درست و پاک است که اطفال را باید به آن آراسته ساخت.

چنانچه پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می فرماید: ما من مولود إلا یولد علی الفطرة فأبواه یهودانه وینصرانه ویمجسانه کما تنتج البهیمة بهیمة جمعاء هل تحسون فیها من جدعاء.<sup>۲</sup>

ترجمه: هر مولودی به فطرت ایمانی به دنیا می آید، پس مادر و پدرش وی را یهودی میسازد یا نصرانی و یا هم مجوسی، چنانچه حیوان سالم، (چوچه) سالم تولد میکند، آیا در آن کدام عضو نا سالم را می بینید؟ و شرح حدیث چنین است که انسان به فطرت ایمان به الله تولد میشود اما بعداً والدینش او را یهودی یا نصرانی و یا مجوسی میسازد یعنی مطابق ملت و عقیده خود شان او را تربیت میدهند مثل که حیوانی تولد میشود و بعداً اهلیش آنرا معیوب بسازند و یا بر اثر تعدی انسان ها بر آن، معیوب گردد.

پس عقیده اطفال همان اسلام حق است که بعد ها به سبب ظروف محیط تغیر میکند.<sup>۳</sup> پس تمرکز بر تربیه و ایمان لازمی است بوسیله تعلیم حلال و حرام به اطفال تا آنها به اطاعت الله تعالی و اجتناب از نواهی او عادت کنند.

چنانچه الله تعالی میفرماید: <sup>۴</sup> تَزْتَمَثْ جَمَّ حَمَّ حَمَّ سَمَّ سَمَّ سَمَّ سَمَّ

ترجمه: پس روی ات را با حق گرای تمام به سوی این دین بگردان. از فطرت الهی که مردم را بر اساس آن پدید آورده است (پیروی کن). آفرینش خداوند دگرگونی نمی پذیرد. دین استوار این است. ولی بیشتر مردم نمی دانند.

۱- مساوی الاخلاق و اثرها علی الامة، خالد بن حامد حازمی ناشر: وزارت شؤون الاسلامی الدعوة و الارشاد ص ۱۴۶، تربیه الاولاد فی الاسلام ۱۳۷/۱، الوجیزة فی الاخلاق الاسلامیه ص ۲۲۷.

۲- رواه الشیخان، و لفظه للبخاری، صحیح البخاری ۹۴/۲، شماره حدیث ۱۳۵۸، صحیح مسلم ۲۰۴۷/۴، شماره حدیث ۲۶۵۸.

۳- مساوی الاخلاق و اثرها علی الامة ص ۱۴۵.

۴- سوره الروم آیه ۳۰.

از فطرت درست و سالم حفظ نفس انسانی و منع آن از انحراف و فساد و مقاومت آن در برابر شهوات با تمام اشکال آن است تا او بطرف جاده حق و اصلاح حرکت کند و این چیز بالای اخلاق اطفال تاثیر می اندازد و ایشان را به اخلاق فاضله نشأ و نمو میدهد.

با در نظر داشت هدایت الله جل جلاله، امری را بیان میداریم که لازمی است تا انسان در مراحل نشأ و نموی اطفال بر آن تمرکز کند تا آنها به اخلاق فاضله آراسته شوند که ذیلاً به ذکر آن امر مهم میپردازیم:<sup>۱</sup>

**صدق:** و این از اساساتی است که جامعه بر آن استوار میگردد و کذب از بزرگترین اسباب فساد جامعه و قطع روابط میان افراد آن است. از اینرو اسلام آن را یک امر خطیر میداند، چنانچه پیامبر علیه السلام می فرماید: *إن الصدق يهدي إلى البر، وإن البر يهدي إلى الجنة، وإن الرجل ليصدق حتى يكون صديقاً وإن الكذب يهدي إلى الفجور، وإن الفجور يهدي إلى النار، وإن الرجل ليكذب حتى يكتب عند الله كذاباً.*<sup>۲</sup> ترجمه: بدون شک صدق بطرف نیکوئی هدایت میکند و نیکوئی انسان را به جنت می رساند، و انسان همواره به صدق عمل میکند تا آنکه از صدیقین محسوب می گردد. و کذب بطرف نافرمانی و فجور هدایت میکند و فجور انسان را بطرف دوزخ سوق میدهد و انسان همواره دروغ میگوید تا آنکه نزد الله از دروغ گویان بحساب میرود.

به همین ترتیب زمانیکه اطفال بر صدق و دوری از کذب پرورش می یابند و این ارزش ها در وجود شان غرس شوند در وقت بلوغ مشکل است که بر خلاف آن عمل نمایند؛ زیرا کسی که در عاداتی بزرگ شود به آن پایبند خواهد ماند. زمانیکه این فضایل در نفوس اطفال جاگزین شود در تمام تصرفات آنها اثر آن انتقال می یابد و اطفال در تصرفات خود مسئولیت احساس میکنند پس آنها در برابر دیگران امین و مؤدب می باشند و به هرکس حقتش را میدهند و بالای کس ظلم نمی نمایند.<sup>۳</sup>

و تمام این چیزها ضروری است که در والدین بحیث قدوه موجود باشد، یعنی تربیه آنها در مورد اطفالش مطابق تصرفاتش باشد، پس قول آنها از افعال شان مخالفت نداشته باشد و حب پیامبر صلی الله علیه وسلم و صحابه و صالحین و اقتداء و پیروی افعال آنها در اعماق قلوب شان جا داشته باشد. تا پیامبر صلی الله

۱- مساوی الاخلاق ص ۱۴۶، تربیه الاولاد فی الاسلام ۱/۱۳۷، الوجیزه فی الاخلاق الاسلامیه و اسسها ص ۲۲۷.  
۲- متفق علیه و لفظ آن از بخاری، صحیح بخاری/۲۵/۸، شماره حدیث ۶۰۹۴، صحیح مسلم ۴/۲۰۱۲، شماره حدیث ۲۶۰۷.  
۳- مساوی الاخلاق ص ۱۴۶، تربیه الاولاد فی الاسلام ۱/۱۳۷، الوجیزه فی الاخلاق الاسلامیه و اسسها ص ۲۲۷.



ترجمه: و بدانید که خدا میداند آنچه را که در دل های شماست پس از وی بترسید و بدانید که خدا آمرزنده بر دبار است.

انسان باید یقین داشته باشد که الله تعالی غافل نمی شود، بخواب نمی رود و بالای کسی ظلم نمی کند پس هر یک راجع به اقوال و افعالش مورد محاسبه قرار می گیرد.

بنا بر تصور بر مراقبت الله تعالی مسلمانان بطرف معاصی پیش نمی رود بلکه کوشش می کند که اعمال صالحه انجام بدهد. چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»<sup>۱</sup>.

ترجمه الله جل جلاله را چنان عبادت کن گویا تو او را می بینی پس اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند. پس به این ترتیب انسان به رضای او تعالی نایل میگردد.

و بعداً دروازه توبه به روی همه باز است الله تعالی التجای هیچ کس را رد نمی کند. هر چند گناهایش به اندازه کف بحر باشد. الله جل جلاله می فرماید: أَسْءَلُكَ عَنْ كَلِّ رِجْلٍ يَرُدُّهَا إِلَى رَبِّهَا <sup>۲</sup> .

ترجمه: پس هر آنکس که بعد از ستمش توبه کند و کار شایسته بعمل آورد پس هر آینه خدا به رحمت بر وی باز میگردد هر آینه خدا آمرزنده مهربان است. اگر باب توبه بسته شود هیچ کس بطرف راه راست نمی آید و هر عاصی بر معصیت خود اصرار خواهد ورزید بلکه اصرار بر گناه او را و میدارد که محارم الله را بیشتر زیر پا کند که بر آن افراد جامعه بیشتر بطرف خساره میروند.

### مطلب سوم: پخش اخلاق نیکو

طوریکه اسلام انسان را تشویق می کند که حقوق همسایه خود را در نظر دارد و پاسداری از حقوق معامله حسنه و اخلاق حمیده است. پیامبر علیه السلام در این مورد می فرماید: «وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ، وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ، وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ قِيلَ: وَمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَأْمَنُ جَارَهُ بَوَائِقِهِ»<sup>۳</sup>.

ترجمه: به الله قسم مومن نیست، به الله قسم مومن نیست، به الله قسم مومن نیست، پرسیده شد ای رسول الله چه کسی مومن نیست؟ فرمودند: آنکه همسایه اش از ضررش در امن نباشد.

۲- رواه الشيخان صحيح بخارى ۱۹/۱ حديث شماره ۵۰، صحيح مسلم ۳۸/۱ حديث شماره ۸.

۳- سورة المائدة آيه ۳۹.

۱- صحيح بخارى ۱۰/۸ حديث شماره ۶۰۱۶.

پس تمام عبادات، تصرفات و اقوال انسان تلاش های است که اخلاق او را تمثیل می کند تا او در دنیا زندگی پسندیده داشته باشد.

به همین ترتیب است روزه؛ زیرا اگر روزه انسان را از محرمات باز ندارد روزه مقبول نیست، پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «من لم يدع قول الزور والعمل به، فليس لله حاجة في أن يدع طعامه وشرابه»<sup>۱</sup>.

ترجمه: کسی که دروغ و عمل به آن را ترک نکند الله تعالی به ترک طعام و آب او نیاز ندارد.

اسلام به اخلاق نیکو دستور میدهد تا جامعه در نتیجه آن یک جامعه درخشانده و مملو از فضایل و آداب و حافظ حقوق دیگران بار آید؛ زیرا این یک اصل از اصول زندگی است. بلکه اسلام بالای کسانی که با اخلاق نیکو مخالفت می نمایند عقوبات وضع نموده است.

اخلاق حسنه از خلال مواعظ و سخنرانی ها نمی آید بلکه باید برای آن یک الگو و قدوه باشد و بهترین الگو، اسوه و قدوه برای نوع انسان پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم است.

مهمترین چیزی که برای وقایه از تزویر بر آن باید تمرکز داشت صدق است، صدق از مهمترین روابطی است که انسان را به جامعه مربوط می گرداند. با صدق موانع بزرگ در میان انسان ها از بین می رود<sup>۲</sup> و بر عکس کسی که به کذب متصف باشد موانع زیادی بین خود و جامعه ایجاد میکند؛ زیرا کذب از بدترین خلق هاست.

الله تعالی می فرماید: «أَمْ لَمْ يَكُنْ لَهُ بَیِّنَاتٌ مِّنْ لَّدُنِّي وَأَنَّهُ يُكَذِّبُ الْبَیِّنَاتِ»<sup>۳</sup>  
ترجمه: جز این نیست که دروغ را افتراء میکنند آنانکه به آیه های خدا ایمان ندارند و ایشان دروغگوینانند. همچنان پیامبر علیه السلام میفرماید: «إن الصدق يهدي إلى البر، وإن البر يهدي إلى الجنة، وإن الرجل ليصدق حتى يكون صديقا وإن الكذب يهدي إلى الفجور، وإن الفجور يهدي إلى النار، وإن الرجل ليكذب حتى يكتب عند الله كذابا»<sup>۴</sup>.

ترجمه: بدون شک صدق بطرف نیکویی هدایت میکند و نیکویی انسان را به جنت می رساند، و انسان همواره به صدق عمل میکند تا آنکه از صدیقین محسوب می گردد. و کذب بطرف نا فرمانی و فجور

۲- صحیح بخاری ۲۶/۳، حدیث شماره ۱۹۰۳

۳- خلق المسلم ص ۱۰۷-۲۰۳، الوجیز فی الاخلاق الاسلامیه ص ۳۳

۱- سوره النحل آیه ۱۰۵.

۲- رواه الشیخان و لفظ آن از بخاری، صحیح بخاری ۲۵/۸، شماره حدیث ۶۰۹۴، صحیح مسلم ۲۰۱۲/۴، شماره حدیث ۲۶۰۷





و در اخیر باید گفت که الله تعالی با لطف و مهربانی خود مرا همین قدر توفیق داد که بیان داشتم اگر درست باشد از جانب او تعالی است و اگر خطا باشد از جانب نفس من و شیطان است. از الله تعالی می خواهم که این تلاش مرا خاص بخاطر خشنودی خود بگرداند و آن را در روز قیامت در میزان حسناتم جمع کند و مسلمانان از آن فایده بردارند.

## نتیجه گیری

الله تعالی را شکر گزار هستیم که نعمات خود را بر من ارزانی نموده و درود و سلام بر ناجی بشریت. در اخیر این تحقیق و بعد از توضیح کردن تزویر با تمام مباحث شامل آن و بعد از بحث، تحقیق و تدقیق در اقوال مفسرین و محدثین و آرای فقهاء و تلاش در امهات الکتب و متون قادر شدم که نتایج و ثمرات زیادی بدست آرم و مهمترین آن ها را اینطور خلاصه می کنم.

۱. تزویر منحرف ساختن از حق و پرده کشیدن بر باطل است به قصد فریب که بر آن ضرر به دیگران مرتتب میشود.
۲. حکم به معنی قضا و فیصله میباشد و حکم از دیدگاه علماء اصول عبارت است از خطاب خداوند جل جلاله به افعال مکلفین از طریق اقتضاء یا تخییر یا وضع.
۳. اصطلاحات هم وجود دارد که مرتبط به تزویر بوده مانند غش، کذب، تدلیس، تلبیس، تصحیف و شهادت دروغین که اینها همه از جانب مردم با تزویر خلط میشوند اما در این تحقیق فروق شان با تزویر بیان گردیده است.
۴. هر جرم دارای سه رکن (شرعی، مادی و معنوی) میباشد.
۵. تزویر انواع مختلف دارد که میتوان به طور خلاصه به آن اشاره نمود تزویر در افعال تزویر در نقود و تزویر الکترونیکی، تزویر در افعال دو نوع میباشد تزویر در نکاح و تزویر در معاملات، و نوع شایع و گسترده آن که امروز رایج میباشد تزویر الکترونیکی میباشد.
۶. تزویر نقدی؛ این نوع تزویر در اموال نقدی با کم کردن مقدار آن صورت می گیرد مانند تزویر در مسکوکات و پول حقیقی یا تنقیص قیمت آن یا کم کردن وزن و حجم مال.
۷. نوع دیگر تزویر در اسناد میباشد که اسناد دو نوع اند: اسناد عرفی و اسناد رسمی.
۸. تزویر الکترونیکی عبارت است از عمل جرمی که از طریق یکی از وسایل الکترونیکی مانند: ایمیل، مسج، ویب سایت و غیره صورت می گیرد.
۹. جرم تزویر را زمانی می توان جرم پنداشت که شخص دیگر از آن متضرر گردد.
۱۰. جرم تزویر به سه طریق (اقرار یا اعتراف، شهادت و قرائن) ثابت میگردد.
۱۱. اصل شهادت دروغین و تزویر واحد است لکن شهادت دروغ اکثراً در زمان گذشته صورت می گرفته است بنابر قلت اعتماد بر نوشته ها، اما در عصر ما تزویر انتشار یافته است بخاطر اعتماد محاکم و دوائر رسمی و معاملات مردم بر اسناد و وثیقه های تحریر شده.

۱۲. به تحقیق؛ حرمت و تحریم به قرآن و سنت ثابت است و دلایل در این رابطه زیاد است و اینکه این جرم از کبائر بشمار می رود و احادیث تمام آن در این باب صحیح است که نیاز به چیز دیگر برده نمی شود.

۱۳. تزویر به اعتبار ارتکاب و رفتار مجرمانه به تزویر مادی و معنوی تقسیم می شود. شیوه های تزویر مادی عبارت است از افزودن، حذف کردن و تعدیل آوردن. و شیوه های تزویر معنوی عبارت اند از تغییر آوردن در اقرار صاحب قضیه، جلوه دادن اقوال دروغ در قالب صحیح، تغییر اقوال و اقرارات متهم، تزویر ظاهر و آشکار.

۱۴. از جهت رکن معنوی تزویر از جرایم عمدی است و برای تحقق آن وجوده همه اجزاء و شرایط رکن معنوی (علم به حکم و علم به موضوع، سوء نیت عام و سوء نیت خاص) لازمی است.

۱۵. جعل و تقلید از جرایمی دارای ارتباط به تزویر بوده و از جمله جرایم مماثل تزویر به حساب می آیند و خیانت در امانت در اوراق دارای امضاء یا مهر نیز از جرایمی است که در بعضی موارد با تزویر مشابهت دارد.

۱۶. عدالت الهی که مجرم با آن مواجه میشود بزرگترین عامل است بر اینکه نظام جزای اسلام شامل ترین نظام هاست؛ زیرا اگر مجرم از عقوبت دنیوی فرار کند عقوبت اخروی را بطور یقینی باید در انتظار داشته باشد.

۱۷. نظام عقوبت و جزاء سهولت و نرمی شریعت اسلامی و شمولیت آن را بر تمام آنچه مخالف اوامر و نواهی الله تعالی است، ثابت میکند.

۱۸. عقوبت تعزیری بر جرم تزویر به امام مربوط میشود که هرچه را او مناسب زجر مجرم و عبرت دیگران بداند و با در نظر داشت ظروف و شرایط محیطی جرم و مجرم بر مرتکب تجویز کند.

۱۹. ضروری است که جرم تزویر بر فاعل ثابت شود سپس تاکید بر عدم وجود اسباب رفع مسئولیت جنایی و تاکید بر عدم وجود اسباب رفع عقوبت و سقوط آن صورت گیرد تا بعد از آن عقوبت جنایت کار ممکن گردد.

۲۰. اگر در جامعه از آغاز به تربیه اخلاقی اسلام ترکیز شود قادر خواهیم شد که از این جرم و عواقب آن نجات یابیم. و جامعه که بر منهج اسلام استوار باشد را به بار آوریم سپس با زیستن در جامعه که جز رضای او تعالی چیزی نمی خواهد می توانیم از مصایب در امان باشیم.

## پیشنهادات

پیشنهادات بنده بعد از تحقیق و به پایان رسیدن این رساله قرار ذیل خلاصه میگردد:

۱. برای والدین گرامی و بزرگان جامعه پیشنهاد می نمایم تا در عرصه تربیه و پرورش اطفال با جدیت تمام کوشا بوده و اطفال را با اخلاق حمیده و ایمانی و به دور از رذایل تربیه نمایند تا اطفال از همان آوان در ارتباط نزدیک به الله متعال قرار داشته و آن ذات را در همه احوال و حالات مراقب بدانند و از فریب کاری و تزویر بر حذر باشند.
۲. برای وزارت محترم معارف پیشنهاد می نماید تا مضمونی را تحت عنوان جرم و جرم شناسی در کریکولم درسی مکاتب برای صنوف ده الی دوازده اضافه نمایند تا نوجوانان از اعمال که از آنها سر میزند و عواقب و عقوبت آن به درستی آگاه بوده و وقوع در جرایم بر حذر باشند.
۳. برای وزارت محترم تحصیلات عالی کشور پیشنهاد دارم تا موضوع حقوق جزاء را مختص برای پوهنچی های شرعیات و حقوق قرار نداده بلکه لا اقل برای یک سمستر در کریکولم درسی سایر پوهنچی ها نیز بگنجانند.
۴. به علماء و قلم به دستان عرصه علم و تحقیق مشخصاً به محققان پیشنهاد می نمایم تا در این مورد تحقیقات همه جانبه و گسترده تر و به زبان های ملی کشور ما اعم از پشتو و دری انجام داده و در خدمت هموطنان ما بگذارند.
۵. لازم است تا عقوبت مزور زاجره و رادعه باشد بناءً به دولت محترم افغانستان پیشنهاد می نمایم تا در مجازات مزورین مطابق فقه اسلامی تزکیز بیشتر بر تشهیر این مجرمین داشته باشند تا اگر از الله نترسیده و چنین اعمال را مرتکب میشوند از افشاء شدن اعمال رذیله شان در بین مردم هراس داشته باشند و محاکم محترم باید برای مزورین اشد مجازات را تطبیق نماید تا عبرتی برای غیر باشد.
۶. برای عموم مردم عزیز خود پیشنهاد می نمایم تا در عرصه افشای مجرمین به خصوص مزورین با دولت همکار باشند تا بدین وسیله امکانات پاک شدن جامعه از این رذایل فراهم آید و شهروندان محترم با آسایش و امنیت تمام زندگی نمایند.



١٢	٣٢	الإسراء	□ □ □ □ □ □ □ □ □ □	٢٤
١٣	٧٨	الإسراء	□ □ □ □ □ *	٢٥
٩	١٧	الكهف	□ □ □ □ □ بي	٢٦
٢٠	٤٩	الكهف	بي بي تر □ □ تن تي	٢٧
٨٢	١٠٧	الأنبياء	□ □ □ □ □ □	٢٨
١٠-٢٨-٥٥	٣٠	الحج	تهش □ جم □ حم □ خم □ سم	٢٩
٥٦	٤	الفرقان	□ □ □ □ □ *	٣٠
٥٦	٧٢	الفرقان	□ □ □ □ □ □ □ □ □ □	٣١
٨٤	٣٠	الروم	□ □ □ خم □ حم □ جم □ تهش	٣٢
٩١	٢١	الأحزاب	□ □ □ □ □ □ □ □ □ □ □ □	٣٣
٨٩	٧٢	الأحزاب	□ □ □ □ □ سم □ □	٣٤
٥٨	٦٠	الزمر	□ □ □ بر □ □ □ □ □ □ □ □	٣٥
٨٣	٥٦	الذاريات	□ □ □ □ □ □ □ □	٣٦
١١	٣-٤	النجم	□ □ □ □ □ □ □ □ □ □	٣٧
٥٦	٢	المجادلة	□ □ □ □ □ بي □ □ □ □	٣٨
١٢	١٠	الجمعة	□ □ □ □ □ بي *	٣٩
٤٤	١-٤	المطففين	□ □ □ خم □ حم □ جم □ تهش	٤٠

## فهرست احاديث

شماره	متن حديث	صفحه
١	أن اعظم المسلمين في المسلمين جرماً	٢٥
٢	ألا أنبئكم بأكبر الكبائر	٦٠
٣	أربع من كن فيه كان منافقا	٦٤
٤	اضمنوا لى ستا من انفسكم	٦٥
٥	اذكرو الفاسق بما فيه ليحذره الناس	٧٧
٦	الاحسان ان تعبد الله كأنك تراه	٨٨-٨٤
٧	الا و ان فى الجسد	٨٦
٨	بيع المحفلات خلاية	٣٧
٩	رفع القلم عن ثلاثة	٣٢
١٠	لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم التشبهين من الرجال بالنساء	٤١
١١	لعن الله الواشمات و المستوشمات	٤١
١٢	لا ايمان لمن لا امانة له	٦٤
١٣	لا ضرر و لا ضرار	٥٨
١٤	لا تجلدو فوق عشرة	٧٦
١٥	من غشنا فليس منا	٣٩-٣٧
١٦	من لم يدع قول الزور	٦٠-٨٧
١٧	من بلغ حد فى غير حد	٧٦
١٨	مثل المومنين فى توادهم و تراحمهم	٨٢
١٩	ما من مولود الا يولد على الفطرة	٨٣
٢٠	والله لا يومن والله لا يومن	٨٧

## فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
۱	شهاب الدين (ابن حجر هيثمي)	۷۰
۲	محمد (احمد ذهبی)	۷۰
۳	نعمان (ابو حنيفه)	۸۱
۴	شريح (قاضی شريح)	۸۳



## مصادر و مراجع

١. قرآن كريم.
٢. أحكام الجراحه الطيبية، محمد بن محمد المختار شنقيطى، مكتبة الصحابة الشارقة - إمارات، ١٤٢٤ هـ، الطبعة الثالثة.
٣. أحكام جراحة التجميل فى الفقه الاسلامى، محمد عثمان شبير، الناشر: مكتبة العلوم - الكويت، ب - ت.
٤. أحكام جرائم التزوير فى الفقه الاسلامى، سامر برهان محمود حسن، المملكة الفلسطينى، جامعة النجاح الوطنيه، ٢٠١٠م.
٥. الإحكام فى اصول الأحكام، سيد الدين على بن محمد أبو الحسن الأمدى، الناشر: المكتب الإسلامى، بيروت - دمشق - لبنان، ب - ت، تحقيق عبدالرازق عفيفى.
٦. الأشباه و النظائر، عبدالرحمن بن ابى بكر جلال الدين سيوطى، الناشر: دار الكتب العلميه، ١٤١١ هـ / ١٩٩٠م، الطبعة الأولى.
٧. إعلام الموقعين عن رب العالمين، محمد بن أبى بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية، الناشر: دار الكتب العلميه - بيروت، ١٤١١هـ/١٩٩١م، الطبعة: الأولى، تحقيق محمد عبدالسلام إبراهيم.
٨. الأعلام، خير الدين بن محمود بن محمد الزركلى، الناشر: دار العلم للملايين - دمشق، ٢٠٠٢م، الطبعة: الخامسة عشر.
٩. البحر الرائق شرح كنز الدقائق، زين الدين بن ابراهيم بن محمد المعروف بابن نجيم المصرى، الناشر: دار الكتاب الإسلامى ب - ت، الطبعة: الثانية.
١٠. البحر المحيط فى أصول الفقه، أبو عبدالله بدرالدين محمد بن بن عبدالله بن بهادر الزركشى، الناشر: دار الكتبي، ١٤١٤هـ/١٩٩٤م، الطبعة: الأولى.
١١. بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، علاء الدين الكاسانى، الناشر: دار الكتب العربى - بيروت، ١٩٨٢م.
١٢. البدر المنير فى تخريج الأحاديث و الآثار الواقعة فى شرح الكبير، ابن الملقن سراج الدين أبو حفص عمر بن على بن أحمد الشافعى المصرى، الناشر: دار الهجرة للنشر و التوزيع - الرياض - السعوديه، ١٤٢٥هـ/٢٠٠٤م، الطبعة: الأولى، المحقق: مصطفى أبو الغيط و عبدالله بن سليمان و ياسر بن كمال.

١٣. البنياه شرح الهداية، أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي، بدر الدين العيني، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان، ١٤٢٠هـ/٢٠٠٠م، الطبعة: الأولى.
١٤. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد عبدالرزاق الحسيني أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الناشر: دار الهداية، ب - ت، المحقق: مجموعة من المحققين.
١٥. تحليل جرم جعل و تزوير، ميرزا مهدي سالاري، ناشر: انتشارات جنگل، جادوانه - تهران، ١٣٩١هـ، طبع: اول.
١٦. تربية الأولاد في الاسلام، عبدالله ناصح علوان، الناشر: دار السلام، ١٤٢٣ هـ، طبعة: ٣٨.
١٧. التزوير المادي و المعنوي، أحمد ابراهيم سيد، الناشر: دار الفكر الجامعي، ٢٠٠٣م.
١٨. التشريع الجنائي الإسلامي مقارناً بالقانون الوضعي، عبدالقادر عودة، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ٢٠٠٥م، الطبعة: الأولى.
١٩. التعريفات، علي بن علي الجرجاني، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، ١٤٠٥هـ، الطبعة: الاولى، تحقيق: ابراهيم الأبياري.
٢٠. التعزير في الشريعة الإسلامية، عبدالعزيز عامر، الناشر: مطبعة مصطفى الباني الحلبي - مصر، ١٩٥٧م، الطبعة: الثالثة.
٢١. جامع البيان في تأويل القرآن، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير الطبري، الناشر: مؤسسة الرسالة، ١٤٢٠هـ/٢٠٠٠م، الطبعة: الأولى، المحقق: أحمد محمد شاكر.
٢٢. جرائم التزوير المحررات، أحمد محمود خليل، الناشر: المكتب الجامعي الحديث، ٢٠٠٨م.
٢٣. جرائم التزوير و الرشوة في أنظم المملكة العربية السعودية، عبدالفتاح خضر، سايت انترنتى [WWW.Kotobarabia.com](http://WWW.Kotobarabia.com)
٢٤. جرائم عليه امنيت و آسايش عمومي، حسن پور بافراني، ناشر: انتشارات جنگل، جادوانه - تهران، ١٣٩٠، طبع: اول.
٢٥. جريمة التزوير الإلكتروني في النظام السعودي، عبدالرحمن مهل الروقي، المملكة السعودية العربية - الرياض، جامعه: نايف العربية للعلوم الأمنية، ١٤٣٦هـ/٢٠١٥م.
٢٦. جريمة التزوير في التشريع الفلسطيني، أحمد حسن سعيد خليل، المملكة: فلسطين، جامعه: إسلامية - غزة، ١٤٣٦هـ/٢٠١٥م.
٢٧. الجريمة و العقوبة في الفقه الإسلامي، محمد أبو زهرة، القاهرة: دار الفكر العربي، ١٣٩٨هـ.

٢٨. جعل و تزوير و جرايم وابسته، عباس منصور آبادى و محمد جواد فتحى، ناشر: پور روشن - تهران، ١٣٩٢ طبع: دوم.
٢٩. حاشية الدسوقى على الشرح الكبير، محمد بن احمد بن عرفة الدسوقى، الناشر: دار الفكر، بدون طبع بدون تاريخ.
٣٠. الحاوى الكبير فى فقه مذهب الإمام الشافعى و هو شرح مختصر المزنى، أبو الحسن على بن محمد بن محمد بن حبيب البصرى، الشهير بالماوردى، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، ١٤١٩هـ / ١٩٩٩م، الطبعة: الأولى، المحقق: الشيخ على محمد معوض - الشيخ عادل أحمد عبدالموجود.
٣١. حقوق جزاى اختصاصى، داد محمد نذير، انتشارات حامد رسالت - كابل، ١٣٩٤ هـ ش، طبع: اول.
٣٢. حقوق و وجايب شرح قانون مدنى افغانستان، نظام الدين عبدالله، ناشر: انتشارات سعيد، بهار ١٣٩٥، چاپ پنجم با تجديد نظر كامل و اضافات.
٣٣. درر الحكام فى شرح مجلة الأحكام، على حيدر خواجه أمين أفندى، الناشر: دار الجيل، ١٤١١هـ / ١٩٩١م، الطبعة الأولى.
٣٤. الذخيرة، أبو العباس شهاب الدين أحمد بن إدريس القرافى، الناشر: دار الغرب الإسلامى - بيروت، ١٩٩٤م، المحقق: جزء ١، ٨، ١٣: محمد حجى / جزء ٢، ٦: سعيد أعراب / جزء ٣، ٥، ٧، ٩، ١٢: محمد بو خبزة، الطبعة: الأولى.
٣٥. روضة الناظر و جنة المناظر فى أصول الفقه على المذهب الإمام أحمد بن حنبل، أبو محمد موفق الدين عبدالله بن أحمد بن محمد بن قدامه المقدسى، الناشر: مؤسسة الريان للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٢٣هـ / ٢٠٠٢م، الطبعة: الثانية.
٣٦. سنن ابن ماجه، ابن ماجه أبو عبدالله محمد بن يزيد القزوينى، الناشر: دار أحياء الكتب العربية، فيصل عيسى البابى الحلبي، ب - ت تحقيق: محمد فواد عبدالباقى.
٣٧. سنن أبى داود، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير السجستاني، الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت، ب - ت، المحقق: محمد محى الدين عبد الحميد.
٣٨. الشبهات و أثرها فى العقوبة الجنائية فى الفقه الإسلامى مقارنا بالقانون، منصور محمد منصور الحفناوى، الناشر: مطبعة الأمانة، ١٤٠٦ هـ / ١٩٨٦م، الطبعة: الأولى.

٣٩. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، أبو نصر إسماعيل بن حماد الجوهري الفارابي، الناشر: دار العلم للملايين - بيروت، ١٤٠٧هـ / ١٩٨٧م، الطبعة: الرابعة: تحقيق: أحمد عبدالغفور عطار.
٤٠. صحيح البخارى، محمد ابن إسماعيل أبو عبدالله البخارى، الناشر: دار طوق النجاة، ١٤٢٢هـ، الطبعة: الأولى، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر.
٤١. صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري، الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، ب - ت، المحقق: محمد فؤاد عبدالباقي.
٤٢. العناية شرح الهداية، محمد بن محمد بن محمود البابر، الناشر: دار الفكر، بدون طبع و بدون تاريخ.
٤٣. فتاوى أهل السنة و الجماعة، سايت جامع فتاوى اهل سنت و جماعت.
٤٤. فتح البارى شرح صحيح البخارى، أبو الفضل أحمد بن على بن حجر العسقلانى، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩هـ ش.
٤٥. فتح القدير، محمد بن على بن محمد بن عبدالله الشوكانى اليمنى، الناشر: دار ابن كثير، دار الكلم الطيب - دمشق - بيروت، ١٤١٤هـ، الطبعة: الأولى.
٤٦. الفروع، محمد بن مفلح بن محمد بن مفرج، أبو عبدالله، شمس الدين المقدسى، الناشر: مؤسسة الرسالة، ١٤٢٤هـ / ٢٠٠٣م، الطبعة: الاولى، المحقق: عبدالله بن عبدالمحسن التركي.
٤٧. فرهنگ فارسى معين، دكتور محمد معين، الناشر: انتشارات امير كبير - تهران، ١٣٦٢هـ ش.
٤٨. فسير القرآن العظيم (ابن كثير) أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشى الدمشقى، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ١٤١٩هـ، المحقق: محمد حسين شمس الدين، الطبعة: الاولى.
٤٩. الفقه الإسلامى و أدلته، وهبة بن مصطفى الزحيلي، الناشر: دار الفكر - سوريه - دمشق، ب - ت، الطبعة: الرابعة، (وهى الطبعة الثانية عشرة لما تقدمها من طبعات مصورة).
٥٠. فن جراحة التجميل، حسن قزوينى، الناشر: شركة مونمارتز للطبع و النشر - باريس - فرانسه. ب - ت.
٥١. القاموس الفقهى لغة و اصطلاحاً، الدكتور سعدى أبو حبيب، الناشر: دار الفكر، دمشق - سوريه، ١٤٠٨هـ / ١٩٨٨م، الطبعة: الثانية.
٥٢. الكافى فى فقه أهل المدينة، أبو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد القرطبى، الناشر: مكتبة الرياض الحديثة، الرياض - المملكة العربية السعودية، ١٤٠٠هـ / ١٩٨٠م، الطبعة الثانية، المحقق: محمد محمد أحمد ولد ماديك الموريتانى.

٥٣. الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، أبو القاسم محمود بن عمر بن أحمد الزمخشري، الناشر: دار الكتب العربي - بيروت، ١٤٠٧ هـ، الطبعة: الثالثة.
٥٤. لسان العرب، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور، بيروت - دار صادر، ب - ت، الطبعة: الأولى.
٥٥. المبسوط، محمد ابن احمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٤١٤هـ/١٩٩٣م، بدون طبعة.
٥٦. مجموع الفتاوى، تقى الدين أبو العباس أحمد بن عبدالحليم بن تيمية الحراني، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة المنورة - المملكة العربية السعودية، ١٤١٦هـ/١٩٩٥م، المحقق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم.
٥٧. المحيط في اللغة، اسماعيل بن عباد، تحقيق محمد حسن آل ياسين ١/٤٣١.
٥٨. مختار الصحاح، زين الدين أبو عبدالله محمد بن أبي بكر الرازي الحنفي، الناشر: المكتبة العصرية - الدار النموذجية، بيروت - صيدا ١٤٢٠هـ/١٩٩٩م، الطبعة: الخامسة، المحقق: يوسف الشيخ محمد.
٥٩. المدخل الفقهي العام، احمد مصطفى الزرقاء، الناشر: مطبعة طرفين - دمشق، ١٣٨٤.
٦٠. المدونة، مالك بن انس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني، الناشر: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ هـ/ ١٩٩٤م، الطبع: الأولى.
٦١. مساوى الاخلاق و اثرها على الامة خالد بن حامد الحازمي، الناشر: وزارة الشؤون الاسلامية و الدعوة والارشاد.
٦٢. المسئولية الجنائية في الفقه الإسلامي، أحمد فتحي بهنسي، الناشر: دار الشروق - القاهرة - بيروت، ١٤٠٩هـ/١٩٨٨م، طبعة: الرابعة.
٦٣. المصباح المنير، أحمد بن محمد بن علي الفيومي ثم الحموي، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، ب - ت.
٦٤. معالم أصول الفقه عند اهل السنة و الجماعة، محمد بن حسين بن حسن الجيزاني، الناشر: دار ابن الجوزي - بيروت، ١٤٢٧ هـ، الطبعة: الخامسة.
٦٥. معجم اللغة العربية المعاصرة، أحمد مختار عبد الحميد عمر، الناشر: عالم الكتب، ١٤٢٩ هـ / ٢٠٠٨م، الطبعة: الأولى.
٦٦. معجم المصطلحات الإقتصادية في لغة الفقهاء، نزيه حماد، الناشر: المعهد العالمي الاسلامي - بيروت - لبنان، ١٤١٤ هـ، الطبعة: الأولى.

٦٧. المعجم الوسيط، مجمع اللغة العربية بالقاهرة، (إبراهيم مصطفى/ أحمد الزيات/ حامد عبدالقادر/ محمد النجار)، الناشر: دار الدعوة، ب - ت.
٦٨. معجم مقاييس اللغة، أبو الحسين أحمد بن فارس القزويني الرازي، الناشر: دار الفكر، ١٣٩٩هـ/١٩٧٩م، المحقق: عبدالسلام محمد هارون.
٦٩. المغني، أبو محمد موفق الدين عبدالله بن احمد بن محمد ابن قدامه الجماعيلي المقدسي، الناشر: مكتبة القاهرة، بدون طبع و بدون تاريخ.
٧٠. مقارنة و تطبيق در حقوق جزای عمومی اسلام، على رضا فيض، ناشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - تهران، ١٣٨١هـ ش، چاپ ششم.
٧١. الموسوعة الجنائية، عبدالملك ب ك جندی، الناشر: مكتبة العلم للجميع - بيروت، ٢٠٠٥م، طبعة الاولى.
٧٢. الموسوعة الطبية الحديثة، مجموعه از اطباء، الناشر: مكتبة المدينة، ١٤١٣ هـ.
٧٣. الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية - الكويت من ١٤٠٤ الى ١٤٢٧ هـ ق، الطبعة الثانية، كويت: دار السلاسل.
٧٤. المهذب في فقه الإمام الشافعي، أبو اسحاق إبراهيم بن على بن يوسف الشيرازي، الناشر: دار الكتب العلمية، بدون طبع و بدون تاريخ.
٧٥. الوجيز في الأخلاق الإسلامية و أسسها، عبدالرحمن حسن حبنكه الميداني، الناشر: المكتبة المكية، مؤسسة الريان - السعودية - بيروت، ١٤١٨ هـ، الطبعة: الاولى.
٧٦. الوجيز في القانون الجنائي العام، منصور رحمانى، الناشر: دار العلوم للنشر و التوزيع - بيروت، ١٤٢٧هـ / ٢٠٠٦م، طبعة: الاولى.

## **Summary of the discussion**

Tazwir is derived from the passive and infinitive of zoor and from the substantive zoor, and zoor in the word means falsehood and false speech, and shahadah zor means false testimony. Fraud means: making a falsehood appear true and a lie pretending to be true, embellishing a lie, deceiving and deceiving. The word tazvir has a general and broad meaning and a specific and narrow meaning. In a general sense, forgery refers to any kind of deception of the truth and changing the reality, and includes all crimes that involve fraud and lies, such as perjury, fraud, fraud in contracts, and forgery in a special sense, but forgery in a special sense is only It is applicable to the heart of truth and reality in writings, documents and such objects, such as signatures and seals, despite special conditions, which is mostly the intended meaning in statutory laws, but what you will study in this treatise It is a discussion that includes both of these meanings, and both meanings have been called in general.

In the same way, the use of documents and writings to express will and intention has a long history throughout human life, but in today's world, the application and use of this tool has developed to such an extent that it has become one of the important components of social life. And on the other hand, these documents are always abused by some people, and the most important form of abuse is forgery and the use of fake documents. And this act is one of the crimes that all criminal and civil authorities deal with on a daily basis. And despite this judicial procedure in this field is inadequate and the studies done about this crime do not make us unnecessary to examine it more deeply and more precisely.

And on the other hand, there is no detailed discussion on this matter in our national languages, and in this research, despite the lack of resources and lack of time, authoritative specialized and non-specialized sources of Islamic jurisprudence have been used, and the method of this research is an analytical

research method. be And in this treatise, an effort has been made to analyze this crime and examine its elements and components; Based on the discussion of the definition of forgery in Islamic jurisprudence, the beginning, its elements, types, and what is related to it, from serious harm and great warning, the penal sentences belonging to its perpetrator are stated, and by mentioning how to treat this problem and prevent it as much as possible, has been terminated.

Key words: forgery, sentence, false testimony, forgery, punishment.





**Salam University**

**Faculty of Sharia and Law**

**Master Program in Jurisprudence & Law**



**Islamic Emirate of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**DM of Academic Affairs**

**Defects and diseases of spouses and their effect on  
married life from the point of view of jurisprudence &  
law**

**A Master's thesis**

**Student: Sahra Momand**

**Supervisor: Dr. Najibullah Saleh**

**Year: 2023**



**Salam University**

**Faculty of Sharia & Law**

**Master program jurisprudence and law**



**Islamic Emarat of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**DM of Academic Affairs**

# **Hypocrisy and its verdict in Islamic jurisprudence**

**(A master's thesis)**

**Student: Zarlisht Nail**

**Supervisor: Dr. Abdullah Haqyar**

**Year: 2020**